

معرفت اسماء الحسنی و کاربرد آنها

یارب به لطف خویش گناهان ما ببوش

ریشه‌های شکل‌گیری بحث اسماء الهی را باید در کلام وحی جستجو نمود در سوره اسراء (آیه ۱۱۰) خداوند می‌فرماید خدا را (با اسم) الله یا (با اسم) رحمان بهر اسمی بخوانید اسماء نیکو همه مخصوص اوست زیرا اوصاف جمال و جلال حضرتش بیشمار است.

در سوره (الحشر آیه ۲۳ و ۲۴) خداوند می‌فرماید، اوست خدای یکتایی که غیر او خدائی نیست سلطان مقتدر عالم پاک از هر نقص و آلائش و منزّه از هر عیب و ناشایست ایمنی بخش (دلهای هراسان) نگهبان جهان و جهانیان غالب و قاهر بر همه خلقتان با جبروت و عظمت و بزرگواری و برتری (از حد فکرت) زهی منزّه و پاک خدای از هر چه بر او شریک پندارند (۲۳) - اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان نگارنده صورت خلقتان او را نامهای نیکوتر بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش اوصاف جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم (۲۴).

در آیات قرآن مجید نامهای نیکوی خدا آن چنانکه از سیاق آیات بر می‌آید، آشکار می‌گردد، اما گویا آنچه مسلمانان را ترغیب به شمارش و احصاء نامهای نیکوی پروردگار نمود، حدیث شریفی بود که شیعه و سنی آن را از قول پیامبر اکرم (ص) نقل کردند. آن حدیث چنین بود: (ان الله تسعة و تسعين اسماً من احصاها دخل الجنة) خداوند ۹۹ نام دارد هر که آن را بر شمارد به بهشت می‌رود. شاید بتوان کتاب (تفسیر اسماء الحسنی) اثر ابوالحسن ابراهیم بن السّری الزّجاج را از قدیمی‌ترین کتابهایی دانست که در مورد شرح اسماء الهی بصورت مستقل بدست ما رسیده است. اهمیت این کتاب از آن روست که حاکی از نخستین شرح مستقل لغویان اسلامی درباره اسماء الهی است.

حدیث مورد استناد زجاجی در شرح اسماء: مستند زجاجی در تالیف کتاب (اشتقاق اسماء الله) حدیث زیر است: (۱)

حدثني ابو عبد الله الحسين بن محمد الرازي قال حدثني ابو الفضل عبد الرحمن ابن معاوية العنبي بمصر قال: حدثني حبان بن نافع بن صخرين جویریة قال حدثني سفیان عن ابی الزناد عن الاعرج عن ابی هريرة ان رسول الله (ص) قال: ان تسعة و تسعين اسماً مائة آلاً واحداً من احصاها دخل الجنة.

حَبَّان می‌گوید: (داوود بن عمر و بن قنبل مکی گفت: از سفیان خواستیم که این ۹۹ اسم را بر ما املا کند. او وعده داد که آنها را استخراج کند. اما طول کشید نزد ابوزید رفتیم. و آن اسامی را بر ما املا کرد سپس نزد سفیان رفتیم و آن اسامی را بر او عرضه کردیم، چهار بار در آنها نگریست و گفت همان است، گفتیم پس آنها را بر ما قرائت کن، سفیان چنین قرائت کرد.

فی فاتحه الكتاب: یا الله / یارب / یارحمن / یا رحیم / یا مالک.

و فی البقرة: یا محیط / یا علیم / یا تواب / یا حکیم / یا بصیر / یا واسع / یا بدیع / یا سمیع / یا کافی / یا رؤف / یا شاکر / یا اله / یا واحد / یا غفور / یا حلیم / یا قابض / یا باسط / یا الاله الا هو / یا حی / یا قیوم / یا علّی / یا عظیم / یا ولی / یا غنی / یا حمید /

و فی آل عمران: یا قائم / یا وهّاب / یا سریع / یاخبیر.

و فی النساء: یا رقیب / یا حسیب / یا شهید / یا عفو / یا مقیت / یا وکیل.

و فی الانعام: یا باطن / یا ظاهر / یا قدیر / یا لطیف.

و فی الأعراف: یا نعم المولی / یا نعم النصیر.

و فی هود: یا حفیظ / یا قریب / یا مجیب / یا قوی / یا مجید / یا ودود / یا فعال.

و فی الرعد: یا کبیر / یا متعال.

و فی ابراهیم: یا فعان.

و فی حجر: یا خلاق.

وفی مریم: یا صادق / یا وارث.
 وفی المومنون: یا کریم.
 وفی النصر: یا حق / یا مبین / یا نور.
 وفی الفرقان: یا هادی.
 وفی سبأ: یا فتاح.
 وفی المؤمن: یا غافر / یا قابل / یا شدید / یا ذا الطول.
 وفی الزاریات: یا رزاق / یا ذا القوه / یا متین.
 وفی الطور: یا بار.
 وفی افتريت: یا مقتدر.
 وفی الرحمن: یا باقی / یا ذا الجلال / یا ذا الاکرام.
 وفی الحديد: یا اول / یا آخر / یا باطن.
 وفی الحشر: یا قدوس / یا سلام / یا مؤمن / یا مهیم / یا عزیز / یا جبار / یا مبتکر /
 یا خالق / یا باری / یا مصور.
 وفی البروج: یا مبدی / یا معید.
 وفی قل هو الله احد: یا احد / یا صمد.

شرح ابن بابویه قمی (م ۳۸۱ هـ) بر اسماء الحسنی.

تا آنجا که از آثار مکتوب شیعه بر جای مانده است، به غیر از شرح اسمائی که
 منسوب به امام رضا (ع) (م ۲۰۳ هـ) است و ترجمه خطی آن در کتابخانه (گنج بخش)
 به شماره ۳۷۶۴ دیده شده و گویا گردآوری باشد، مهم ترین و قدیمی ترین شرح مربوط
 است. به ابن بابویه (شیخ صدوق) که ذیل حدیث (۹۹) اسم در کتاب توحید به شرح
 اسماء پرداخته است. لازم به ذکر است که محدث بزرگ شیعی محمد بن یعقوب کلینی
 (م ۳۲۸ هـ) که پیش از شیخ صدوق کتاب ارزشمند اصول کافی را نگاشته، اگر چه به
 مباحث حدیثی کلامی مختلفی در باب اسماء الله اشاره دارد، اما حدیث ۹۹ اسم را
 به شکل تفصیلی کتاب توحید روایت نکرده و تنها در جایی در اصول به ۹۹ اسم
 اشاره کرده است.

حدیث مستند ابن بابویه

مستند ابن بابویه در شرح اسماء او که در کتاب التوحید آمده، حدیث زیر است، حدَّثنا احمد بن الحسن القطان با سنده عن سليمان بن مهران عن الصادق جعفر بن معمر عن ابيه محمد بن علي عن ابيه علي بن الحسين، عن ابيه الحسين بن علي عن ابيه علي بن ابي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله (ص): انَّ الله تبارك وتعالى تسعة وتسعين اسماً مائة آلاً واحدة من احصاها دخل الجنة و هي:

الله - الاله - الواحد - الاحد - الصمد - الأول - الآخر - السميع - البصير - القدير - الفاهر - العلي - الأعلى - الباقي - البديع - الباري - الاكرم - الظاهر - الباطن - الحق - الحكيم - العلیم - الحلیم - الحفیظ - الحق - الحسیب - الحمید - الخفی - الرب - الرحمن - الرحیم - الذاری - الرزاق - الرقیب - الرؤف - الرائی - السلام - المومن - المهین - العزیز - الجبار - المبتکر - السید - السبوح - الشهيد - الصادق - الصانع - الطاهر - العدل - العفو - الغفور - الغنی - الغیاث - الفرد - الفتاح - الخالق - القديم - الملك - القدوس - القوی - القریب - القيوم - القابض - الباسط - قاضی الحاجات - المجید - المولی - المئان - المحيط - المبین - المقیت - المصوّر - الکریم - الکبیر - الکافی - کاشف الخیر - النور - الوهاب - الناصر - الواسع - الردود - الهادی - الوفی - الوکیل - الوارث - البّر - الباعث - التوّاب - الجلیل - الجواد - الخبیر - الخالق - خیر الناصر - الدیان - الشکور - العظیم - اللطیف - الشافی.

شیوه ابن بابویه

روش ابن بابویه در شرح اسماء الله روش لغوی و روایی است، مستندات و شواهد لغوی وی بسیار شبیه آثار شرح لغویانی است.

تاثیر مکتب اشعری بر شروح اسماء

بی مناسبت نخواهد بود تا از تأثیری سخن به میان آید که ابوالحسن اشعری (م ۳۳۴

یا ۳۳۰ ه) پایه گذار مکتب اشعری بر کلام و نیز در خراسان و ماوراءالنهر بر جای گذاشت. سلسله شاگردان اشعری بر کلام و نیز در خراسان و ماوراءالنهر بر جای گذاشت. سلسله شاگردان اشعری که همه شافعی مذهب اند، بخشی از تاریخ حدیث و کلام را به تصوف پیوند می‌زنند و به همین دلیل، می‌توان شارحان اسماء را از ابوسلیمان خطایی (۳۸۸ ه) تا بیهقی (۴۵۸ ه) ابوالقاسم قشیری (م ۴۶۵ ه) ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ه) و فخررازی (م ۶۰۶ ه) را به یکدیگر پیوند داد. جالب است که دانسته شود این تحول تاریخی در یک سیر طبیعی و منظم در دامن خراسان اتفاق می‌افتد و از لغت و حدیث آغاز و به کلام و تصوف پایان می‌پذیرد.

شرح مولی هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ه)

شرح سبزواری بر اسماء الحسنی که در حقیقت شرح دعای جوشن کبیر است به کوشش دکتر (نجفعلی حبیبی) منتشر شده است. سبزواری در مشهد و اصفهان درس خوانده و از لحاظ مشرب فکری از پیروان مکتب ملاصدرا است. از آثار وی شرح منظومه در منطق و حکمت، اسرارالحکم، شرح مثنوی، شرح السبراس و نظایر آن می‌توان نام برد. مستند سبزواری در شرح اسماء دعای معروف به جوشن کبیر است که بحث درباره صحت استناد آن بر معصوم (ع) صورت نگرفته است. همچنین عمده‌ترین منابع سبزواری بر شرح اسماء علاوه بر اقوال ائمه اطهار (ع) که از کتب حدیثی شیعه نقل شده است، منابع فلسفی است بنابراین شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی (م ۵۸۲ ه) میرداماد، صدرالمتهلین، ملاصدرای شیرازی، محیی الدین ابن عربی (م ۵۴۳ ه) ابوعلی سینا و ابونصر فارابی مهم‌ترین منابع فلسفی، عرفانی او را تشکیل می‌دهند. سبزواری در شرح خود علاقه زیادی به علم حروف نشان می‌دهد و او به حروف نورانی و حساب ابجد باور دارد. او همچنین سطح بحث درباره اسماء الحسنی را از اختلاف نظر متکلمین اعم از اشاعره و معتزله با صوفیان به اختلاف دیدگاههای فلاسفه یعنی اشراقیان و مشائیان نیز می‌کشاند و از این لحاظ در بحث اسماء ادبیات جدیدتری رخ می‌نماید.

بنظر می‌رسد که شیوه شرح سبزواری بیش از آنکه به سبک شارحین ۹۹ اسم شبیه باشد، شرح دعا و همچنین بیان یافته‌ها و نکات فلسفی، عرفانی دعای جوشن کبیر است. از این رو، شرح اسامی پروردگار غالباً کوتاه و موجز و با ادبیات فلسفی است.

معنای احصاء: در مورد احصاء اسماء الحسنی که برابر حدیث ۹۹ اسم، هر کسی بدان دست یابد به بهشت می‌رود، از همان ابتدا در معنای آن اختلاف شده است. در شرح اسماء زجاج که تقریباً می‌توان گفت قدیمی‌ترین شرح اسماء کامل و در دسترس می‌باشد و پیش از ۲۷۰ هجری نگاشته شده آمده است. بدان که عرب آنگاه که از کثرت و وسعت شیء سخن بگویند از آن به حصی تعبیر می‌کند و در کتابش بعد چنین نقل می‌نماید که معنای احصاء شمارش بود.

خطابی: نیز که از نخستین شارحان اسماء است، چهار وجه را برای معنای (احصاء) ذکر می‌کند، سه وجه آن همان است که زجاج ذکر کرده بود، یعنی ۱- الاحصاء به معنای العدّ که در کلام خداست و احصی کل شیء عدّاً (الجن: ۲۸). ۲- الاحصاء به معنای الطاقه. ۳- الاحصاء به معنای (العقل و المعرفة) و ۴- الاحصاء به معنای قرائت و ختم قرآن تا آنکه طی این کثرت تلاوت قرآن، شخص به این اسماء مستوفی شود، زیرا همو فرمود: (من حفظاً لقرآن و قراه فقد استحقّ دخول الجنة).

ابن بابویه (م ۳۸۱ هـ) در ابتدای شرح اسماء می‌نویسد (احصاءها هو الاحاطة بها و الوقوف علی معانیها و لیس معنی الاحصاء عدّها).

گمان می‌رود که بحث احصاء اسماء خداوند که ثواب ورود به بهشت در آن لحاظ شده دو نوع واکنش را در میان مسلمانان در پی داشته است یکی آنکه شمارش، تکرار و حفظ و ذکر دائم اسماء خداوند که ثوابهای فراوان برای آن در ادعیه بیان شده است و دیگر تعمق و تأمل در اسماء و متخلق شدن به اسماء الهی که در آثار اهل مکاشفه و مشاهده ذکر شده است.

رابطه انسان و اسماء

از جمله موضوعاتی که در بحث اسماء الهی از اهمیت برخوردار است موضوع انسان کامل است شارحان اسماء در مرحله‌ای از مراحل تاریخی بحث اسماء موضوعی را تحت عنوان (خطّ العبد) مطرح کردند و کوشیدند تا بهره‌بندگان را از هر اسمی از اسماء خداوند توضیح دهند. و هر امری از امور را به خود به اسم خاصی از اسماء که مناسب آن امر است نسبت می‌دهند. غزالی روشن می‌کند که بنده در اصل فطرت خویش ضعیف است او در معرض امراض، گرسنگی و تشنگی نداری و فقر نیازهای عاطفی حب و محبت است. همچنین دچار آسیب‌هایی نظیر سوختگی، غرق شدن، جراحت و شکستگی می‌شود. او می‌افزاید که این موارد خوف آدمی را بر می‌انگیزد، اما خوف اعظم همان هلاک آخرت است که جز با کلمه توحید ایمنی از آن متصور نیست و سپس اشاره می‌کند: (لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن عذابی) بدین ترتیب در دیدگاه این دسته از صوفیان اسماء الهی به مثابه قلعه‌ای می‌ماند که بندگان بدان پناه برده در آن مقام از امنیت بهره‌مند می‌شوند.

در اندیشه ابن عربی (م ۶۳۸ هـ) که گویا برای نخستین بار بحث انسانی کامل در نظریات او مطرح شده است انسان کامل محل تجلی جامع و کامل همه اسماء و صفات الهی است. شاگرد برجسته ابن عربی، صدرالدین قونوی می‌گوید، (مرتبه انسان کامل برزخی است میان غیب و شهادت و آئینه‌ای است که در آن، حقیقت بندگی و سیادت ظاهر می‌شود).

از این دیدگاه انسان کامل صاحب معرفتی می‌شود که قادر به درک حقیقت در اشکال ثابت و واحد و متکثر آن بود، زیرا او بر صورت حق قرار داشت، مختصر و جامع بود و تضادها را جمع می‌کرد. او برزخی میان الله و عالم بود، او وحدت را در عین کثرت و ثبات را در تنوع در می‌یافت و قادر به جمع میان تنزیه و تشبیه بدون نیاز به تاویل بود.

عبدالکریم جیلی می‌نویسد: اگر خداوند بر بنده‌ای از بندگان در اسمی از اسماء خود تجلی کرد، آن بنده در سایه انوار آن اسم قرار می‌گیرد و هرگاه بنده، خداوند را بدان اسم بخواند پاسخ گیرد.

از نظر ابن عربی اسم الله دلالت بر الوهیت دارد و در عین حال بر همه حقایق متکثر

نیز دلالت می‌کند، بنابراین، اسم جامع است. همچنین مجموعه‌ای از نسبت و اضافات است که میان وحدت و کثرت ارتباط ایجاد می‌کند. جانب وحدت در اسم الله متجلی است و جانب کثرت در سایه اسماء الهیه تمثل می‌یابد، این کارکرد میانه یابرزخی مفهوم اسماء است.

بدین ترتیب مشخص است که بندگان می‌توانند از خواص اسماء الهی بهره‌گیرند و در مقام پایین‌تری از انسان کامل خود را در مسیر و سلوک قرار دهند. در دیدگاه عرفانی شیعی ائمه اطهار (ع) پس از پیامبر اکرم (ص) مظهر انسان کامل اند و به مصداق حدیث مشهور منقول از ائمه (ع) که (نحن اسماء الله) این مقام فقط مخصوص ائمه اطهار (ع) می‌باشد.^(۱)

کشف المعنی عن سر اسماء الله الحسنی^(۲)

شیخ محیی الدین بن عربی: در این کتاب اسماء الهی را از سه بُعد بررسی نموده است. ۱- بُعد (تعلق) از نظر واژه‌شناسی به معنی پیوند ناگسستی برقرار ساختن خود را به چیزی در آویختن و با دلبستگی و وابستگی کامل به چیزی تکیه نمودن.

و در اصطلاح اهل معرفت عبارت است از: نیازمندی همه جانبه عبدسالک و بنده رهپو به ذات حق تعالی، از این جهت که اسماء خداوند دلالت بر ذات او دارند و همه اسم و صفتی بدون ذات معنی ندارد. ۲- بُعد (تحقق) تحقق از نظر واژه کاوان عبارت است از یقین و اطمینان صحیح و درست و راست و محکم به چیزی یا معنایی رخدادی و در اصطلاح اهل معرفت عبارت است: از شناخت صحیح معانی اسماء الله و معنی راست و درستی که از ناحیه او باشد، چرا که اسماء الله توفیقی است و باید از

۱- خوانندگان عزیز جهت اطلاعات بیشتر به کتاب پژوهشی تاریخی - معنایی درباره الاسماء الحسنی دکتر شهریار نیازی انتشارات قدیم می‌تواند رجوع نمایند.

۲- کشف المعنی عن سر اسماء الله الحسنی نوشته محیی الدین بن عربی ترجمه و شرح استاد زمانی قمشه‌ای ناشر: مطبوعات دینی.

ناحیه او رسیده و در شأن او باشد. شناخت صحیح باید در شأن بنده باشد. به کنه اسماء و صفات حق تعالی رسیدن مشکل و ممتنع است، بنابراین باید شأن بنده و لیاقت بنده در میدان شناخت در نظر گرفته شود و گرنه حقایق آنها آن سان که شأن خداوند است در فراسوی فهم و ادراک ماست پس متوجه این نکته باشیم زیرا ما اسماء الله را از راه تشبیه می شناسیم. ۳- بُعد (تخلّق): تخلّق از نظر لغت شناسان عبارت است از اخلاق کسی را پذیرفتن و خوی و روش او را یادگرفتن و به مانند اخلاق او در آمدن و.....

و از نظر اهل معرفت عبارت است از پذیرفتن حقایق اسماء الله و متخلّق شدن به آنها به گونه ای که می توانند با عبد نسبت برقرار سازند نه آن گونه که می توانند به خداوند منسوب باشند زیرا اخلاق الله آن گونه که هستند از ظرف وجود ما بیرونند و ما تنها می توانیم صیغه شمه و رنگ مختصری از آنها را به خود بگیریم (این التراب و رب الارباب) انسان خاکی کجا و پروردگار پروردگاران کجا؟ با این بیان می توان به جمیع اسماء الله متحقّق و متخلّق شد، جز تخلّق و تحقّق به اسم شریف و جامع (الله) بر این پایه کسی که آن را نام علم بر ذات حق تعالی بداند میگوید. تنها می توان به الله تعلق داشت نه تحقّق و تخلّق.

زیرا مدلول نام (الله) مرحله ذات حق تعالی است و ذات او مجموع جمیع صفات الوهیت است و هیچ بنده ای را نرسد که به مرحله الوهیت نایل آید.

۱- اسم الله: همان گونه که اشاره شد کسی که معتقد باشد این لفظ یعنی (الله) به منزله اسم علم است بر ذات و دلیل می آورد که اسم الله موصوف و منعوت واقع می شود ولی نعمت و صفت اسمی قرار نمی گیرد نمی تواند اعتقاد به متخلّق شدن به آن را داشته باشد، زیرا تخلّق و خو پذیری عبارت است از کسب اوصاف و نعوت شی نه کسب ذات شی، اما کسی که معتقد باشد لفظ (الله) اسم است بر مجموع صفات الهی (نه دال بر ذات) جایز است انسان بدان متخلّق گردد، مانند تخلّق به سایر نام های نیک الهی. (ابن عربی قول اول را می پذیرد و اسم الله را علم بر ذات می داند یعنی دسترسی به ذات و تخلّق به آن امکان پذیر نیست، بلکه تنها از راه اسماء و صفات می توان به

اخلاق الله متخلق گردید و آنها را در جان پیاده نمود و از آنها پرتو گرفت، البته دانستیم که ابن عربی معتقد است همه اسماء دلالت بر ذات دارند.

تعلق: تعلق در اصطلاح اهل معرفت عبارت است از: نیاز کامل و مشروع بنده سالک به خداوند متان. زیرا او جامع اوصاف کمال و جمال است بنابراین نباید خودت را تنها در برخی اشیاء و پاره‌ای موارد به او نیازمند بدانی، بلکه باید خویش را نیازمند ذاتی او بشمیری و فقر و افتخارت را همه سویه و همه جانبیه بدانی.

تحقیق: در اصطلاح اهل معرفت به این است که بدانی اسم شریف الله عبارت است از شناخت کامل او و شناخت اوصاف کمال و صفات جلال، یعنی صفاتی که واجب است دارا باشد (صفات ثبوتیه) و صفاتی که محال است در برداشته باشد (صفات سلبی) بنابراین اسم شریف الله همه صفات کمال و جمال را در بر می‌گیرد و محال است صفات جلال و سلبی را در برگیرد.

اسم الرحمان: واژه رحمان صیغه مبالغه از باب علم به معنی بزرگ بخشایش‌گر و ریشه‌اش به معنی دلسوزی نمودن، مهربانی کردن و بخشودنی است که بخشش او از سر مهربانی، شفقت، غمخواری، و عطوفت باشد.

تعلق: چنگ زدن به اسم شریف رحمان نیاز تو است، ای عبد رهپو در تحصیل اسمی که جهان خلقت آن پنهان داشته است، زیرا جهان آفرینش دارتراحم، غفلت، ترکیب، غرور و پوشش‌های ظلماتی است برخلاف عالم امر که جهان نور، بساطت، زنده و جاودانی است.

تحقیق: دلالت نام شریف الرحمان - چونان سایر نام‌های عَلم - مانند اسم شریف الله است که موصوف و منعوت واقع می‌شود، ولی صفت و نعت قرار نمی‌گیرد، بنابراین آنان که گفتند، (ما الرحمان^(۱)) (رحمان کیست؟) او را نشناختند، و اگر لفظ الرحمان در سخنان شان مانند سایر مشتقات می‌بود او را می‌شناختند و انکار نمی‌کردند و نیز اگر مانند اسم الله می‌دانستندش انکار نمی‌کردند. به بت پرستان گفته

شد (اعبدوا الله^(۱)) یعنی خدا را پرستش کنید. در پاسخ گفتند: الله کیست؟ بلکه در حق بت‌ها به عنوان شریکان خداوند گفتند: (ما نعبدهم اِلَّا لِيَقْرِيونا الى الله^(۲)) یعنی ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی‌پرستیم بر این پایه که الرحمان مثل سایر مشتقات نیست و نیز مانند اسم الله نزد آنان معروف نبوده ما آن را چونان نام‌های عَلم دانستیم گرچه مشتق از اسم (الرَّحْمَة) است، ولی عرب لفظ رحمان را با الف و لام (الرَّحْمَان) نمی‌شناخت، گرچه در پاره‌ای از نقل‌ها رحمان را به اسمی که دارای الف و لام تعرف است اضافه نموده‌اند مانند (رحمان الیمامه) نام تنها شخصی از اهل یمامه که در صدر اسلام می‌زیسته است، لیکن نمی‌دانیم که این اسم به عنوان الرحمان پیش از زمان حضرت پیامبر (ص) نیز استعمال شده یا با آمدن او (ص) و اضافه نمودن الف و لام به آن پدیدار گشته است؟ بر پایه تردید مزبور آمدن رحمان با الف و لام ممنوع است.

اگر گفته شود: در نامه حضرت سلیمان (ع) به بلقیس (بسم الله الرَّحْمَان الرَّحِيم^(۳)) با الف و لام استعمال شده است.

در پاسخ گوئیم: الف و لام تعریف بر سر معنای رحمان آمده و ما آن را انکار نمی‌کنیم، چرا که سخن ما لفظ الرَّحْمَان در زبان عربی است، از این رو وقتی پیامبر اکرم (ص) در صلح نامه‌ای که بین خود و مشرکان عرب منعقد نمود، نوشت: (بسم الله الرَّحْمَان الرَّحِيم) مشرکان گفتند: ما (الرحمان) را نمی‌شناسیم، زیرا آنان نامه و نوشته‌های خود را با عنوان (بسمک اللهم) با نام الله - می‌نگاشتند.

از سخنانی که قول ما را تایید می‌کند - که الرحمان جاری مجرای اسماء اعلام است - این آیه شریفه است، (قُلْ ادْعُوا اللهَ اوادْعُوا الرَّحْمَان، اِيَّاهُ ماتَدْعُوا فَلَهُ الاسماء الحسنی^(۴)): بگو خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید برای اوست نام‌های نیکوتر، بنابراین مدلول اسم الرحمان همان مدلول اسم الله است، لذا ضمیر

۱- اعراف / ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵ هود / ۵۰، ۶۱، ۸۴

۲- اسراء / ۱۱۰

۳- سوره نمل / ۳۰

(فله) را مفرد آورد و هر دو را مانند هم دانست و نگفته (فلهما) که ضمیر تثنیه معنای دوگانگی داشته باشد. از این رو گفتیم الرحمان جاری مجرای اسم عَلم است.

باری نسبت و روابط عبدسالک در تحقق اسم الرحمان - اطمینان و یقینی که به واسطه الرحمان با حق تعالی برقرار می‌نماید - همان نسبتی است که با اسم شریف الله برقرار می‌نمود. چنان که سخن در تحقق اسم الله و اوصاف جلال و جمال او گذشت جز اینکه الرحمان بالله یک فرق دارد و آن این که حق تعالی راه و نامی مخصوص عبد دارد و عبد به وسیله آن راه و نام خود را به حق مرتبط می‌سازد، این راه را هیچ کس جز خداوند نمی‌داند، زیرا اگر آن نام و راه آشکار شود مورد انکار قرار می‌گیرد، چنان که نام الرحمان مورد انکار قرار گرفت گفتنی است علی (ع) در دعای شریف کمیل با اشاره به راه پنهانی که بین عبد و حق وجود دارد، می‌فرماید: خداوند اببخشای بر من هر گناه و بدی که به ثبت و ضبط آنها امر فرمودی و نویسندگان گرامی آنها را ثبت نمودند و فرشتگانی به عنوان رقیب و عتید بر اعضاء و جوارح من گواه بودند و در پی نظارت آنها خودت مراقب بودی (و الشاهد لما خفي عنهم و برحمتك اخفية و بفضلك ستوته) اما راه یا راه‌های پنهانی وجود دارد که عبد را به حق مرتبط می‌سازد و هیچ کس حتی فرشتگان و نویسندگان اعمال از آنها خبر ندارند و آن راه یا آن نام تحت پوشش رحمت پنهان است (و برحمتك اخفيتها).

از این رو در اسم الرحمان که برگرفته از رحمت است یک ویژگی بزرگ وجود دارد که به گفته ابن عربی (لا يطلع عليه الله تعالى) و چنانچه در منصفه ظهور آید مورد انکار قرار می‌گیرد.

تخلق: خوپذیری از اسم شریف الرحمان مانند خوپذیرفتن از نام نیکوی الله است، چنان که در اسم الله گفتیم: چون نام نیکوی الله جامع جمیع اسماء و صفات است، تخلص به او نیز متخلق شدن به جمیع اسماء و صفات می‌باشد و همین است معنی (تخلقوا باخلاق الله) جز اینکه در اسم الرحمان بویی از اشتقاق وجود دارد لذا جاری مجرای نام شریف الله که غیر مشتق است نمی‌باشد.

از ویژگی‌های رحمان یکی رحمت عام است، یعنی رحمت ایجاد جهان هستی،

چنان که خداوند می‌فرماید (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ^(۱)) یعنی: رحمتم همه چیز را فرا گرفته و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزکاری می‌کنند مقرر می‌دارم. باری آیه شریفه (فسأكتبها) بحث را به میدان الرحیم می‌کشد، زیرا این رحمت را برای متقیان چند برابر می‌کند و در آخرت پاداش می‌دهد. ابن عربی در آیه (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ) رحمت را امتنانی دانسته چنان که خداوند به پیامبر (ص) فرمود: (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ^(۲)) و بر آنان نرمخو و پر مهر شدی و فرمود: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^(۳)) و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. بر همین اساس است که ابراهیم (ع) می‌گوید: (تَعَلَّمْتُ الْكُرْمَ مِنْ رَبِّي) من کرامت و بزرگواری را از پروردگارم آموختم. آری خداوند تنها کسی است که توفیق و رستگاری عنایت می‌فرماید.

۳- اسم الرحیم: رحیم صفت مشبه به معنی همیشه آمرزنده و مهربان است. **تعلق:** به اسم الرحیم عبارت است از چنگ زدن عبد سالک به خداوند سبحان در تحصیل رحمت خاص که موجب سعادت است به ویژه در آخرت شامل مومنان می‌گردد.

تحقق: ذات خداوند ایجاب می‌کند در عالم هستی بلا و عافیت هر دو موجود باشند، از این رو برداشتن منتقم اولی از برداشتن و رفع منعم نیست. نام الرحیم به خیرات و خوبی‌هایی تعلق دارد که در رسیدن به آنها زیانی شامل حال انسان نمی‌شود و نیز به زیانی تعلق دارد که خیر و خوبی به همراه دارد ممکن است آیه (فسأكتبها للَّذِينَ يَتَّقُونَ) را یعنی رحمت علم و مطلق - که در صور آیه (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ) آمده است را از این قبیل بشمریم.

تخلیق: متخلق شدن به نام شریف رحیم به آن اندازه نیکوست که حق تعالی به آن امر کرده نه بیشتر، (وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

الآخر^(۱) یعنی اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در کار دین خدا نسبت به آن دو زناکار دلسوزی و مهربانی نکنید.

۴- اسم الملك: واژه ملک به معنی فرمانروا، پادشاه و رئیس است، از باب ضرب به معنی مالک چیزی شدن، پادشاه و فرمانروا گردیدن و بر چیزی مسلط شدن است. **تعلق:** نیاز تو ای عبد رهپو به خدای سبحان در کمک جویی و تایید از فرمانروای مطلق در این رابطه است که تو را خلیفه و جانشین خود نمود بر این پایه باید آینه تمام نمای صفات حق تعالی گردی و به اوصاف او متصف شوی چنان که فرمود: اَنتَ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَه^(۲) من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

تحقق: ملک و فرمانروا کسی است که فرمان او - هرگاه اراده اش مقرون آن باشد - نافذ باشد و هیچ چیز از آنچه بخواهد در مملکت خود اجرا کند بر او دشوار و سخت نباشد. بر این اساس عبد نیز باید از این اسم بهره مند باشد و بدین نسبت خود را متحقق گرداند و فرمان خود را در امور نافذ گرداند.

تخلّق: وقتی اراده بنده اراده خدا شود، حتماً مراد واقع می شود، در این هنگام نام ملک و فرمانروا بر او راست می آید. همانگونه که خداوند می فرماید (لَا یَزَالُ الْعَبْدُ یَتَقَرَّبُ اِلَیَّ بِالْاَوْفَلِّ فَاَکُوْنُ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ یَدَاْ وَ مَوِیْدَاْ)^(۳) پیوسته عبد به وسیله کارهای نیک و مستحب به من نزدیک می شود. وقتی تقرب جست من چشم و گوش و دست توانمند او می شوم و او را کمک می کنم، زیرا حقیقت جانشینی و استخلاف خدا همین است و خداوند انسان را با دست توانمند و عنایت ویژه خود آفریده است: (لَمَّا خَلَقْتُ بِیْدَیْ^(۴)) آن سان که در حدیث آمده است (اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ اَدَمَ عَلٰی صُوْرَتِهِ^(۵)) خداوند آدم را بر پایه حقیقت و اوصاف خویش آفرید.

۵- اسم القدوس: از باب شرف به معنی پاک و بی عیب و آفت و بی نقص بودن

۱- نور / ۲

۲- غافر / ۱۶

۳- تنابین / ۱

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۴

۵- فتوحات ج ۴ ص ۲۰۲

است و به معنی طیب و طاهر و منزّه از قبايح نیز آمده است.

تعلق: پیوند و ارتباط و نیازمندی تو ای عبد سالک به خداوند قدوس در پاک و مطهر سازی ذات و درون خویش به وسیله اموری است که پیامبران آوردند.

تحقق: قدوس کسی است که ذاتش از هر نقص و عیب پیراسته باشد، بنابراین بر عبد است که ساختار جانش با تراز این صفت درست و راست آید.

تخلق: خو پذیرفتن از اسم قدوس تنزیه و پاک سازی جان است از نظر معنا و از ناحیه حس و پیراسته نمودن آن است از صفات تنزیه به صورت کلی و جزئی.

بنابراین نام شریف قدوس جز به انسان مقدس تعلق ویژه ندارد از این رو لازم است خویش را به عنوان بهترین گوهرگران بها و آینه حق نمایاک و منزّه نمود.

ع- اسم السلام: واژه سلام از باب علم به معنی بی‌گزند، ماندنی، رهایی یافتن و بی‌عیب شدن است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به نام نیکوی سلام برای سلامت جان تو از رسیدن نقص و عیب به آن است و چنانچه عیب و نقصی به جان تو دیر پا باشد و بماند از ناحیه بقا و استحکام عیب است.

تحقق: درست آمدن سلام به این است که هر چه مخالف این نام مبارک است از خویش دور سازیم و از هر صفتی که محال است پیرامون این نام بزرگ نزدیک شود دوری جویم.

تخلق: فرق میان سلام و قدوس به این است که وقتی عبد به مقام تنزیه و قدوس نایل می‌آید که از هر چه لازم الاجتناب است دوری جوید. یعنی پس از طی مراحل و پاک سازی خویش از عیوب و نواقص به مقام قدوسی و تنزیه می‌رسد، ولی سلام گاهی مانند قدوس است و گاهی ابتداء حق تعالی عبد را از عیب دور می‌سازد و این همان سلامی است که باید استمرار یابد و شایسته است انسان به آن متخلق گردد.

۷- اسم المؤمن: واژه مومن اسم فاعل به معنی دربرگیرنده است و درباره خدا تنها یک بار در قرآن آمده و دارای وجوه مختلف و معانی مختلف است.

تعلق: نیاز تو ای عبد رهپو به خداوند مومن در این است که او تو را درباره آنچه از

جانب او آمده تصدیق نماید و تو نیز دستوراتی که از جانب او آمده است را تصدیق نمایی، زیرا معنی مومن، تصدیق کننده است همچنین نیاز تو به خداوند در این است که خدایت نیرویی بخشد تا در هر حال و در هر نفس در آنچه بحسب شأن و مقام تو است از مال، خون و آبرو و تحصیل امان کنی.

تحقق: صحیح بودن معنی مومن به این است که دستاورد تمام پیامبران را تصدیق نماید و آنچه از طریق معجزه به مردم رسانده‌اند را یقین بداند و به رسالت آنان ایمان داشته باشد و خداوند به عنوان مومن کسی است که در جان هر که بخواهد امان می‌بخشد و این رابطه را برای عبد محکم می‌دارد.

تخلیق: وقتی عبد به خوی مومن متصف می‌شود که در عالم هر خبری از جانب خدا به وسیله پیامبران آمد تصدیق نماید و در چهار چوب توحید افعالی همه کردار و اقوال را، مانند آفرینش خویش - به دست خدا بداند (وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ^(۱)) یعنی خداوند شما و آنچه انجام می‌دهید را آفریده است.

۸- اسم المهیمن: واژه کاوان در ریشه مهیمن اختلاف دارند، بیشتر بر این باورند که از امن و امانت گرفته شده و همزه آن به ها تبدیل گشته است.

تعلق: پیوند برقرار ساختن با نام مبارک المهیمن عبارت است از نیاز تو ای بنده خدا به این نام تو را از امت محمد (ص) قرار دهد و جزء تصدیق کنندگان به او مقرر دارد.

تحقق: حقیقت معنی مهیمن گواه بودن بر اشیاء و نگهبان بر آنهاست، لذا حفیظ و رقیب داخل معنی آن می‌شود، زیرا وقتی چیزی را گواه بود حفظ و نگهداری می‌کند، و حرکات و سکنت آن را زیر نظر می‌گیرد و پاسداری می‌کند.

تخلیق: خلق و خو پذیرفتن از این نام به این است که بر مردم گواه باشد و ناظر و شاهد احوال آنان باشد (لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ نَكُونُ الرَّسُولَ عَلَیْكُمْ شَهِيداً) یعنی ما شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد ناس عبارت است از هر صاحب صورتی، زیرا نوس همان صورت است و ناس را به

خاطر همین صورت ناس نامیده‌اند.

اسم العزیز: صفت مشبه به معنی همیشه نیرومند و توانا، ریشه از باب ضرب به معنی دوست داشتن.

تعلق: ارتباط برقرار کردن با نام مبارک عزیز به این است که بنده رهپو خودش را نیازمند به این بدانند که حق تعالی چشم و گوش او گردد زیرا چنین جایگاهی در بردارنده همه نیرومندی، چیرگی، قهر و غلبه و شکست ناپذیری است، این‌ها همه معانی و مدلول این نامند.

تحقق: معنی عزیز وقتی تحقق می‌یابد که عبد بتواند معنی این آیه را درک کند (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^(۱)) یعنی چیزی مانند او نیست و اوست شنوای دانا، اگر در این آیه کاف در (کمثله) را زاید بدانید (حرف زاید در کلمات فصهای عرب فراوان و به خاطر تاکید می‌آید).

تخلق: خلق و خوی عزیز پذیرفتن و بدین نام نیکو متخلق گردیدن به آن است که نخست انسان به مقام والای خلیفه الهی نایل آید چنان که قبلاً در آیاتی همچون آیه (اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَه) و آیه (لَمَّا خَلَقْتُ بَیْدَی) و حدیث (ان الله خلق آدم علی صورته) اشاراتی داده و توضیحاتی نوشتیم.

۱۰- **اسم الجبار:** واژه مبالغه به معنی بسیار وادارکننده به خوبی است.

تعلق: وقتی عبد خواست با نام جبار ارتباط برقرار سازد نیاز او در این است که امر موثری را تحصیل نماید او با امر و فرمان الهی جوارح ظاهر و باطن را مطیع و فرمانبر خود کند تا بتواند هر کس را به آنچه او می‌خواهد فرمان دهد.

تحقق: جبار از جبران به معنی اصلاح امور خلق می‌آید نه از اجبار (باب افعال در برابر اختیار، زیرا واژه فَعَال (جبار) در فرهنگ واژگان عرب هیچ گاه از باب افعال نمی‌آید جز در یک مورد و آن واژه دراک از ادرك).

تخلق: وقتی عبد به نام جبار متخلق می‌شود که بتواند فرمان الهی را در آنچه

بخواهد جاری سازد.

۱۱- اسم المتکبر: واژه متکبر اسم فاعل از باب تفعّل به معنی بزرگی است که از اندیشه مردم بیرون است.

تعلق: نیاز عبد در پیوستن به این نام در این است که در اثر فرمانبرداری از خداوند به این پایه خواهد رسید این عربی معتقد است: معنی متکبر برای عبد حقیقت و برای خداوند مجاز است.

تحقق: چنان که اشاره شد بزرگی و کبریایی خدا کسبی نیست، بلکه از باب تنزّل و الطاف پنهانی است، چنان که گویند خداوند با تو به عبد خوشحال و خرسند می‌گردد. بنابراین فعل و کردار خدا براساس کسب نیست از آیه (فَعَالٌ لَمَّا يُرِيدُ)^(۱) و آیه (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) به خوبی روشن می‌شود که او آنچه بخواهد فقط با یک اراده انجام می‌دهد. تخلق: اکتساب بزرگی تکبر است و اکتساب تنها عمل عبد است - نه عمل خداوند از این رو می‌فرماید: (كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قَلْبٍ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ)^(۲) یعنی: این گونه خداوند بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌زند، بنابراین عبد است که به صفت تکبر و زورگویی متصف می‌شود.

اسم الخالق: واژه خالق اسم فاعل به معنی آفریننده است - ریشه‌اش از باب نصر به معنی آفریدن است.

تعلق: ارتباط با خالق هستی دو نیاز می‌طلبد: یکی نیاز عبد در دست رسیدن به مقررات، دیگری نیاز او در کمک گرفتن بر انجام و ایجاد اعمال و تکالیف شرع.

تحقق: وقتی حقیقت خالقیت متحقّق می‌شود که عبد بداند خالق کسی است که در مرتبه اول اشیا را قبل از ایجادشان تقدیر می‌کند و اندازه می‌بخشد زمان و مکانشان را معین و مشخص می‌سازد، سپس در مرتبه بعد آفرینش می‌بخشد و ایجادشان می‌کند چنان که فرمود (إِنَّ مِنْ شَيْءٍ آتَا عِنْدَنَا خِزَانَةً وَمَا تَنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو

نمی‌فرستیم.

تخلق: بعد از نیاز و خواسته‌ای که در تعلق ذکر شد وقتی انسان به نام مبارک الخالق، متخلق گردید حق تعالی علم و دانش تقدیر و اندازه اشیاء را به او عطا می‌کند. لذا می‌فرماید (من عمل صالحاً فلنفسه و من اسماً فعلیها و رزقاً بظاًم للعبيد^(۱)) هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست و پروردگارت به بندگان خود ستمکار نیست.

حضرت ابراهیم و حضرت عیسی از افراد شایسته‌ای هستند که به مقام خالق متخلق گردیدند.

۱۳- اسم باری: واژه باری اسم فاعل از باب منع به معنی پدیدآورنده و آفریننده است و برآ به معنی بیزاری، خوب شدنی از بیماری و پاک شدنی است.

تعلق: یکی از نیازهای توای عبد سالک به خداوند باری مانند نیاز تو است به نام خالق، دیگر نیاز تو مانند نیازت به نام سلام است یعنی سلامت نگهداری جان از عیوب و نواقص، با این دو نیاز می‌توان به نام باری دل بست. از این رو گفته‌اند نام شریف باری جامع است بین خالق و سلام.

تحقق: وقتی نام باری تحقق می‌یابد که آفرینندگی و خالقیت به معنی موجودیت و پدید آورندگی تحقق یابد. او از آفرینش خلق چیزی عاید خود نمی‌کند و سودی نمی‌برد. لذا اگر نیافریند هم زبانی نمی‌بیند، زیرا باری به معنی بری و دور از ضرر و زیان است (هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمَصُورُ^(۲)) یعنی اوست خدا، خالق که سالم و بری است از نواقص و عیوب.

تخلق: خوپذیری از اسم باری مانند سلامت عبد سالک است از درد.

۱۴- اسم المصوّر: واژه مصور اسم فاعل از باب تفعیل به معنی نگارنده چهره ساز و چهره پرداز است.

تعلق: نیاز عبد به خدای سبحان در تصور معانی است، زیرا معانی به انسان قائمند

و اوست که بر سر این سفره می‌نشیند و از آن بهره می‌برد یعنی وقتی معانی از عالم تصویر و مثال و یا از مرحله عقل به ذهن رسیدند، انسانی که به اسم مصور رسیده و با آن پیوند برقرار کرده است به بارگاه معانی فرود می‌آید و از آنها سود می‌برد.

تحقق: نام مصور وقتی متحقق می‌شود و درباره انسان صادق است که بتواند صورت‌ها و اعراض و اشکال را بیافریند و این آفرینش در رتبه سوم و پس از تقدیر و ایجاد جواهر خارجی است. از این رو در آیه مبارکه سوره حشر / ۲۴ رتبه سوم را احراز کرده است.

تخلق: خو گرفتن و متخلق شدن به تصویر، صورت‌ها و اشکال از جمله بدیهیات و ضروریات عباد است. انسان در خواب و بیداری قادر به آفرینش صورت‌ها و تصاویر است.

۱۵- اسم الغفار: واژه غفار صیغه مبالغه از باب ضرب به معنی بسیار آمرزنده و پوشاننده است.

تعلق: پیوستن به نام غفار به این است که عبد به پوششی احساس نیاز کند که او را از شقاوت و نگون بختی ابدی محفوظ دارد، لذا ابن عربی معتقد است غفار نام غیرت، سپر، حفظ، عصمت، پاسداری، و نگهداری است بنابراین بهترین پوشش سپری است که انسان را از شقاوت پاس دارد.

تحقق: نسبت به ایجاد آفرینش، انوار جلال حضرت غفار چترگونه پوشش داده می‌شود که خون خلق ریخته نشده و محفوظ بماند، نسبت به عبد.

تخلق: خلق و خوی غفار پذیرفتن مانند تحقق غفاریت است و افزودن بر آن (لن الملک الیوم الله الواحد القهار^(۱)) هنگامی که جایگاه و موقعیت خویش را دانستی و فهمیدی که فضل خدا شامل حالت گردیده، ادب مع الله انسان را وادار می‌کند که از جایگاه و موقعیت خویش دم نزند و آگاهی ندهد و زیر پرده نگهدارد تا با انکار تجلی خدا و اراده او همراه، و همگام و موافق باشد.

اسم القهار: قهار از نظر واژه کاوان صیغه مبالغه به معنی بسیار شکننده و مقتدر است.

در به وجود آوردن از عدم است، اگر ممکنات را به حال خود رها سازد معدوم خواهند شد، زیرا ماهیت شی ممکن می تواند پذیرای عدم باشد سیارگان، ستارگان و همه اجرام فضایی به قدرت و قوه قاهره خداوند در فضا معلق و در حرکت اند و سقوط نمی کنند و بر هم نمی ریزند (ان الله يُمسِكُ السماواتِ والارضَ ان تزولا وَإِن زَالتا ان امسكهُما مِن احدٍ مِّن بَعْدِهِ^(۱)) خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگه نمی دارد.

با قهر خداوند عناصر متباین به هم مخلوط و ممزوج گشته و از هم نمی پاشند.
تعلق: (وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ) اوست که بر بندگان خویش چیره است و باید دعا کرد که قهر خدا متوجه عبد نشود این نام را در برابر دشمنان به ویژه در برابر دشمن ترین دشمنان یعنی شیطان تایید و کمک خواهد.

تحقق: نام قهار وقتی است که کسی از مخلوقات در برابر خدا قیام نماید و ادعای ربوبیت کند مانند فرعون و نمرود و دیگرانی که ادعای پروردگاری داشتند.

تخلق: خویذیرفتن از نام قهار به این گونه است که بنده ماموریت دارد در برابر شهوات و دشمنانش بایستد و بر آنها چیره گردد. از این نام چیزی نصب او شود.

۱۷- اسم الوهاب: واژه وهاب صیغه مبالغه به معنی بسیار بخشنده است، ریشه اش از باب منع به معنی بخشیدن و عطا کردن،

تعلق: پیوستن به نام وهاب به این گونه است که عبد هنگام به جای آوردن اعمال، اعم از عبادی بدنی و یا بخشش مال و منال هیچ حرف و مقصودی جز ذات پروردگارش نداشته باشد.

تحقق: وقتی معنی وهاب صحیح و درست است که بخشنده بدون هیچ قصدی از بازگشت بخش، ببخشد.

تخلّق: وقتی عبد به این مقام متخلّق گردید و این صفت در جان او ملکه گشت و هاب نامیده می شود و آن به گونه ای است که بخشش های او به خاطر پاداش، عوض، غرض و امثال ذلک نیست.

۱۸- اسم الرزاق: واژه رزاق صیغه مبالغه به معنی بسیار روزی دهنده است.

تعلق: بنده خدا باید به خدا اقتدا و تاسی کند و تا آنجا که می تواند به دیگران روزی برساند و خود او نیازی به هیچ کس جز به رزاق علی اطلاق نداشته باشد.

تحقق: وقتی معنی رزاقیت و روزی رسانی درست می آید که انسان به هر موجودی آنچه موجب بقای اوست برساند و این رزق او به حساب می آید.

تخلّق: وقتی سخن عبد بر قلب شنونده چنان تاثیر گذاشت که سعادت او را تامین کند و از آنچه دارد و برای خود اندوخته به او ببخشد. زکات علم نشر آن است.

اسم الفتح: واژه فتح صیغه مبالغه به معنی بسیار گشاینده درهای روزی و مهربانی است.

تعلق: پیوستن به خدای سبحان با عنوان نام فتح بستگی دارد به نیاز تو ای عبد سالک که اولاً: او کلیدهای اضافه مختلف نعمت را به تو ببخشد، و ثانیاً: به استعمال آنها اجازه فرماید.

تحقق: اسم فتح سبب می شود حقایق فراوان و مراتبی که زیر این کلیدها وجود دارند پیش چشم بینندگان ظاهر شوند و هر بیننده ای به اندازه مرتبه وجود حسی و معنوی خود از آنها بهره گیرد.

تخلّق: خو پذیرفتن عبد از نام مبارک فتح پس از آن است که کلید رازهای گوناگون از هر نامی که باشد همچون هاب، کریم، جواد و مانند آن برای او حاصل شود و فراهم آید و سپس به وسیله آنها مشکلات امور معنوی، الهی، روحانی و طبیعی که متعلق به افکار، اندیشه ها و حوائج طبیعی و خواسته های نیازمندان است را به اندازه نیازشان برطرف سازد و این خوان پر نعمت را برایشان بگشاید.

۲۰- اسم العلیم: واژه علیم صفت مشبه به معنی همیشه داناست ریشه اش از باب علم به معنی دانستن، پی بردن و درک کردن می آید.

تعلق: پیوند برقرار ساختن با نام علیم نیاز عبد است به تعیین مقداری از دانش که در ارتباط با این نام است.

تحقق: بنیان ساختاری واژگان علیم از نوع مبالغه است، یعنی رسیدن به حقایق امور آنگونه که هستند - از ناحیه وجود، عدم، نفی و اثبات.

متخلق: شدن به اسم علیم به همان اندازه است که عبد تلاش و کوشش، جدّ و جهد و کسب و دانش می‌کند، بدون اینکه کسی به او آموخته باشد.

۲۱- اسم القابض: واژه قابض اسم فاعل به معنی گیرنده و گردآورنده است.

تعلق: برای پیوستن به نام شریف قابض، لازم است عبد دو نیاز را احساس کند، اول نیاز به خدا در حسن ادب به پاسداشت عطاها و بخشوده‌های حسی و معنوی که چه بسا آنها را از او بگیرد (ما بکم من نعمة فمن الله^(۱)).

دوم: نیاز توای عبد سالک به خدا در رابطه با آنچه به عهده تو است که برای دیگران دریافت داشته‌ای و لازم است دریافت گردیده را در حدّ مشروع به آنان برسانی.

تحقق: نام شریف قبض وقتی به منصف ظهور می‌رسد و تحقق می‌یابد که عبد دریا بر چگونه خدا در قرض الحسنه وام نیکو می‌خواهد تا از عبد بگیرد و سپس چند برابر به او برگرداند.

وجه دیگر تحقق قبض این است که اگر خدا بخواهد هیچ چیز از ارواح و اجساد پراکنده نگردند آنها را طومارگونه در هم می‌پیچد.

تخلق: خو پذیرفتن از این نام این گونه است که بنده آنچه را خداوند به او می‌بخشد و عطا می‌نماید از دست او بگیرد چشمش به دست غیر نباشد زیرا غیر او در حقیقت مالک چیزی نیست و بخشنده واقعی کسی جز خدا نمی‌باشد، وقتی عبد به این نام متخلق گردید با سخن و کلام زیبایش دل هر یک از بندگان خدا را به خداوند جذب می‌کند.

۲۲- اسم باسط: لغت باسط به عنوان اسم فاعل به معنی گشاینده است.
تعلق: نیاز تو به بسط در این است که آنچه در دست توست مایه خشنودی بندگان خدا گردد، البته به گونه‌ای که احترام آنان هتک و تباه نشود.
تحقق: معنی بسط و باز شدن وقتی درست می‌آید که قبلاً چیزی بسته باشد، یعنی اگر چیزی در مرحله اول بسته و گرفته شده باشد در مرحله دوم می‌توان گفت باز گردیده است.
تخلیق: اخلاق باسط به خود گرفتن به این است که حکمت و دانش سودمند را به روی اهل حکمت بگشاید و چنانچه قبض و منعی در این کار صورت گیرد به اهل حکمت ستم شده است.
۲۳ و ۲۴- اسم الخافض، الرافع: واژه خافض اسم فاعل از باب ضرب به معنی پایین و فرود آورنده، پست گرداننده.
تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به این دو نام مبارک بدین گونه است که در این جهان وقتی سنجش و موازنه بین خوبی‌ها و بدی‌ها برقرار شود تو، به وسیله این دو نام موفق گردی کفه خوبی‌ها را به سود خود بالا و کفه بدی‌ها را که به زیان توست پایین آوری همچنین توفیق یابی که بتوانی چنین سنجش و موازنه‌ای را در کارهایی که میان تو و خداست برقرار سازی.
تحقق: این دو نام چنین عمل می‌کنند که برای نیک بختان و سعادت مندان کفه خوبی‌ها را پایین می‌کشانند تا دُر جانشان را به جانب علیین بالا برند و برای شقاوت‌مندان این گونه عمل می‌کند که کفه آنها را به خاطر سبکی به جانب بالا برند تا آنان را به دوزخ در پست‌ترین درجات که همان (أَسْفَلُ سَافِلِینَ)^(۱) باشد بکشانند.
تخلیق: وقتی عبد پایین و پست گردید از پستی و پلشتی که خدا شامل حال او ساخته - گرچه به ظاهر بلند مرتبه، بزرگ، با اقتدار و الامقام و سخن او نافذ باشد در این حال اخلاق او به پستی گراییده و نام خافض شامل حال او شده و درباره‌اش راست

آمده است و وقتی عبد بالا رفت - از اینکه خدا او را بالا برده - گرچه به ظاهر در میان اقوام، عشیره و فامیل خوار و از چشم افتاده باشد در واقع به نام رافع متخلق گردیده است.

۲۵ و ۲۶- اسم المعز، المذل: واژه معز اسم فاعل از باب افعال به معنی توانایی و بزرگی بخشنده است و واژه مذل نیز اسم فاعل از باب افعال به معنی خوار دارنده و خوارکننده است.

تعلق: وقتی انسان به این دو نام شریف پیوند برقرار ساخته است که به آنها احساس نیاز کرده و بتواند کسی را که از او عزت خواسته به آن مقام برساند و کسی را که بر خداوند تکبر ورزیده به ذلت و خواری بکشاند.

تحقق: نام معز (عزت بخش) وقتی تحقق می یابد که هر کس که به او استناد جوید و بر او تکیه نماید، بتواند عزت بخشد، گرچه به حسب ظاهر ذلیل باشد و مذل (خوارکننده) کسی است که لباس خواری را بر هر فخر فروش متکبر و بزرگ نما می پوشاند گرچه به حسب ظاهر عزیز باشد.

تخلق: وقتی عبد با همت والا - نه به حسب ظاهر - جان خود را از نزدیک شدن به فرقه گناه پاس دارد او عزیز و مقتدر است در این حال او معز نامید می شود. و مذل یعنی اگر به فرقه گناه نزدیک شود و گناه در او اثر گذارد و دنبال کارهای ناشایست و خوارکننده برود در واقع به نام مذل متخلق شده و جان خود را ذلیل و خوار ساخته است.

۲۷ و ۲۸- اسم السميع، البصير: واژه سمیع صفت مشبیه به معنی همیشه و بسیار شنونده و از باب علم است واژه بصیر به معنی بینای همیشگی و از باب نصر است. تعلق: وقتی عبد به مقام سمیع و بصیر می رسد که نیاز خود را در این بداند که این دو نام به طور اطلاق و بدون قید در او نفوذ کرده و در جان او نشسته باشد.

تحقق: سمیع مطلق کسی است که هر شنیدنی در هر جا باشد را درک کند و بصیر مطلق کسی است که هر دیدنی هر جا باشد را درک نماید.

تخلق: متخلق شدن به این دو نام بزرگ به این است که عبد در مقام کسب و به

دست آوردن نفوذ علی اطلاق این دو نام باشد، یعنی سمیع و بصیر او به عنوان دو صفت خدایی به هر جا و همه چیز نفوذ کند.

۲۹- اسم الحکم: واژه حکم از باب نصر به معنی داور، داوری، حاکم و فرمانروا است.

تعلق: وقتی عبد به این نام می پیوندد که احساس نیاز کند که حق تعالی او را موفق به رازها و اسرار قدر بدارد تا بتواند به کمک آنها در میان خلائق داوری نماید.

تحقق: معنی درست و صحیح حکم عبارت است از کسی که فرمانروایی مطلق قضا و قدر به دست اوست.

تخلق: عبد سالک وقتی به این نام متخلق می شود که بتواند اسبابی فراهم آورد که او را به این نام برسانند و داوری مشروع و صحیح در ذات او ملکه شود تا بتواند آن را اولاً بین خود ثانیاً بین مردم جاری سازد.

۳۰- اسم العدل: واژه عدل مصدر از باب ضرب به معنی راست کردن و صاف نمودن است.

تعلق: نیاز تو ای سالک رهبر در پیوستن به نام مبارک عدل به هنگام تحصیل و تعیین جای آن است، یعنی بر عبد است که اولاً: در یابد که با این نام چگونه پیوند برقرار سازد و خود را به دامن آن درآویزد و ثانیاً: چگونه این نام را در محل عدل پیاده نماید.

تحقق: عدل به معنی میل و گرایش به حق در داوری و حکمت است، آن گونه که جور و ستم در داوری و حکمت عبارت است از عدول از آنها یعنی در هر دو طرف قضیه، میل و گرایش است، یکی گرایش به حق و دیگری گرایش به جور و باطل.

تخلق: متخلق شدن به نام شریف عدل این است که به حق گرایش پیدا کنی و به همان معنایی که گفتیم میل نمایی، لیکن باید بدانی که ملاک و معیار گرایش (حق) است نه اینکه خودت را میزان عدل قرار دهی و طبق میل خودت داوری کنی.

۳۱- اسم اللطیف: واژه لطیف صفت مشبیه به معنی رسا به همه چیز، دانش، آگاهی و بینش است.

. **تعلق:** نیاز تو به خدای سبحان درباره نام لطیف به این است که تو را از فضل های پنهانی خبردار سازد تا شکر او گویی و از مکرها خبردار گرداند تا از آنها بپرهیزی.

تحقق: حقیقت لطیف و ذات او از شدت پنهانی هرگز به ادراک نمی آید. حقیقت لطف افعالی او آن چنان پنهان است که به شهود و رویت و مکاشفه نمی آید و کسی را نرسد که بتواند حق را در افعال او مشاهده نماید و از راهی که عبد نمی داند لطف خود را شامل حال او می گرداند.

تخلق: وقتی عبد به نام شریف لطیف متخلق می شود که با همه وجود، نفس و جان او متوجه این نام باشد. عبادت و بندگی او پنهان و بدون ریا باشد.

۳۲- اسم الخبیر: واژه خبیر صفت مشبیه به معنی همیشه آگاه و داناست.

تعلق: نیاز تو به خدا در این است که او تو را به دانشی که درباره تو و پیش از پیدایش تو دارد آگاه گرداند.

تحقق: اسم خبیر - چنان که اشاره شد - پس از آزمون تحقق می یابد چنان که قرآن می فرماید (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^(۱)) همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید.

تخلق: وقتی عبد به این نام متخلق می شود که هرگاه در امری از امور دنیا ادعایی پیش آمد و شخص ادعایی نمود، عبد سالک بتواند آن ادعا را بیازماید و از این آزمون و تجربه به دانشی دست یازد که قبلاً نداشت، در این صورت به آن ماجرا و ادعا خبیر گشته است.

۳۳- اسم الحلیم: لغت حلیم صفت مشبیه از باب شرف به معنی همیشه بردبار است.

تعلق: در رابطه با حلیم نیاز تو به خدای سبحان در وقتی است که هرگاه همت تو به کاری تعلق گرفت آن را با عزم و اقتدار کامل به منصه ظهور برسانی.

تحقق: هنگامی معنی حلیم تحقق می یابد که پستی و زبونی و ذلت عملی از ناحیه

شخصی به وقوع پیوست، عبد قدرت و اقتدار مواخذه داشته باشد. مع ذالک مجازات او را ترک کند، وی را مواخذه ننماید و به او مهلت دهد.

تخلق: وقتی عبد به این نام متخلق می‌شود که آنچه گفته شد ملکه او شود و در جانش به عنوان ملکه بنشیند.

۳۴- اسم العظیم: لغت عظیم صفت مشبیه به معنی بسیار بزرگ است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان به این است که نزد او بزرگ باشی نه نزد جهانیان.

تحقق: عظمت مطلق و بزرگی بی حد جز بر خداوند نمی‌باشد و هر عظمت و بزرگی که مطلق و بی حد نباشد نسبی است.

تخلق: عظمت حالتی است که در جان و روان بزرگ دارند (اسم فاعل) است نه در جان و روان بزرگ شمرده شده (اسم مفعول) از این رو بزرگ شمرده شده نیزگاهی بزرگ است.

۳۵- اسم الغفور: واژه غفور صفت مشبیه به معنی همیشه آمرزنده و پوشاننده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد در پیوستن به نام غفور به این است که خداوند پرده و پوششی بین تو با آنچه انتظار وقوعش را از تو دارد بکشد و رسوایت نسازد.

تحقق: معنی درست غفور - در ساختار و صیغه مبالغه - همان پرده و پوشش گسترده‌ای است که همیشه بر کردار ناشایست بندگان دارد.

متخلق: شدن به نام غفور مانند متحقق شدن به آن است، یعنی تحقق عبارت است از علم و غفوریت و تخلق عبارت است از کسب، اکتساب و به دست آوردن اثر و حقیقت غفوریت.

۳۶- اسم الشکور: واژه مبالغه به معنی بسیار سپاس پذیرنده و بسیار پاداش دهنده است.

تعلق: پیوند برقرار ساختن تو ای عبد با نام شکور در نیاز تو است به او که تو را از مشاهده انوار ملکوتی اسماء و صفات و دیدن نعمت‌هایی که بر تو ارزانی داشته محروم و ممنوع نفرماید.

تحقق: شکر صحیح عبارت است از استخراج نعمت‌های پنهان از گنجینه علم و بخشش خدای سبحان، چنان که فرمود (کَلِمَ شُكْرَتِم لَازِيْدٌ لَّكُمْ) اگر شکرگزار باشید به تحقیق بر نعمت‌های شما می‌افزایم.

تخلق: وقتی خوی و اخلاق عبد از این نام شریف رنگ وجود می‌گیرد که ملکه او گردد، این سفارش خداوند است که می‌فرماید (أَنْ اَشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ اِلَى الْمَصِيْرِ^(۱)) یعنی درباره پدر و مادرش سفارش کردیم که شکرگزار من (خدا) و پدر و مادرش باش، به سبب اینکه بازگشت همه به سوی من است.

۳۷- اسم العلی: واژه علی صفت مشبیه به معنی بالا و برتر است.

تعلق: پیوستن تو به نام مبارک علی در نیاز تو است به خدا تا درجه‌ای از قرب و نزدیکی به خود را به تو عنایت فرماید که دیگران بدان پایه نرسند.

تحقق: ساختار واژگانی علی صیغه مبالغه در علو و برتری است.

تخلق: کسی به خوی علی متخلق شده که شان مسابقه و مدال افتخارآمیز آن را در میدان‌های کار نیک و برتر، در رشته‌های علمی در اخلاق پسندیده و غواصی در دریای دقایق اندیشه‌های بشری از آن خود سازد. در این صورت شایسته تخلق به نام علی است.

۳۸- اسم الکبیر: واژه کبیر صفت مشبیه به معنی بزرگ و بزرگوار است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان برای تکمیل و تکامل خود به این است که بزرگی و کبریایی خداوند را در این جهان زیور خودسازی.

تحقق: کبیر به وزن (فعیل) صفت مشبیه در بزرگی است که اقتضای مفاضله یعنی بزرگ و بزرگتری فرض شود که خدا از همه بزرگتر باشد.

تخلق: به خلق و خوی کبیر متخلق شدن به زینت بخشی نفس است، به همه اوصاف کمال و به همه کمالاتی که اُتصاف به آنها در جهان هستی ممکن است.

۳۹- اسم الحفیظ: لغت حفیظ صفت مشبیه به معنی نگهبان است.

تعلق: پیوند برقرار ساختن با نام حفیظ در نیاز عبد است به دو چیز یکی در حفظ و نگهداری خدا از جان خود عبد، دیگری تایید و کمک خواستن از خدا در حفظ دیگران.

تحقق: ساختار واژگانی حفیظ صیغه مبالغه در حفظ و نگهداری کردن خدا از ذات خود و دیگران است، از چیزهایی که ضد نگهداری حسی و معنوی است.

تخلق: متخلق شدن به نام حفیظ به این است که عبد در حفظ نفس خود و در نگهداری از دیگران به اندازه‌ای که مأمور شده ایستادگی نماید و گاه با همت خود از دیگران پاسداری کند گرچه مأموریتی هم نداشته باشد.

۴۰- اسم المقیت: لغت مقیت اسم فاعل از باب نصر به معنی نگهداری، قدرت و توانایی که به بدن یا چیز دیگر تعلق گیرد.

تعلق: نیاز تو ای رهپوی سالک به خدای سبحان در این است که او نیرویی به تو ببخشد که با آن بتوانی بر احوال دشوار و گوناگون مقابله نمایی.

تحقق: مقیت عبارت است از روزی رسان و قوت بخش، این همان روزی ویژه است که به وسیله آن بدن و بنیه‌ات سرپاست.

تخلق: انسان وقتی به این اسم متخلق می‌شود که تنها به اندازه نیاز به نیازمند ببخشد نه کمتر و نه بیشتر، و چیزی که می‌بخشد گاهی حسی و از مال و منال دنیا است و گاهی معنوی همچون علوم و معارف است.

۴۱- اسم الحسیب: واژه حسیب به معنی کفایت‌کننده، همیشه بسنده و شمارش‌گر است.

تعلق: وقتی عبد به این اسم شریف وابسته می‌شود که نیاز خود را در این بداند که خداوند متعال او را بر محاسبه نفس خویش کمک نماید و نیز نیازش را در این ببیند که او را روزی بسنده رساند و روزی او به اندازه‌ای می‌باشد که در تکالیفی که خدا برای او مقرر داشته کفایت کرده و از دیگران بی‌نیاز فرماید.

تحقق: نام حسیب از برخی جوانب به اسم خبیر می‌پیوندد. و در پاره‌ای موارد به

اسم کافی. مانند است مانند (الیس الله بكاف عبده^(۱)) آیا خدا کفایت کننده بنده اش نیست؟ و مانند (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^(۲)) آیا زمینه‌هایی که در آنها خدا بسنده کننده و کفایت کننده است قابل شمارش نمی‌باشند؟ زیرا اموری که انسان با آنها در دنیا و آخرت در ارتباط است قابل شمارش نیستند.

تخلق: عبد وقتی به نام شریف حسیب متخلق می‌شود و از آن خلق و خو می‌پذیرد که به آنچه حق تعالی به انجامش فرمان داده قیام کند.

۴۲- اسم الجلیل: واژه جلیل صفت مشبیه به معنی بزرگوار، بزرگ، مهم و محترم معرّ، با شکوه و شایانی و بسیار خوب است.

تعلق: عبد سالک از چند سو به این نام شریف نیازمند است.

۱- در این که خدا به او چنان مقام شامخی ببخشد که هیچ کس را یارای رسیدن به آن نباشد.

۲- نیاز دوم عبد آن است که خدا تواضع و فروتنی بی‌اندازه و بی‌حد به او عطا فرماید.

تحقق: حقیقت این نام بزرگ از طرفی چنان در بلند است که چیزی مانند او نیست (کیس کمثله شی^(۳)) و از سوی دیگر چنان پایین است که در مرتبه بندگان فروپایه آید.

تخلق: وقتی جان و دل عبد با خدایش یک دل شود و خدا هم با او باشد به گونه‌ای که دیگر هیچ سمت و سو، جهت و ادراکی از خود نبیند و به مقام فنای فی الله برسد.

۴۳- اسم الکریم: واژه کریم صفت مشبیه به معنی گرامی، بزرگوار، و ارجمند است.

تعلق: ای عبد رهبر وقتی با نام کریم پیوند برقرار می‌سازی که روی نیاز به خدای سبحان نمایی که اخلاق و روش‌های نیک را به تو ببخشد و از بدی و پلستی دور سازد.

تحقق: کریم در بخشش کسی است که هیچ درخواست گری را نراند و از هر نظر

دارای صفات نیکو و برجسته باشد.

تخلق: وقتی انسان به روش‌های نیکو و اخلاق حمیده و پسندیده متصف گردید و از زشتی‌ها و ناپاکی‌ها دوری جست قطعاً به این اسم متخلق شده است.

۴۴- اسم الرقیب: لغت رقیب صفت مشبیه به معنی نگهبان و نگهدارنده است.

تعلق: پیوستن به اسم رقیب در این است که تو ای عبد سالک نیازت به خدای سبحان را در این باره بدانی که حد و حدود و قوانین الهی را بدون هیچ سهو و اشتباهی پیوسته پاس داری.

تحقق: رقیب کسی است که در واقع از حرکات و سکنات و نیازهای اهل مملکت خویش غافل نباشد و نیازهایشان را برآورده و شماره کند.

تخلق: کسی به مقام رفیع رقیب نایل می‌آید که مراقب چند امر باشد ۱- در دل شاهد و ناظر آثار پروردگارش باشد. ۲- راه نفوذ انحرافات و خلل‌های برونی و درونی فکری و عقیدتی را با مراقبت کامل سد نماید.

۳- دستور و فرمان سعادت آفرین خداوند دربار او، پیروان و اهل و عیالش را به گوش جان بشنود و پاس دارد.

۴۵- اسم المجیب: واژه مجیب اسم فاعل به معنی پاسخ دهنده و پذیرنده است.

تعلق: نیاز تو به خداوند در رابطه با این اسم این است که دعای تو را بپذیرد و روزی تو سازد که غیر او را نخوانی.

تحقق و تخلق: حقیقت معنی مجیب و خو گرفتن به آن هر دو در این آیه گرد آمده است: (وَإِذْ سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي) همان گونه که هر وقت او را بخوانی دوست داری تو را بپذیرد و پاسخ مثبت دهد، همان طور او نیز دوست دارد به آنچه او فرمان داده و تو را به آن تکلیف نموده تو نیز پاسخ مثبت دهی.

۴۶- اسم الواسع: واژه واسع اسم فاعل به معنای گشایش‌گر و بی‌نیاز است.

تعلق: نیاز تو ای عبد فرمانبردار به خدای گشایش‌گر در این است که به روی تو هر دری را بگشاید، رحمت محدود و مقید را بر تو وسعت بخشد.

تحقق: حقیقت واسع آن است که او همه چیز را فرا گرفته و ظرفی نباشد که او

(خدا) را فراگیرد.

تخلق: وقتی عبد به نام واسع متخلق می شود که بتواند خدا را در دل جای دهد. (ما وسعنی ارضی و لاسمائی و سَعْنی قَلْبُ عبدی المومن) آسمان و زمین گنجایش مرا ندارد و تنها دل بنده پرهیزگارم گنجایشم را دارا است.

۴۷- اسم الحکیم: واژه حکیم صفت مشبیه به معنی همیشه راست گفتار و درست کردار است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای حکیم در این است که نهادن اشیاء و ترتیب امور در جایگاه مناسب و در زمان مقتضی را رویت نماید و مرز وقت دارد.

تحقق: نام حکیم از سویی به قضای الهی پیوند دارد چنان که در نام الحَکَم بدان اشاره شد و از سویی به حکمت پیوند خورده است.

تخلق: هر که از طرفی به شناخت اشیاء دست یازید و در علوم و آموزش و کردار به کارگرفت و از طرف دیگر خدا را با نام مناسب با نیازش خواند در حقیقت آن کس به نام حکیم متخلق شده است.

۴۸- اسم الودود: واژه ودود صیغه مبالغه به معنی بسیار دوستدار، علاقمند، محبوب و مورد علاقه است.

تعلق: به خداوند ودود پیوستن عبد سالک در ثبات و پایداری دوستی است نسبت به خداوند و آنان که فرمان به دوست داشتن آنها داده است.

تحقق: وَدَ عبارت است از پایدار ماندن بر دوستی و استواری بر آن، آن سان که کوهها پایدار و استوارند.

تخلق: وقتی عبد به رتبه ودود ارتقاء می یابد که دوستی خدا و دوستی کسانی که خدا دستور به دوستی آنان صادر کرده در دلش ثابت بماند.

۴۹- اسم المجید: واژه مجید مشبیه به معنی بزرگوار و بی اندازه بخشنده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد در پیوستن به نام مجید در این است که ذات و روان خود را به اخلاق حمیده و صفات پسندیده شرافت بخشی و شکوهمند گردانی.

تحقق: مجید به معنی شریف کسی است که شرافتش ذاتی باشد نه از نوع شرافت و

بزرگواری که دیگران دارند.

تخلق: کسی به نام مجید متعلق می‌شود و بنده‌ای شریف می‌گردد که از نام مجید خداوند شرف و بزرگواری گرفته و به خلق و خوی علی الاطلاق خداوند راه پیدا کرده باشد.

۵۰- **اسم الباعث:** لغت باعث اسم فاعل به معنی برانگیزنده، بیدارکننده، فرستنده و زنده کننده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد به خدای سبحان در این است که خداوند به تو همت نافذ و موثر عطا نماید و روزی فرماید تا بتوانی در جان و روان کسی که از تو خواهان پند و اندرز است تاثیر گذاری.

تحقق: برانگیزنده و باعث علی اطلاق - همه اشیاء و حالات - کسی است که مستقیماً بر می‌انگیزد و خودش از جانب کسی مبعوث نیست. چنین برانگیزنده‌ای (علی الاطلاق) جز خدای یکتا نیست.

خداوند کسی است که به درون انسان پیک‌های فکر و اندیشه می‌فرستد تا به او نطق و عقید عطا نماید.

تخلق: بعث مورد نظر در اسماء و صفات نزد ما همان برانگیخته شدن بعد از مرگ است چنان که فرمود: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)^(۱) یعنی اوست آن کس که در میان مکتب نرفته‌ها و درس نخوانده‌ها فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و آنان قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۵۱- **اسم الشهيد:** واژه شهيد صفت مشبهه به معنی گواه و کسی که چیزی بر او پنهان نباشد می‌باشد.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک در رابطه با نام شهيد در این است که از خدا بخواهی

مشاهده و شهود خود را هرگونه باشد روزیت فرماید.

تحقق: ۱- شهید کسی است که با حضور خود همه قیام و قعود را می بیند. ۲- شهید کسی که همه او را می بیند و در همه جا دیده می شود. ۳- همه چیز را می بیند و با هر چیزی همراه است.

تخلق: وقتی عبد به مقام و مرتبه مشهود میرسد و بدان متخلق می شود که وقتی در نظر منظر و مشهود حق تعالی قرار گرفت کوشش نماید که خدا او را در جایگاهی معاصی نبیند، بلکه او را در امور نیک بنگرد.

۵۲- اسم الحق: حق مصدر به معنی راست و درست از باب نصر.

تعلق: نیاز تو ای بنده سالک به خدای سبحان در این است که جز به درستی و حقیقت زبان نگشایی و جز به راستی گام بر نداری.

تحقق: معنی درست و صحیح حق در بالاترین درجات به واجب الوجود بالذات منتهی می شود.

تخلق: وقتی عبد به حقیقت حق متخلق می شود که بداند او واجب الوجود است، اما نه بذات خود بلکه واجب بالحق است.

۵۳- اسم الوکیل: وکیل صفت مشبهه به معنی بسیار کارساز و کاردان است.

تعلق: نیاز تو ای سالک الی الله در این است که خداوند تو را موفق دارد تا او را به عنوان وکیل خویش اتخاذ نمایی.

تحقق: وکالت بر سه نوع است: ۱- وکالت مطلق، ۲- وکالت مقید به برخی امور است مانند وکالت در تجارت و خرید و فروش. ۳- وکالت گردش (دوری) و آن عبارت است از وکالت (الف) بر (ب) و وکالت (ب) به (الف).

تخلق: خداوند درباره متخلق شدن به اخلاق و آداب وکیل می فرماید: (وَأَتَّقُوا مِمَّا بَعَلَّكُمْ مُسْتَغْلَبِينَ فِيهِ)^(۱) و از آنچه شما را از آن جانشین کرده انفاق کنید.

۵۴- اسم القوی: واژه قوی صفت مشبهه به معنی توانمند و نیرومند است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که در برابر آنچه خواستی انجام دهی و بر او فرمان دادی و در برابر تو مقاومت کرد و ممانعت به عمل آورد تو چیره غالب و سرافراز بیرون آیی.

تحقق: در واقع قوی کسی است که کسی بر او نتواند چیره شود و غالب آید و نتواند در برابر او مقاومت نماید.

تخلق: کسی به اسم قوی متخلق شده که خدا به او نیرو بخشاید و بار سنگینی تکلیف و عبادات حسی ظاهری و معنوی اخلاقی را مردانه بر دوش گیرد.

۵۵- اسم المتین: واژه متین صفت مشبیه به معنی استوار و نیرومند است.

تعلق: نیاز تو ای بنده خدا در این است که او تو را از تاثیر شبیحات عقیدتی که از جانب نفس اماره و شیطان داخل و یا شیاطین خارج مطرح می شود مصون و محفوظ دارد.

تحقق: متین عبارت است از: نیروی استوار و باصلابتی که وقتی در وجود انسان باشد، تلاش و همت او سبب می شود از چیزی متاثر نگردد و چیزی در او کارگر نیفتد.

تخلق: بنده ای به اسم متین متخلق می شود که چنان سخت و استوار و با صلابت باشد که از سویی هوی و هوس های شیطانی نتوانند در او موثر افتند.

۵۶- اسم الولی: واژه ولی صفت مشبیه به معنی دوست، بزرگ، یاور، سرپرست و متولی امر است.

تعلق: نیاز تو ای بنده سالک، به خداوند ولی به این است که از او بخواهی تو را از جمله اولیا و دوستانش قرار دهد.

تحقق: ولی عبارت است از دوست و یاور، زیرا او دوستدار بندگان خود به ویژه پارسایان است، از این رو آنان را با اموری خاص یاری می کند و سرپرستی می نماید.

تخلق: وقتی عبد به نام ولی متخلق می شود که خداوند، پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند را ولی و سرپرست خود بداند.

۵۷- اسم الحمید: واژه حمید صفت مشبیه به معنی همیشه ستوده و پسندیده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای حمید در این است که تو را از جمیع وجوه به مقام محمود برساند یعنی به رتبه‌ای برسی که مورد ستایش قرارگیری و همه ستایش تو گویند.

تحقق: حمید کسی است که همه ستایش‌ها به او فرجام یابد و به خاطر کردار نیک و افعال پسندیده مورد مدح و ثنا و ستایش قرار گیرد.

تخلق: از بندگان کسی به مقام محمود می‌رسد و بدان متخلق می‌شود که ستایش‌ها به او منتهی گردند و فرجام یابند.

۵۸- اسم المعصی: واژه معصی اسم فاعل به معنی شمارش آورنده همه چیز است.

تعلق: نیاز تو ای بنده خدا در این است که آنچه را خداوند متعال به نگهداری آن امر فرموده به شمارش آوری یعنی بر عبد است که هر شب کارهای خوب و بد خود را بشمارد و به حساب روزانه خود رسیدگی کند.

تحقق: شمارش گر واقعی کسی است که احاطه کامل به حقیقت شمارش شده‌ها اعم از موجود و معدوم داشته باشد، این حقیقت جز درباره خداوند تحقق کامل ندارد. **تخلق:** کسی از بندگان به این نام متخلق شده است که بتواند به موارد یاد شده از نعمت‌هایی که مورد سوال قرار می‌گیرند توفیق یابد.

۵۹- اسم المبدأ: واژه مبدأ اسم فاعل به معنی آشکارکننده و به هستی در آورنده است.

تعلق: نیاز تو به خدا در اخلاص نیت است در اعمال و کرداری که خود انجام می‌دهی.

تحقق: عبارت از پدید آوری مرحله نخستین اشیاء در مقام (اعیان ثابته) یا (صورت‌های علمیه) و سپس آشکار سازی و پدیدار ساختن آنهاست.

تخلق: عبد وقتی متخلق به (آفریدگاری) می‌شود که اندیشه‌ها و کردارهای نیک را در جان خود و به دست خود اختراع نماید.

۶۰- اسم المعید: واژه معید اسم فاعل به معنی بازگشت دهنده و برگرداننده است.

تعلق: نیاز عبد به خدای سبحان در توفیقی استمرار و مداومت بر عبادت است.
تحقق: اعاده و برگرداندن عبارت از برگشت دادن چیزی است به حالی که اول داشته و از آن جداگشته.

تخلق: پدید آوردن کاری به شکل و صورت گذشته را اعاده گویند که اگر عین شی اول نباشد شبیه آن است در صورت.

۶۱- **اسم المَعْبُود:** واژه مَعْبُود اسم فاعل به معنی زنده کننده است.
تعلق: نیاز تو ای بنده خدا به این است که دلت را خداوند به نور زنده گرداند و اعضاء و جوارحت را به زندگی باطاعات و عبادات و فرمانبرداری از او حیات بخشد.
تحقق: زنده کننده کسی است که به همه موجودات حیات و زندگی بخشد تا تسبیح او گویند و ستایش او نمایند.

تخلق: کسی که زمین دل مرده‌ای را زنده کند گویا همه مردم را زنده کرده است (و من احياء فکانما الناس جميعاً^(۱)) و کسی که به اندیشه فکر، و بصیرت خود اشتغال داشته باشد خود را زنده نموده است.

۶۲- **اسم المُمِيت:** واژه مُمِيت اسم فاعل به معنی میراننده زنده‌هاست.
تعلق: نیاز تو به خدا سبحان در این است که تو را نگهداری فرماید و از کسانى قرار ندهد که در اثر غفلت و مانند آن قلب و دلش از یاد خدا غافل گشته و مرده است.
تحقق: میراننده کسی است که از بین برنده زندگی از کسی که به حیات وابسته است.

تخلق: درباره متخلق شدن به نام ممیت و میراندگی، هر که با بدعت و گمراه سازی مردم را بمیراند در واقع به نام ممیت متخلق شده و سعادت آنان را تباه ساخته است برخلاف کسی که مردم را به حقایق و معارف زنده می‌گرداند.

۶۳- **اسم الحی:** لغت حی مصدر ثلاثی از باب علم به معنی همیشه زنده، زیستن، زندگی، قبیله و حیات است.

تعلق: نیازمندی، عبد به خدای سبحان در پیوند زندگانی او به آخرت است.
تحقق: حی کسی است که زنده بودنش ذاتی است یعنی از جایی کسب نکرده و کسی به او نداده باشد.

تخلق: متخلق شده به اسم شریف حی در بنده خدا کسی است که درون او به نور خدا، دل او به ذکر خدا و اعضاء و جوارح او به طاعت و بندگی خدا زنده شود.
۶۴- اسم القیوم: واژه قیوم صفت مشبیه به معنی همیشگی و پاینده است.
تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که یاری و کمک در آنچه به تو امر فرموده است را روزی و مرز وقت فرماید تا بتوانی دریاره چیزهایی که به آنها مکلف و مأموری که برپا داری قیام نمایی.

تحقق: قیوم و پاینده واقعی کسی است که از طرفی پابندگی ذاتی دارد و از سوی دیگر هم ما سوی الله در قیام و برپایی به ذات و لوازم او همچون قدرت، اقتدار حیات جاودانگی و... به او نیازمندند.

تخلق: متخلق شدن به نام قیوم در همه امور مطلوب واقعی است.
۶۵- اسم الواجد: واجد اسم فاعل به معنی نیرومند دریابنده، توانا و بی نیاز است.
تعلق: نیاز تو ای عبد مسکین به خدا در مورد نام واجد این است که به تو حالی بخشد که از او چیز مشخص و معینی طلب نکنی.

تحقق: واجد کسی است که هیچ گاه چیزی را فاقد و نادار نباشد.
تخلق: وقتی عبد در جایگاهی قرار گرفت که هیچ چیز از او فوت نشود و به هیچ کس نیازمند نگردد.

۶۶- اسم الماجد: واژه ماجد اسم فاعل به معنی بزرگواری، گرامی، بسیار جوانمرد و بخشنده و نیکو خوی و شریف است.

تعلق: نیاز تو ای سالک کوی دوست با نام شریف ماجد به این است که به تو شرافت عطا فرماید.

تحقق: شرافت، بزرگی، سرافرازی، بزرگ قدر بودن و بخشاینده‌گی، همگی ذاتی و تفصیلاً از آن حق تعالی است و در او متحقق و از او جلوه نماست.

تخلق: وقتی عبد به مقام مجد و بزرگواری می‌رسد که دارای صفات یاد شده و غیر آنها باشد.

۶۷- اسم الواحد: واژه واحد اسم فاعل به معنی یگانه است.
تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان در این است که تو را کسی قرار دهد که از ناحیه فکر، اندیشه و توجه به خدای واحد تنها شخص زمان خود باشی.
تحقق: واحد در حقیقت کسی است که از جمیع وجوه متصف به وحدت باشد و هیچ گونه تکثیری در او نباشد.

تخلق: هرگاه با دو خلیفه بیعت شود با دومی قتال کنی.
۶۸- اسم الصمد: واژه صمد اسم از باب نصر به معنی بی‌نیاز، پناه نیازمندان، جاودانگی، همیشگی، ابدی.

تعلق: نیاز تو ای بنده به خدای سبحان در این است که آن قدر برای تو گشایش به وجود آورد که بتوانی پناه نیازمندان و پناه جویان باشی.
تحقق: صمد در حقیقت کسی است که به او پناه می‌آورند و در جمع امور خرد و کلان و معلوم و مجهول به او مراجعه کنند.

تخلق: وقتی عبد با تلاش و کوشش خلق و خوی الهی کسب کرد و به اخلاق پسندیده دست یازید متخلق به صمد می‌شود.

۶۹- اسم القادر: واژه قادر اسم فاعل از باب ضرب به معنی توانمند، اندازه‌گیر توانا، بررسی‌کننده، و به سنجش آورنده است.

تعلق: نیاز تو ای بنده سالک به خدای سبحان در این است که تو را توانایی بخشد و توانمندی دهد.

تحقق: قادر کسی است که هرگاه بخواهد کاری را انجام دهد کسی نتواند مانع رادع و جلوگیری او شود.

تخلق: وقتی عبد به جایی برسد که دست او دست خدا باشد در حقیقت به نام قادر متخلق شده و به مطلوب حقیقی دست یافته است.

۷۰- اسم المقتدر: واژه فاعل به معنی توانمند است، ریشه آن از باب ضرب است.

تعلق: نیاز تو ای عبد رهپو به خدای سبحان در این است که قدرت و توان خود را صرف او امر و دستورات خداوند نمایی.

تحقق: مقتدر چیزی جز توانایی ایجاد و پدید آوری نیست که در تکوینات قرار داده شده است.

تخلق: از شرایط اسم مقتدر در کسی که به این اسم متخلق شده این است که فعل از او صادر شود و چیزی و کسی نتواند مانع او باشد.

(۷۱ و ۷۲) **اسم المقدم، المؤخر:** واژه مقدم اسم فاعل به معنی پیش فرستنده و جلو اندازه و واژه مؤخر نیز اسم فاعل به معنی واپس اندازنده.

تعلق: نیاز تو ای بنده سالک به این دو نام - اولاً: خداوند تو را از سابقین و مقربان قرار دهد. ثانیاً در این مسابقه اگر عقب افتادی خداوند تو را از شر شیطان محفوظ فرماید.

تحقق: پیش دارنده و عقب اندازه کسی است که خود یا دیگری را به کاری پیش اندازد و خود یا دیگری را از کاری عقب نگه دارد.

تخلق: وقتی عبد به نام مقدم متخلق می شود که حق تعالی کسی که قابلیت ذاتی برای مقدم شدن داشته و یا دیگران او را مقدم داشته اند را جلو بیندازد و نیز هرگاه کسی که خدا فرمان به تاخیر او داشته است را مؤخر بدارد به نام مؤخر متخلق شده است. (۷۳ و ۷۴) - **اسم الاول والاخر:** واژه اول معنی نخست و واژه آخر بر وزن فاعل ضد نخستین است.

تعلق: نیاز تو، تو ای بنده سالک کوی دوست و ای سفرکننده به مقام اسماء و صفات باری تعالی در این است که خداوند تو را در طاعات مقدم بدارد تا رتبه اول را کسب نمایی و در جدا شدن از او امر و طاعات او موخر باشی.

تحقق: مقصود از اول کسی او را ایجاد نکرده است پس اسم ذات است نه نام افعال و آخر کسی است که بر وجود او پایانی متصور نیست.

تخلق: کسی به نام اول و آخر متخلق می شود و از آنها خو می پذیرد که نفس و جان خود را بشناسد.

(۷۵ و ۷۶) - اسم الظاهر و الباطن: واژه ظاهر اسم فاعل به معنی پیدا به هستی و واژه باطن اسم فاعل به معنی نهان دارنده و پنهان کننده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان در این است که در جاهایی که از آنها خرسند و خشنود است تو را آشکار سازد و در جاهایی که از آنها ناخرسند و ناخشنود است پنهان دارد.

تحقق: مراد از ظاهر و باطن یعنی ظهور خداوندی است که به وسیله افعال و آثارش ظاهر و آشکار است ولی ذات او پنهان و نهان است.

تخلق: متخلق شدن عبد عبارت است از آشکار شدن او به صفات و افعال نیکوی پروردگار و در نهان ماندن از برپاداری صفات ناپسند و بد.

۷۷- اسم البر: واژه بر مصدر از باب نصر به معنی نیکوکار و مهربان، رفیق و مددکار کردن.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک در این است که خدای سبحان تو را از بهترین بندگان قرار دهد.

تحقق: اگر معتقد باشیم محسن کسی است که بر پایه مشاهده نعمت می بخشد، به وجود آوردن اعیان ثابت که از بزرگترین احسان و نعمت هاست جز از راه مشاهده نیست.

تخلق: کسی متخلق به بر می شود که احسان و نیکوکاری های مادی و معنوی او شامل حال نیازمند و بی نیاز شود.

۷۸- اسم التواب: واژه تواب صیغه مبالغه به معنی بسیار پذیرنده پشیمانی از گناه است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خداوند تواب همیشه و در همه حال است.

تحقق: تواب به معنی بسیار برگردنده از حالی به حال دیگر است و یا برگشت کننده از حالی به ترک آن حال می باشد.

تخلق: از میان بندگان کسی به نام تواب متخلق میشود که در همه حال از حال خود - و از حال و توجه دیگران - به پروردگارش بر می گردد و پیوسته و در همه احوال به او

بازگشت می نماید.

۷۹- اسم المنتقم: واژه منتقم اسم فاعل به معنی کیفر دهنده و سرزنش کننده است.
تعلق: نیاز تو ای بنده به خدای سبحان در این است که او تو را از کیفر و سرزنش گناهان و مانند آنها نکه دارد گرچه لذیذ هم باشند.
تحقق: منتقم کسی است که انسان را در برابر گناه مواخذه و سرزنش و مجازات می کند و نمی بخشد.

تخلی: عبد وقتی به این نام متخلی می شود که بتواند در میان بندگان حدود و مقررات مشروع خداوند را بر همگان اعم از کافر و مؤحد جاری سازد.
۸۰- اسم العفو: واژه عفو صیغه مبالغه به معنی بسیار بخشنده است.
تعلق: تو ای عبد سالک وقتی به این نام در می آویزی که بدانی نیاز تو به خدای سبحان در این است که او ببخشد زیرا او بسیار بخشنده است.
تحقق: عفو کسی است که احسانش زیاد و مواخذه اش کم باشد.

تخلی: متخلی شدن عبد به این نام در همان محدوده ای است که قلمی گردید.
۸۱- اسم الرؤف: واژه رؤف صیغه مبالغه به معنی بسیار مهربان و ریشه اش از باب منع.
تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که در دلت مهربانی و رحمت قرار دهد.
تحقق: رأفت و مهربانی مانند رحمت است، ولی فرقی که دارند در این است که در رافت رویکردی اصلاحی وجود دارد.

تخلی: وقتی عبد به نام رؤف متخلی می شود که خودش را به میزان مصالح نیک عرضه بدارد گرچه مصالح نیک و موازین قرآن به سود او نباشد. و به حال او سخت و دشوار آید.

۸۲- اسم مالک الملک: واژه مالک الملک بمعنی دارنده و فرمانروایی و پادشاهی و سلطنت و ملکوت است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که او قلب و توجه تو را به وسیله بندگی نمودن به ربوبیت و خدایی خود معطوف دارد.
تحقق: فرمان فرما در حقیقت کسی است که درباره دارایی مطلق او - که همه عالم

وجود را فرا گرفته - هیچ کس نمی تواند ادعای حریت و بندگی کند.
تخلق: وقتی بنده خدا به وسیله رب الارباب مالک خود شود و دیگر به سود خود حجت و دلیلی بر علیه خدا اقامه نمی کند.

۸۳- اسم ذوالجلال و الاکرام: واژه ذوالجلال و الاکرام یعنی دارای شکوه، بزرگواری و بنده نوازی است.

تعلق: نیاز تو ای عبد رهپو به خدای سبحان در این است که خدا مقام تو را در جایگاهی بزرگ با شکوه و ارجمند قرار دهد.

تحقق: خلق و خوی این دو نام در صورتی فراهم می آید که هر دو را به دست آوری تا از دو سو با شکوه و ارجمند گردی.

۸۳- اسم الوالی: واژه والی اسم فاعل است و به معنی نزدیک شونده یاری کننده و دوستدار حمایتگر، سرپرست و... است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که عدل و عدالت را جاری سازی.
تحقق: والی کسی است که سرپرست امور همه مخلوقات باشد، و کسی غیر او سرپرستی نداشته باشد.

تخلق: والی و سرپرست از میان بندگان کسی است که خداوند امر و فرمان و فرماندهی خود را به او واگذار کرده.

۸۵- اسم المتعالی: واژه متعالی، اسم فاعل از باب تفاعل به معنی بلند، برتر و به دور از عیب است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان در این است که تواضع را روزی تو گرداند.
تحقق: متعالی کسی است که وقتی امری که اقتضای تنزیه دارد به او نسبت دهی حق و درست باشد، ولی باز مقام او بالاتر از مرتبه دانش تو است.

تخلق: از میان بندگان کسی برتر و بالاتر است که هرگاه به مقام پسندیده ای دست یافت متوقف نشود و به درجه ای برتر گام نهد.

۸۶- اسم المقسط: واژه مقسط اسم فاعل به معنی دادگر است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که تو را از جمله کسانی قرار دهد که در

احکام و قوانین او به عدل و داد رفتار نمایی.

تحقق: دادگر کسی است که داد مظلوم و ستمدیده را از ستمگر می‌گیرد.

تخلیق: کسی به نام مقسط و دادگر متخلق می‌شود که حقوق الله را رعایت نماید.

۸۷- اسم الجامع: واژه جامع اسم فاعل به معنی گردآورنده است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در پیوستن به این نام در این است که تو را به جانب خود جذب نماید.

تحقق: جامع و گردآورنده در حقیقت کسی است که همه صفات و خصلت‌های پسندیده و نام‌های نیکو را در ذات خود به یک نسبت گرد آورده.

تخلیق: کسی به نام جامع متخلق می‌شود که همه خُلق و خوی‌های پسندیده را گرد آورده باشد و به سایر نام‌های نیکوی خداوند تا آنجا که دانش او رسید متخلق شده.

(۸۸ و ۸۹) - اسم الغنی والمغنی: واژه غنی به معنی همیشه بی‌نیاز و واژه مغنی به معنی بی‌نیازکننده است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که از او بخواهی تو را به خودش مشغول سازد نه این که به تو چیزی ببخشد.

تحقق: همیشه بی‌نیاز (غنی) کسی است که در ذات بی‌نیاز باشد و مغنی کسی است که دیگران را به گونه‌ای بی‌نیاز گرداند.

تخلیق: وقتی عبد به نام غنی متخلق می‌شود که از خدا آن قدر بی‌نیازی کسب کند که یاد خدا او را از سوال و پرسش به طور کلی باز دارد تنها به غنی مطلق می‌نگرد، در این صورت است که به غنا و بی‌نیازی متصف گردیده مغنی شود.

۹۰- اسم المانع: واژه مانع اسم فاعل از باب منع به معنی باز دارنده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد نیازمند به خداوند سبحان در این است که دفاع از دین و آئین و حمایت از آنچه سبب فساد دین می‌شود را روزی و مرز وقت فرماید.

تحقق: همه ممکنات ذاتاً و طبعاً معدودند و به سمت هستی گرایش دارند

تخلیق: کسی که خود را از قرقگاه‌های محرمات الهی دور بدارد و از برپاداری چیزهای که خداوند از آنها خرسند و خشنود نیست سر باز زند.

(۹۱ و ۹۲) - اسم الضار والنافع: واژه ضار اسم فاعل به معنی زیان و آسیب رساننده
 واژه نافع در مقابل ضار به معنی سود رساننده سوددهنده.

تعلق: پیوند عبد به خدای سبحان در رابطه با این دو نام یکی در این است که خدا
 او را از خسارت و گزندهایی که در دین و دنیا و آخرت متوجه او می شود کمک نماید تا
 بتواند از آنها دفاع نماید و دیگری: در دین است که آنچه به سود حسی و معنوی او در
 دین و دنیا و آخرت می انجامد به او ببخشد.

تحقق: زیان واردکننده کسی است که درد و الم و اسباب آن را به عبد وارد می سازد
 و سود رساننده کسی است که به حال انسان مفید است و به او سود می رساند.

تخلیق: از میان بندگان شایسته خدا کسی زیانمند است که به خاطر خدا و از باب
 ایثار به درگاه، او ضرر و زیان دیده باشد و نافع و سودمند از میان بندگان خدا کسی
 است که به بندگان او سود برساند کسی به اسم نافع متخلق است.

۹۳ - اسم النور: واژه نور اسم به معنی روشن و روشنی بخش است.

تعلق: نیاز تو ای بنده رهپو به خدای سبحان در این است که وجودت را چنان
 نورانی سازد که مایه و سرمشق هدایت شوی.

تحقق: نور از طرفی خود ستایی و نور انسانی ذاتی دارد و از سوی دیگر چیزهایی
 که مناسب حال و ذات او نیست و اقتضای آنها را ندارد از خود می راند.

تخلیق: کسی که همیشه از او بگریزند - از این ترس که دانشان ملحق به عدم کوری و
 زیر پوشش فراموشی و غفلت قرار نگیرد - نام نور بر او لازم و اولی است.

۹۴ - اسم الهادی: واژه هادی اسم فاعل به معنی راهنماست.

تعلق: پیوند تو ای عبد سالک با خدای سبحان در این است که در هدایت احساس
 نیاز کنی.

تحقق: هدایت عبارت است از بیان راه روشن و هدایت گر کسی است که در همه
 دانش ها، اعمال، کردار، و احوال راه سعادت جوید.

تخلیق: از میان بندگان کسی زیان گویای حق است که حق را با راه های هدایت بیان
 کند و به بندگان برساند و نشان دهد.

۹۵- اسم البدیع: واژه بدیع صفت مشبیه به معنی نو آورنده، نو آفریننده و همیشه آفریدگار است.

تعلق: نیاز تو به خدای سبحان در این است که تو را چنان مقام برتری ببخشد که هیچ کس از فرزندان نوع بشر به مانند آن نتواند دست یابد.

تحقق: بدیع به دو معنی است: یکی اینکه در ساختار و پدیداری چیزی از هیچ الگو و مانند پیروی نشده باشد.

تخلق: چیزی از نام بدیع سعادت بخش است که اگر کسی شیوه قانون و سنت نیکویی را پایه گذاری کرد، پاداش آن بر او مثبت است.

۹۶- اسم الباقی: اسم فاعل به معنی همیشه و جاوید است.

تعلق: پیوستن تو به خدای سبحان در رابطه با نیاز تو به اوست که تو را از جمله کسانی قرار دهد.

تحقق: در حقیقت کسی باقی است که پایداری و جاودانگی او ذاتی باشد و فنا عدم، فقر، ناداری، و حتی کمالات ممکنات در او راه نیابند.

تخلق: از میان بندگان کسی متخلق به نام باقی است که بندگی او همیشگی مستمر پیوسته و پایدار باشد.

۹۷- اسم الوارث: واژه وارث اسم فاعل به معنی ستاننده پایدار، باقی پس از متوفی است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان در این است که تو را به اقتدا نمودن به سنت پیامبر (ص) و به راه و روش پسندیده او موفق بدارد.

تحقق: وارث کسی است که همه مال و اموال به او برگردد.

تخلق: از میان بندگان کسی به نام وارث متخلق می شود که میراث دار پیامبران باشد.

۹۸- اسم الرشید: واژه رشید صفت مشبیه به معنی راه یافته، هوشیار، بیدار، عاقل و هدایت شده است.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک به خدای سبحان در رابطه با رشید این است که خداوند

تو را به آنچه در آن سعادت و نیک بختی تو است ارشاد و راهنمایی فرماید.

تحقق: رشید همان کسی است که انسان را به امور والا و برتر راهنمایی می‌کند.

تخلق: از میان پندگان کسی به صفت رشید متخلق شده که امور نیک و بد را خوب بشناسد و نیکو پژوهش نماید.

۹۹- اسم الصبور: واژه صبور صفت مشبیه به معنی همیشه بردبار و شکیباست.

تعلق: نیاز تو ای عبد سالک کوی دوست در این است که خداوند نعمت سلامت و عافیت در دین و دنیا و آخرت را از تو نگیرد.

تحقق: واژه صبور به ساختار مبالغه یعنی کسی که مورد اذیت و آزار فراوان قرار می‌گیرد و شکیبایی می‌نماید.

تخلق: متخلق به شکیبایی و صبر از میان پندگان کسی است که وقتی خلق به او آزار رسانند، دادخواهی نکرد کمک نطلبید خود نگهدار بود.

خداوند متعال می‌فرماید: (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا)^(۱) نام‌های نیکو به خداوند اختصاص دارد.

ادعونی استجب لکم^(۲) مرا بخوانید تا شما را پاسخ دهم.

۱- اعراف / ۱۸۰

مثال: نام جلاله‌الله = ۱ = (۷ درجه آتشی) + ل (۵ درجه خاکی) + ل (۵ درجه خاکی) + ه (۶ درجه آتشی) در مجموعه کلمه الله = ۱۳ درجه حرارت (۶+۷=۱۳) (۱۰+۱۳=۲۳) یبوست و ۱۰ درجه سردی (برودت) (۵+۵=۱۰).

۲- غافر / ۶۰

هر عنصر در طبیعت دارای دو مزاج یا طبع می باشد

عنصر آتش: گرم و خشک است. گرم (حرارت) و خشک (یبوست) از مختصات آتش می باشد.

عنصر باد: گرم و تراست، گرم (حرارت) و تری (رطوبت) از مختصات باد هستند.
عنصر آب: سرد و تراست، سرد (برودت) و تری (رطوبت) از مختصات آب می باشد.

عنصر خاک: سرد و خشک است، سردی (برودت) و خشکی (یبوست) طبیعت خاک است.

در حقیقت حروف دارای طبع و مزاج و عنصر می باشد، هر حرف دارای مطلوب، و مطلوب مطلوب و طالب و طالب طالب حروف دارای غالب و مغلوب می باشند و هم حرف متعلق به یکی از سیارات هفتگانه و بروج دوازده گانه و منازل بیست و هشتگانه و هر حرف دارای خواص و منطقه دوایر انرژی مخصوص بخود می باشد و حروف دارای موکل و صاحب و عوامل مخصوص بخود می باشد دارای رنگ و میدان مغناطیسی که در بُعد پنجم زمان مکان سیکل حروف می باشد. هر حرفی ترسیم خاص خود را دارد که در چهارمین مرحله از ده مرحله انسان مربوط به این سیکل ها می باشد. سیکل های حروف و اعداد در واقع با هم و در هم هستند و هر دو را سیکل های ترسیمی کلمه ای دو سویه جمالی و جلالی می باشند. حروف دارای ارتعاش فرکانس طول موج و تداخل امواج می باشد. بعضی از حروف با بعضی بدوستی یا بعض یا دشمنی و در نقاط خواستی خنثی می باشد که دارای ابعاد و اشکال هندسی که بصورت هاله های رنگارنگ دارای فلسفه منطق ریاضی می باشند.

اسماء الحسنی که از مجموع دو یا چند حرف پدیدار می گردند میدان های اعظیم انرژی را در بر دارد، که قابل فهم و درک با فکر هیولی نمی باشد، و توسط میلیون ها موکل

پدیده‌های امری را حادث می‌نمایند و در پرتو افکنی این انرژی عظیم فیوضات بسوی ذاکر که مرکز دریافت این انرژی می‌باشد، به امری از سوی خالق یکتا به وقوع می‌پیوندد در حوزه بایدها عمل خواهان حادث می‌شود. منوط به فهم قابلیت خواهان (ذاکر) از اتصال کامل به مرکز آن اسماء با قدرت تمرکز (۱- توجه، ۲- شکل‌گیری حذف، ۳- حذف حضور، ۴- وحدت دوسویه، ۵- سرخوشی، ۶- مشهود، ۷- توهم) که پیدایش قدرت تمرکز را برای ذاکر پدیدار می‌نمایند که همراه حضور دل به تعداد نصاب در هر اسماء الحسنی خواسته خواهان به امر حضرت حق حادث می‌شود و جذب انرژی بالقوه و تبدیل انرژی بالفعل در قابلیت ذاکر به فصل می‌نشیند و خواسته و آرزو (برآورده شدن حاجت) به وقوع می‌پیوندد.

ذکر مانند دارو می‌ماند که بیمار (ذاکر) باید مقدار مصرف و تعداد دفعات و زمان مصرف آن ذکر را بداند تا زودتر اثراتش پدیدار گردد. زیاده یا کم می‌تواند موجب نقصان ذاکر و یا عکس خواسته خواهان گردد.

در باب ۹۹ اسماء الحسنی همراه با نوع عنصر و طبع و الواح مربوطه همراه با کاربرد آنها و به کدام روز تعلق دارد برای ذاکرین عزیز و حاجت مندان به نوع نیاز و حاجت به ستاره تعلق خود انتخاب و شروع و پایان و مقدار را بر مبنای ستاره خود آغاز نماید. امیدوارم که در حل مشکلات کارگشا باشد و انشاءالله حاجت برآورده شود (التماس دعا)

گرچه باشی از خداوندان ده	فقر را از کف مده، از کف مده
سوزا و خوابیده در جان تو هست	این کهن می‌از نیاکان تو هست
در جهان جز درد دل سامان مخواه	نعمت از حق خواه و از سلطان مخواه
ای بسامرد حق اندیش و بصیر	می‌شود از کثرت نعمت ضریر
کثرت نعمت گرت از دل برد	نماز می‌آرد نیاز از دل برد
سألها اندر جهان گردیده‌ام	غم بچشم منعمان کم دیده‌ام

من فدای آنکه درویشانه زیست

وای آن‌کو از خدا بیگانه زیست!

برای بدست آوردن تعداد خواندن اسماء و اینکه چند روز باید بخواند و از کدام روز هفته باید شروع کنید و نوع عمل آیا جمالی است یا جلالی و برای چه موردی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دستورالعمل: مداخل اسماء الله تعالی که هر اسمی را چند نوبت باید خواند تا مطلب بحصول انجامد طریق در عدد خواندن اینست که ملاحظه عدد حروف آن فایده که بحساب ابجد کبیر چند است همان عدد صغیر می‌خواند و اگر یکی را ده بگیرند عدد وسیط گویند و هرگاه یکی را صد گیرند عدد کبیر نامند چنانچه یکی را هزار گویند عدد نصاب دانند. مثال: اسم وهاب که یکی از اسماء تعالی می‌باشد در ابجد چهارده می‌شود پس ۱۴ عدد صغیر این اسم می‌شود اگر ده برابر نمائیم یکصد و چهل می‌شود پس ۱۴۰ عدد وسیط می‌شود.

اگر صد برابر نمائیم هزار و چهارصد می‌شود پس ۱۴۰۰ عدد کبیر می‌شود. اگر چهارده را ضرب در هزار کنیم چهارده هزار می‌شود پس ۱۴۰۰۰ عدد نصاب خواهد بود.

تعداد روزهایی که باید خوانده شود: طریقه معرفت عدد ایام آنست که ملاحظه نمائید که حروف ملفوظی آن اسم چند است هر حرفی را در ازای روزی گرفته مداومت نمائیم. مثال: وهاب - واو - ها - الف - با = ده حرف می‌شود در تلفظ تعداد ده روز باید این ذکر را خواند تا به عدد نصاب رسد.

کدام روز هفته باید آغاز نمود: طریقه معرفت آنکه در چه روزی شروع باید کرد، ملاحظه کند عدد ابجد کبیر چند است و آن را تقسیم بر هفت نماید هرچند باقی مانده داشت از روز یکشنبه بشمارد و روز آغاز ذکر را مشخص نماید.

مثال: وهاب در ابجد چهارده می‌باشد تقسیم بر هفت نمودیم و باقیمانده عدد هفت گردید از یکشنبه آغاز به شماره نمائید روز هفتم به شنبه ختم می‌شود پس روز آغاز ذکر یا وهاب از شنبه می‌باشد. با رعایت شرایطی که در فصل‌های گذشته نوشتیم باید عمل کرد.

۱- اینکه اسم خود و مادر خود را در ابجد کبیر بدست آورد و به اضافه عدد اسماء نموده و در روز و ساعت شروع این عملیات را در لوح نقش نوشت و در کنارش نقش حروف را باید کشید.

۲- اینکه اسم ملائکه روحانی و اعوان را باید استخراج و در دور تا دور لوح نقش نوشته شود.

۳- عزیمتی ساخت و در داخل آن نام موکل ها و اعوان جهت قسم پس از ختم ذکر نوشته و آمده نمود.

۴- بخورات و قلم نوع عمل باید آماده گردد. (بخور عود نیز می شود استفاده نمود و قلم را نیز روان نویس هم رنگ عمل در بازار موجود است می شود تهیه نمود.

۵- جهت ذکر باید مشخص گردد.

۶- در فصل اول گفتیم باید هر کس طبیعت و طبائع حروف خود از جدول ستاره و بروج و عنصر خود را پیدا کند و جهت خود را بداند که در این عمل باید تمام این موارد را رعایت نماید و پس از ختم که هر روز باید لوحی نوشته شود فقط بروی کاغذ و در روز آخر بروی عنصر حروفی خود تمام نوشته های قبل از روز اول را باید به عنصر خود رساند. امید است با رعایت نکات فوق هرچه سریعتر به نتیجه مطلوب رسید.

قاعده دوم: چنانچه تعداد ذکر برای ذاکر بنظر زیاد آید می تواند تعداد روز را ضریب چهار نماید و تقسیم بر عدد نصاب نموده آن را تعداد روز بداند.

مثال: رحمن ده روز باید ۲۹۸۰۰۰ عدد خوانده شود می تواند
روز $۱۰ \times ۴ = ۴۰$
مرتبه در روز بخواند $۲۹۸۰۰۰ \div ۴۰ = ۷۴۵۰$

قاعده سوم: تشخیص روز و شب به ستاره ذاکر ارتباط دارد اگر روز بود بعد از نماز صبح و اگر شب بود بعد از نماز مغرب باید خوانده شود.

طریقه استفاده از اسماء الله تعالی در مورد نیاز و حاجات و گذران ختم هر عمل بشرح زیر می باشد.

ر	نام اسماء الحسنی	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب
۱	رحمن	بخشاینده	۲۹۸	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۹۸۰۰	۲۸۹۰۰۰

الرحمن: بخشاینده جمیع مخلوقات، اهل تحقیق گفته اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که صاحب کرم باشند و از ایشان نفع به کسان رسد. مداومت به این اسم دل را پاک گرداند از ظلمت و غفلت و دیگر اینکه حکمت هر چیز بداند و خواص اشیاء بروی ظاهر گردد.

۷۸۶

ر	ح	ن	م
ح	ن	ر	ح
ن	م	ح	ر
ح	ر	م	ن

نوشتن نقش عمل به این دلیل بود که باید با عدد اسم خود و مادر خود جمع و سپس در مربع لوح نقش نوشت.

قاعده اول: جهت انجام ختم هر یک از اسماء باید سه روز قبل از عمل روزه گرفت و در روز تعیین شده شروع به عمل کرد. چند نکته باید بعنوان قانون این روش در نظر گرفت:

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب
۲	رحیم	مهربان	۲۵۸	جمالی	۹ روز	جمعه روز آخر	۲۸۶۶۶ ۲۸۶۷۲	۲۵۸۰۰۰

الرحیم: یعنی مهربان بر بندگان

دعوت این اسم مناسب کسانیست که مضطرب الاحوال باشند و در مهم و کار خود فرومانده باشند.

هرکس دعوت نصاب را تمام نماید، بزرگان این فن فرمودند، جمیع مخلوقات از پرنده و غیره بر او انس گیرند و حکام و سلاطین مطیع فرمان بردار می گردند، و مقاصد اهل عالم از او کفایت شود.

تسخیر قلوب و ارواح در این اسم می باشد.

۲۸۶

ر	ح	ی	م
ی	م	ر	ح
م	ی	ح	ر
ح	ر	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب
۳	الملک	پادشاه مطلق	۹۰	مشترک	۹ روز	جمعه	۱۰/۰۰۰	۹۰/۰۰۰

ملک: یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع مخلوقات
 بزرگان فرمودند: هر کس دعوت این اسم نماید هرگز محتاج نگردد و از خلق بی نیاز
 گردد و دولت دنیا و آخرت بیابد.
 و هر کس دعوت این اسم نماید بمرتبه سلطنت و پادشاهی رسد خواه در عالم صورت و
 خواه در عالم معنی.
 ملک کسی است که تصرف در امر و نهی عموم طبقات داشته باشد.
 دریاب کنون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می رود دست به دست

۷۸۶

یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴	قدوس	پادشاه پاک	۱۷۰	جمالی	۱۲ روز	دوشنبه	روز اول ۱۴۱۶۶ روز آخر ۱۴۱۷۴	۱۷۰/۰۰۰

قاعده چهارم: اگر عدد نصاب تقسیم بر تعداد روز کسر آورد، باید باقیمانده در روز آخر خوانده شود.

قدوس: یعنی پاک از همه عیب‌ها و نقصان‌ها

پاکیزگی ذات باری تعالی و هیچگونه عیب و نقصی در وجود او راه ندارد منزّه است از هر وصفی، که انسان‌ها از اوصاف کمال درباره پروردگار گفته‌اند.

دعوت این اسماء انسان را از شر نفس و وسوسه شیطان امان یابد بزرگان فرمودند که باطن را پاک و مُصَفّی گردانند، از کدورت قلب و نفاق، و دعوت کننده از بیماری ظاهر و باطنی صحت یابد.

۷۸۶

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵	السلام	همیشه قائم و بی عیب	۱۳۱	جمالی	۱۲ روز	پنجشنبه	روز اول ۱۰۹۱۶ روز آخر ۱۰۹۲۴	۱۳۱/۰۰۰

سلام: یعنی پاک و بی عیب از نکوهش و نقایص
 خداوند تبارک و تعالی از هر عیب و نقص سالم است و در صفات و افعال او هیچگونه
 شر و نقصی راه ندارد.
 دعوت این اسماء الحسنی، بزرگان فرمودند که خداوند عالم، دل او را از بیماری در امان
 دارد و در دار السلام در آورد.
 و از هرگونه بیماری لاعلاج در امان ماند و همیشه در صحت و سلامت باشد.
 السلام مصدر برای مبالغه در سلامتی است زیرا هر چیزی توسط پروردگار سلامتی یافته
 و در اوصاف اهل بهشت فرماید.

۷۸۶

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶	المؤمن	ایمن کننده	۱۳۶	جمالی	۱۲ روز	سه شنبه	روز اول ۱۱۳۳۳ روز آخر ۱۱۳۳۷	۱۳۶/۰۰۰

مؤمن: یعنی راست کننده وعده های خویش

مصدق و تصدیق کننده و اگر بعضی از بندگان خدا را مؤمن می گویند زیرا که توحید، نبوت و امامت و معاد را تصدیق کرده اند و خداوند تبارک و تعالی مؤمن است چون که مصدق و تصدیق کننده تمامی وعده ها درباره بندگان خویش است.

اهل تحقیق و بزرگان فرمودند، دعوت این اسماء از مکر و وسوسه ظاهر و باطنی محفوظ دارد و خصم بر او قادر نباشد و از مکر مکاران و غم غمازان و طعن بدخواهان، بر خصم غالب آید و در نظر مردم با هیبت نماید و ظاهر و باطن او را حق تعالی محفوظ دارد.

۷۸۶

م	و	م	ن
م	ن	م	و
ن	م	و	م
و	م	ن	م

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۷	المهمین	گواه راست	۱۴۵	جمالی	۱۳ روز	پنجشنبه	روز اول ۱۱۱۵۳ روز آخر ۱۱۱۶۴	۱۴۵/۰۰۰

مهمین: یعنی خدا آگاه است بر جمیع نهانی‌ها و آشکاراها، شاهد بر خلق و افعال کردار آنها - شاهد بر رزق و زندگی آنها خداوند برکنه موجودات و کنه و ضمیر انسان شاهد است و استیلا دارد، اهل تحقیق گویند: دعوت این اسماء بر باطن‌ها مشرف گردد و اسرار ظن بداند و بر قلوب خلائق مطلع گردد و باطن او را صفائی پیدا گردد که خود متحیر گردد و صاحب باطن شود و دیگر او را فیوض متواتر گردد که مطلقاً نظر به ظاهر نکند، بعد از اینکه این واقع شود به مقصود برسد.

اهل تحقیق گویند که مستغنی از خلق گردد و لحظه به لحظه

حالت او زیاده شود از برکت و بزرگواری این اسم

۷۸۶

م	ه	ی	م	ن
م	ن	م	ه	ی
ه	ی	م	ن	م
ن	م	ه	ی	م
ی	م	ن	م	ه

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸	العزیز	عزت دهنده	۹۴	جمالی	۹ روز	سه شنبه	روز اول ۱۰۴۴۴ روز آخر ۱۰۴۴۸	۹۴/۰۰۰

عزیز: یعنی ارجمند و بزرگوار و منزّه از سود و زیان و کفر و ایمان، عزیز یعنی عزت داشتن، عزت عبارت از آن حالتی است که انسان را مانع می شود، که تن به ظلم بدهد و مغلوب قرار گیرد. خدای بزرگی که همه عزت و قدرت را در اختیار دارد و همه موجودات برای کسب عزت پایدار، محتاج اویند.

اهل تحقیق و بزرگان فرمودند دعوت این اسم میان مردم عزیز و مکرم گردد. دعوت مناسب کسانیست که در میان خلق عزت و حرمت خواهند و دولت و حکومت و بزرگی خواهند، در نظر خلق عزیز گردد و با عزت و حرمت بود و مقبول القول گردد و تمام دشمنان او دوست گردند، دعوتی بسیار والا می باشد.

۲۸۶

ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹	الجبار	زور کننده	۲۰۶	جلالی	۱۰ روز	سه شنبه	۲۰۶۰۰	۲۰۶۰۰۰

جبار: یعنی دارنده خلقان بدان، برای جبار سه معنی نقل شده: ۱- قاهر، ۲- عالی، ۳- جبران کننده.

قاهر یعنی ذات اقدس حق صاحب بزرگی و جبروت - عالی یعنی فوق مخلوقات - جبران کننده است و فقر و حاجات بندگان خویش را با اسباب و وسایل که خود در اختیار دارد. بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب حال اکابر و اشرافست تا مملکت برایشان قرار گیرد. و هر که از هر کس ترسد، دعوت این اسم نماید هیچ دشمن روی بوی نتواند کند در چشم خلایق با هیبت باشد از شر شیطان ایمن بود، از شر جن و جباران ایمن باشد از مودت ایشان ضرری به وی نرسد.

۲۸۶

ج	ب	ا	ر
ا	ر	ج	ب
ر	ا	ب	ج
ب	ج	ر	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۰	المتکبر	صاحب غرور	۶۶۲	جلالی	۱۲ روز	چهارشنبه	روز اول ۵۵/۱۶۶ روز آخر ۵۵/۱۷۴	۶۶۲/۰۰۰

متکبر: یعنی ظاهر کننده بزرگواری خود به برهان قاطع بر اهل آسمانها و زمین - خداوند متکبر است یعنی همه خلق را در برابر خویش حقیر و کوچک داند و عظمت و کبريایی را جز در ذات خویش نبیند و نظر حضرت باری بر غیر خودش نظر مالک بر عبد است و این نوع تکبر خاص برازنده ذات لایزال الهی است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب احوال ملوک و سلاطین و کسانست که طالب حشمت و دوام جاه و دولت و مظفر شدن بر اعدا باشند.
و دعوت کننده پس از ختم، عزیز و مکرم گردد و بطریقی که وصف نتوان کرد.

۷۸۶

م	ت	ک	ب	ر
ب	ر	م	ت	ک
ت	ک	ب	ر	م
ر	م	ت	ک	ب
ک	ر	ب	م	ت

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۱	الخالق	هست کننده	۷۳۱	جلالی	۱۱ روز	سه شنبه	روز اول ۶۶۴۵۴ روز آخر ۶۶۴۶۰	۷۳۱/۰۰۰

خالق: یعنی آفریدگار هر چیزی، و هر مقداری و اندازه‌ای که شاید، اصل خلق به معنای تقدیر و اندازه‌گیری است، ولی در مورد ابداع و ایجاد اشیاء نیز استعمال شده است. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: هرکه صنعتی یا کار نازکی با خط می‌نویسد و از خلل آن متوهم است یا کاری که تعلق به سلاطین و بزرگان دارد و از فساد آن می‌ترسد به دعوت این اسم عمل نماید حق تعالی ظاهر و باطن او را بنور عنایت خود منور گرداند و او را از جمله مقبولان درگاه خویش گرداند و مخلوقات او را دوست دارند. باطن صافی و دل خرم و بسیار از مشکلات بدست او آسان گردد به هرکاری که روی آورد از دست او برآید.

۷۸۶

خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا
ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۲	الباری	آفریدگار مطلق	۲۱۳	مشترک	۹ روز	سه شنبه	روز اول ۲۳۶۶۶ ۲۳۶۷۲ روز آخر	۲۱۳۰۰۰

باری: یعنی آفریننده هر چیزی بصفتی و خاصیتی

باری به معنای همان کسی است که اشیائی که پدید آورده از یکدیگر ممتازند.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند دعوت این اسم مناسب کسانیست که محتاج باشند به

مربی و مرشدی که راه نماید ایشان را و او طالب حقیقت باشند.

لطف خدای تعالی در دنیا و آخرت هم قرین او باشد و رفیق روزگار او گردد و در قبر

مونس، و در حشر مدد او باشد.

۷۸۶

پ	ا	ر	ی
ر	ی	ب	ا
ی	ر	ا	ب
ا	ب	ر	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۳	آلمصوّر	نگارنده صورتهای	۳۳۶	جمالی	۱۱ روز	شنبه	۳۰۵۴۵	۳۳۶۰۰۰

مصور: تصویر کننده هر چیزی بصورت مخصوص و شکلی که بدان ممتاز گردند.
تصویر کننده صورت جنین در رحم مادر به هر شکلی که بخواهد و صورت تمامی مخلوقات را نیز این چنین مصور و صورت بخش است.
اهل تحقیق و بزرگان فرمودند هر که طالب فصاحت و بلاغت و شعر گفتن و دانستن و طلاقت لسان می خواهد باشد باید دعوت این اسم را نماید.

۷۸۶

م	ص	و	ر
و	ر	م	ص
ر	و	ص	م
ص	م	ر	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۴	التغفار	آمرزگار	۱۲۸۱	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۱۲۸۱۰۰	۱/۲۸۱/۰۰

تغفار: یعنی پوشاننده زشتی‌ها و معایب بندگان از انواع گناه و تقصیرات.
 اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که گناه زیاد نمودند. از
 جمله مغفوران گردند، حق تعالی پرده آبروی او را ندرد، و اولیا را در وی نظر خفیه واقع شود
 و او را دوست بدارند و در حق وی دعای خیر کنند و از عذاب قبر ایمن بود.

۷۸۶

ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا
غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۱۵	القهار	غضب کننده	۳۰۶	جلالی	۱۰ روز	پنجشنبه	۳۰/۶۰۰	۳۰۶/۰۰۰

قهار: یعنی شکننده گردن هر گردن کشی بانواع رنج و خواری
 اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم، محبت دنیا از دل بزدايد و غم و رنج و
 زحمت دنیا، از دل وی بردارد و بر نفس خود غالب آید.
 دشمن و خصمان وی مقهور شوند و صفای باطن او را حاصل آید در معنی بر دل او
 گشاده گردد.

۲۸۶

ق	ه	ا	ر
ا	ر	ق	ه
ر	ا	ه	ق
ه	ق	ر	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پداپد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۱۶	الوهاب	بخشاینده	۱۴	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۱۴۰۰	۱۴/۰۰۰

وهاب: یعنی بخشاینده بانواع عطاها و نعمت ظاهری و باطنی بندگان بی غرض.

کثیرالخییر و قدیم احسان و بسیار بخشنده.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: این اسم بغایت پرخاصیت و سریع الاجابة، هر کس دعوت این اسم نماید، روزی بر وی فراخ گردد و از جایی که گمان نداشته باشد روزی او برسد و درویشی از وی بردارند، اگر در رزق بر او بسته باشد یا از عمل خود عزل شده باشد و یا دنیا خواهد یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن یا تمنای دوست هر مراد داشته باشد به دعوت این اسم برخیزد که اجابت خواهد شد.

۷۸۶

و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه
ب	ا	ه	و
ه	و	ب	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۷	الرزاق	روزی دهنده	۳۰۸	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۳۰/۸۰۰	۳۰۸/۰۰۰

رزاق: یعنی روزی دهنده هر روزی خواری بدان قدر که غایت او باشد.

روزی دهنده تمام موجودات از انسان و حیوان می باشد.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسبت کسانیست که تنگ روزی و درویش حال باشند، توانگر گردد و او را چندان دنیا کرامت فرماید که وصف نتوان کرد و حضرت حق نعمت بی حساب باو ارزانی فرماید.

۷۸۶

ر	ز	ا	ق
ا	ق	ر	ز
ق	ا	ز	ر
ز	ر	ق	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۸	الفتاح	گشاینده	۴۸۹	جمالی	۹ روز	جمعه	۵۴۳۳۳ ۵۴۳۳۶	۴۸۹۰۰۰

فتاح: یعنی گشاینده هر کار بسته - کارگشا - نصرت دهنده.

خداوند در رحمت خود را به سوی بندگان می‌گشاید و طبق صفات کمال خویش هر مشکلی را آسان می‌نماید، و درهای بسته و راه‌های مسدود را به روی بندگان خویش باز می‌کند. بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای هر که در کاری مشکل دارد مفتح‌الابواب باشد، زنگ غفلت از دل او بردارد و روی بهر کاری که آورد از پیش بردارد و فتحی واقع شود که هرگز قبض و بسط نبیند و در باطن او را از عالم فتوحات رسد، چندان صفای باطن یابد که روی از دنیا بردارد.

۷۸۶

ح	ا	ت	ف
ت	ف	ح	ا
ف	ت	ا	ح
ا	ح	ف	ت

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۹	العلیم	دانا به همه چیز	۱۵۰	جمالی	۱۱ روز	سه شنبه	روز اول ۱۳۶۳۶ روز آخر ۱۳۶۴۰	۱۵۰/۰۰۰

علیم: یعنی خدای دانا در ازل بر همه بودنی ها از نیک و بد تا ابد - به معنای علم سرشار و فراوان است - احاطه علمی او به تمام موجودات قبل از وجود آنها و بعد از وجود آنها و در هنگام وجود آنها می باشد.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب صاحب علم لدنی و عالم بر علوم عالم گردد.

صفای باطن و ظاهر او حاصل شود و خداوند معرفت کرامت فرماید و دانا شود بر اسرارها.

۷۸۶

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۲۰	القایض	قبض کننده روزی	۹۰۳	جلالی	۱۱ روز	شنبه	۸۲۰۹۰ ۸۲۰۹۱	۹۰۳/۰۰۰

قابض: یعنی خدای نیک کننده آنچه خواهد بعدل و حکمت خویش، قبض و بسط به معنای گرفتن و جمع کردن، تنگ کردن و پهن کردن است.

خداوند متعال فضل و احسان و نعمات خویش را از بندگان می گیرد و روزی را بر آنها تنگ می کند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که دشمنی قوی دارند و از او می ترسند.

مناسب کسانی است که اول سلوک باشند، این اسمی است که ملک الموت بقوت این اسم جان بندگان قبض می کند.

دعوت این اسم جهت دفع دشمن و اعداء می باشد.

۷۸۶

ق	ا	ب	ض
ب	ض	ق	ا
ض	ب	ا	ق
ا	ق	ض	ب

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۱	الباسط	فراخ کننده روزی	۷۲	جمالی	۱۰ روز	دوشنبه	۷۲۰۰	۷۲/۰۰۰

باسط: یعنی فراخ کننده آنچه خواهد بحکمت خویش.

طبق مصلحت و حکمت خویش، فضل و رحمتش را بر هر که بخواهد وسعت می دهد. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که تنگدست باشند و به بلای قحطی مبتلا باشند کسی که دعوت این اسم نماید همیشه خرم و خوشدل باشد هر غم زده را که نظر به روی افتد اندوهش به فرح مبدل گردد. هرگز محتاج نگردد و از غم نجات یابد. روزی بروی فراخ گردد. هرگز مغموم و مقبوض نشود.

توانگر گردد و هم بظاهر و هم بباطن، در سراو انبساط باشد که بحسب دنیا و آخرت و با اندک دنیائی که او را باشد چندان اکرام و سخاوت کند که اهل دنیا نتوانند کردن و نشاط و خرمی در باطن خود داند و هر مغموم که با صاحب دعوت ملاقات کند مفروح و شادمان شود.

۲۸۶

ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۲	الرافع	بردارنده	۳۵۱	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۳۵۱۰۰	۳۵۱/۰۰۰

رافع: یعنی دارنده آنچه خواهد از مرتبه اسفل باعلا درجه در رفعت پادشاهانرا مملکت از برکت و بزرگی این اسم رسیده است.

بزرگان و اهل تحقیق می‌گویند: هر کس که به خواهد دعوت این اسم نماید باید، آنقدر که تواند از آزار خلق خدای تعالی دست بردارد. تا حضرت رافع رایت دولت او را برافرازد، دعوت‌کننده این اسم سبب شود که از خلق برگزیده شود. و عزیز و مکرم گردد و بدهد او را توانگری و آنچه خواهد دعوت این اسم کنند. بدانند، مناسب اهل جاه است در دنیا و صاحب دولت شود.

۲۸۶

ر	ا	ف	ع
ف	ع	ر	ا
ع	ف	ا	ر
ا	ر	ع	ف

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۳	الخافض	فروبرنده	۱۴۸۱	جلالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۱۴۸/۱۰۰	۱/۴۸۱/۰۰۰

خافض: یعنی فرود آورنده آنچه خواهد بعلم قدیم و قدرت بالغه، هر چه در اراده او بوده، این نامیست که حضرت موسی (ع) و ابراهیم (ع) از برکت این اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند هر کسی از دشمن قوی و دائم متوهم باشد به دعوت این اسم اقدام نماید. از شر شیطان ایمن گردد. دعوت کننده این اسم در نظر دشمنان مهیب باشد و هیچ دشمنی در مقابل آن نتواند ایستاد، دعوت این اسم در هیچ محل شرمسار و خجل نشود و دائم مظفر و منصور بود، از عمل عزل نگردد. بیشتر این دعوت مال افرادی هستند که پست نظامی دارند.

۷۸۶

خ	ا	ف	ض
ف	ض	خ	ا
ض	ف	ا	خ
ا	خ	ض	ف

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۴	المُعز	عزیزکننده	۱۱۷	جمالی	۸ روز	پنجشنبه	۱۴۶۲۵	۱۱۷/۰۰۰

معز: یعنی عزت دهنده آنرا که خواهد بعد از خواری، این نامیست که انبیاء و اولیاء از برکت این اسم بر ظالمان ظفر یافته‌اند.

اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خوف و ترس دارند پس از دعوت خوف و ترس از دل او برود. و او را شکوهی و هیبتی در میان خلائق پدید آورد.

صاحب عزت و حرمت و بزرگی باشد در دین و دنیا.

تسخیر قمر در این اسم می‌باشد که در جای خود مربوط به تسخیرات توضیح خواهیم داد.

۷۸۶

یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م
ز	ع	م	یا
م	یا	ز	ع

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۵	السمیع	شنونده همه حال	۱۸۰	جمالی	۱۱ روز	پنجشنبه	۱۶۳۶۳ ۱۶۳۷۰	۱۸۰/۰۰۰

سمیع: یعنی شنونده هر رازی از پست و بلندی، یعنی به ذات خود درک می نماید، او می شنود تمام صداها را و انواع و اقسام سخنها را، خواه آهسته و نجوا و یا بلند و آشکار یا به صمت و سکوت و از دل بگذرد بر همه چیز مطلع و شنوا است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم کننده، به هیچ بلا و زحمت مبتلا نشود هرگز به هیچ چیز محتاج نگردد و مرادات او را حضرت سمیع بقدرت و کامله کفایت سازد. نزد خلایق مکرم شود بهرکاری که متوجه شود بمقصود رسد و در کار و عمل خود فتح ببیند.

۷۸۶

س	م	ی	ع
ی	ع	س	م
ع	ی	م	س
م	س	ع	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۶	البصیر	بیننده پنهان و آشکار	۳۰۲	جمالی	۹ روز	یکشنبه	۳۳۵۵۵ ۳۳۵۶۰	۳۰۲/۰۰۰

بصیر: یعنی بیننده چیزهای پنهانی و آشکار - اشاره به بینایی پروردگار در تمام امور ظاهری و مخفی است.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در کارها فرومانده باشند و امرهای کلی برایشان مشکل گشته و در مهمات خود سرگردان شده باشند. جمیع مرادات دین و دنیا و صفای ظاهری و باطنی و مهمی و مقصدی که دارد جمله بمدعای او گردد و کارهای پریشان او جمع گردد و او را جلای قلبی حاصل شود که هر کس که از پیش وی گذرد، ضمیر و مزاج و خوی، بلکه نام او را بداند.

۷۸۶

ب	ص	ی	ر
ی	ر	ب	ص
ر	ی	ص	ب
ص	ب	ر	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۷	المذل	خوارکننده ذلیل کننده	۷۷۰	جلالی	۹ روز	شنبه	۸۵۵۵۵ ۸۵۵۶۰	۷۷۰/۰۰۰

مذل: یعنی خوار و ذلیل گرداند آنرا که خواهد.

بزرگان فرموده اند، با این نام از ظالمان امان یابند.

اهل تحقیق گویند: اگر خصمی قوی باشد جابر و قهار و ظالم و خایف باشد. با دعوت این اسم خدای تعالی او را ایمن می گرداند و خصم او را خوار و ذلیل و از هر مرتبه که باشد معزول گرداند.

تسخیر عطار در این اسماء الحسنی می باشد.

۲۸۶

یا	م	ذ	ل
ذ	ل	یا	م
ل	ذ	م	یا
م	یا	ل	ذ

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۸	الحکم	صاحب حکمت	۷۸	جلالی	۹ روز	یکشنبه	۸۶۶۶ ۸۶۷۳	۷۸/۰۰۰

حکم: یعنی داد دهنده و جدا کننده بحکم خویش میان حق از باطل.
مقربان به برکت این اسم فنون یافته‌اند باحوال آدمیان، بزرگان فرموده‌اند: دعوت این اسم را هر کسی نماید، حضرت باری تعالی باطن او را محرم اسرار خود گرداند و دری از عالم غیب بر دل او گشاده گردد و صفای باطن و ظاهر زیاده از آن او شود که بود.

۷۸۶

یا	ح	ک	م
ک	م	یا	ح
م	ک	ح	یا
ح	یا	م	ک

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۹	العدل	دادگر خلاق	۱۰۴	مشترک	۹ روز	یکشنبه	روز اول ۱۱۵۵۵ روز آخر ۱۱۵۶۰	۱۰۴/۰۰۰

عدل: یعنی خداوند راست کردار و راست گفتار و دارنده هر چیزی بر حد و مقدار آن چیز است. - بمعنی مساوات - خداوند هر چیزی را در جای خود قرار داده و درباره هیچ موجودی از آنچه را که لایق و سزاوار بوده چیزی را فروگذار نکرده است. دعوت این اسم کسانی راست که بظلم ظالمان و جور جابران گرفتار شده باشند و بر همه ظالمان مظفر و متصور آید و اسرار غریبه از باطن خود مشاهده کند.

۲۸۶

یا	ع	د	ل
د	ل	یا	ع
ل	د	ع	یا
ع	یا	ل	د

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ایجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳۰	الطیف	پاکیزه و مهربان	۱۲۹	جمالی	۹ روز	سه شنبه	۱۴۳۳۳ ۱۴۳۳۶	۱۲۹/۰۰۰

لطیف: یعنی خداوند رساننده نیکوئیها و نعمت‌های پوشیده و پنهان بر بندگان باسانی - لطیف است زیرا حواس را قدرت درک او نیست.

هیچ چشمی او را نمی‌بیند و درک نمی‌کند - به دقایق امور عالم و آگاه در کار خود حاذق و ماهر است - بر بندگان از راه‌های مخفی که ملتفت نمی‌شوند و نیز به معنی هدایت‌های مخفی آمده است.

دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب کشف احوال و ظاهر شدن حقایق و سر حکمت و قدرت و انواع علوم و خواص اشیاء هستند - صفای باطن و تسخیر قلوب و وسعت رزق و فتح کارها و مقهور شدن اعداء و سایر مطالب خواص بسیار دارد.

۷۸۶

ل	ط	ی	ف
ی	ف	ل	ط
ف	ی	ط	ل
ط	ل	ف	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۱	الخیر	خیر دار از همه چیز و همه حال	۶۸	جمالی	۸ روز	۵ شنبه	۸۵۰۰	۶۸/۰۰۰

خبیر: یعنی خدای آگاه بر نهانی‌ها - عالم به اعمال بندگان، عالم به باطن امور، مخبر و خبر دهنده - خبیر کسی است که اخبار باطن اشیاء از او پنهان نیست.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می‌خواهند از اسرار قلوب اطلاع داشته باشند. حضرت حق او را به اسرار قلوب با خبر گرداند و از شر شیطان و جور سلطان و بلاهای ناگهانی ایمن ماند و از حيله حسودان و مکر خصمان محفوظ ماند.

۲۸۶

خ	ب	ی	ر
ی	ر	خ	ب
ر	ی	ب	خ
ب	خ	ر	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ایجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۲	الحلیم	بردار و تأخیر کننده در عقوبت	۸۸	مشترک	۱۰ روز	چهارشنبه	۸۸۰۰	۸۸/۰۰۰

حلیم: یعنی حفظ و کنترل نفس و طبع از طغیان غضب و در بیان دیگر چیزی است که هر چیزی را بدون عجله و شتابزدگی در جای خود انجام دهد و در انتقام از ظالم و گنهکار در عین قدرت آرامش خود را از دست ندهد.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند:

دعوت این اسم مناسب کسانی باشد که خوف از ظالم داشته باشند یا به جور جباری گرفتار شده باشند و دعوت این اسم از کبر و حسد و بخل پاک گردد.
اگر جباران عالم بروی جور و ظلم کند در آن صبر کند و بردباری ورزد.

۷۸۶

ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل
م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۳	العظیم	طالب بر اشیاء	۱۰۲۰	مشترک	۱۰ روز	۵ شنبه	۱۰۲۰۰۰	۱/۰۲۰/۰۰۰

عظیم: یعنی خداوند بزرگ و بزرگواری او زیاده از آنست که وهم و ادراک او را دریابد -
 عظمت و جلال او به قدری است که هیچکس را قدرت احاطه به ذات و اوصاف او نیست -
 هر چیز بزرگی در برابر او کوچک است.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب مرتبه و
 تعظیم و جاه و بزرگی و عظمت باشند یا آنهایی که بدین مراتب رسیده اند خواهند که در آن
 مقیم باشند.

۷۸۶

ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ
م	ی	ظ	ع
ظ	ع	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۴	الففور	آمرزگار	۱۲۸۶	جمالی	۱۰ روز	پنجشنبه	۱۲۸۶۰۰	۱/۲۸۶/۰۰۰

شفور: یعنی آمرزنده جرم جنایت بسیار از معاصی - زشتی‌ها و اعمال بد بندگان خود را تا مادامی که خودشان قصد افشاء و تظاهر ندارند می‌پوشاند و کسی را بر اسرار آنها آگاه نمی‌گرداند.

بزرگان و اهل تحقیق می‌فرمایند:

هر کس دعوت این اسم نماید، حضرت حق عفو کند گناهان وی را، و دلتنگی یا غمزدگی در حال اندوه او بشادی مبدل گردد.

۲۸۶

ر	و	ف	غ
ف	غ	ر	و
غ	ف	و	ر
و	ر	غ	ف

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ایچد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۵	الشکور	سپاس دارنده نیکان	۵۲۶	جمالی	۱۱ روز	یکشنبه	روز اول ۴۷۸۱۸ روز آخر ۴۷۸۲۰	۵۲۶/۰۰۰

شکور: یعنی دهنده کرامت بسیار باندک طاعتی و محقر خدمتی، مبالغه در شکر است زیرا که انعام و اکرام او خیلی زیاد است به عبادت کم پاداش فراوان کرامت نماید. بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم را هر کسی نماید؛ حضرت شکور ماوای وی بفردوس اعلی گرداند، و دفع غم و کدورت نماید و هر که را معیشت تنگ شده باشد و روزگار بدشواری گذراند باید که به این اسم قیام نماید. تا معیشت بر وی گشاده گردد.

۷۸۶

ش	ک	و	ر
و	ر	ش	ک
ر	و	ک	ش
ک	ش	ر	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۶	العلی	برتر از همه برتران	۱۱۰	جمالی	۸ روز	پنجشنبه	۱۳۷۵۰	۱۱۰/۰۰۰

علی: یعنی بزرگواری که منزّه است از شرک - پروردگار عالی و بلند مرتبه است و فوق تصور مخلوقین می باشد.

بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این نام جهت بزرگ گشتن و عالی جناب گردیدن و عزیز شدن، و بر دشمن قوی مظفر گردیدن در میان خلق با هیبت تمام بودن است. دارای علم لدنی و علوم غریبه و عجایب و غرایب عالم و خواص اشیاء، هر کس او را بیند اگر روزی دشمن بوده باشد مطیع او گردد و هر که نام او شنود محب او گردد.

۷۸۶

ال	ع	ل	ی
ل	ی	ال	ع
ی	ل	ع	ال
ع	ال	ی	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۷	الکبیر	بزرگوار بر همه	۲۳۲	جمالی	۹ روز	یکشنبه	روز اول ۲۵۷۸۴ ۲۵۷۷۷ روز آخر	۲۳۲/۰۰۰

کبیر: یعنی خدا بزرگ و پاکست ذات او از صورت و خیال، و شبه بزرگتر از آن است که شبیه مخلوقات باشد و هر بزرگی در برابر عظمت و بزرگی او کوچک است.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت مناسب کسانیست که طالب جاه و بزرگی در عالم صورت و سیرت باشند.

اسرار عالم ارواح و ملکوت و عجایب عالم کبیر با او بگویند.

خلایق طالب دید او و صحبت او گردند او را بزرگی باشد در عالم صورت و معنی.

۷۸۶

ر	ی	ب	ک
ک	ب	ی	ر
ک	ب	ی	ر
ی	ر	ک	ب

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۸	الحفیظ	نگاهدارنده	۹۹۸	جمالی	۸ روز	چهارشنبه	۱۲۴۲۵۰	۹۹۸/۰۰۰

حفیظ: یعنی نگاه‌دارنده هر چیزی از آنچه آفت او بود - حفیظ صیغه مبالغه حافظ است -
نگهدارنده - حفاظت کننده.

بزرگان و اهل تحقیق گویند:

دعوت این اسم مناسب بجای آورد از جمله آفات و بلیات و شر دشمنان و حاسدان و
مکاران و قهر سلطان و کید زنان و سحر ساحران و بیماریهای کران و شر شیطان و آفات آخر
زمان، محفوظ ماند و پیوسته در کف عنایت و حرز حمایت حق تعالی باشد و باطن او را
جمعیت خاطر بود.

۲۸۶

ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳۹	المقیت	توانا و قوت دهنده	۵۵۰	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۵۵/۰۰۰	۵۵۰/۰۰۰

مقیت: یعنی خدای توانا بر نگاه داشتن هر چیزی و هرکاری بقدر و مقدار آن - خالق قوت‌ها و روزی‌ها و خوراکی‌ها و اوست که این مواد غذایی را به بدن‌ها می‌رساند و معارف را بر قلب‌ها وارد می‌سازد.

اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند: مناسب کسانیست که دنبال آنند که می‌خواهند نفس را مطیع نمایند، دعوت‌کننده بر نفس اماره غلبه کند و حضرت حق نفس او را مطیع او گرداند و قوتی کرامت کند که تواند با اژدهای هفت سر به هزار وجه مجادله کرده او را مسخر گرداند. هر که خواهد نفس خود را با تشنگی و گرسنگی معذب گرداند و بر آن قادر نباشد و به سلوک طاقت ندارد و صبور نمی‌باشد این اسم را دعوت نماید.

۷۸۶

م	ق	ی	ت
ی	ت	م	ق
ت	ی	ق	م
ق	م	ت	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۰	الحسیب	حساب کننده	۸۰	مشترک	۹ روز	سه شنبه	۸۸۸۸ ۸۸۹۶	۸۰/۰۰۰

حسیب: یعنی خدای پسندیده است خلائق را در قضا کردن حاجات و دفع بلیات - کفایت کننده - عالم و کسی که چیزی بر او مخفی و پوشیده نیست.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت دفع دشمن قوی و از شر دشمنان و بیم دزدان و از چشم زخم و بلای سفر، ترس از سلاطین، دعوت این اسم، مال و فرزندان او از جمله نکبات و آفات لیل و نهار ایمن باشند.

۷۸۶

ح	س	ی	ب
ی	ب	ح	س
ب	ی	س	ح
س	ح	ب	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۱	الجلیل	بزرگوار بزرگان	۷۳	جلالی	۱۱ روز	سه شنبه	۶۶۳۶ ۶۶۴۰	۷۳/۰۰۰

جلیل: یعنی خداوند بزرگوار بذات و جمیع صفات - عظیم - سید - مولا خلاصه کسی که جامع صفات کمال مثل غنا، و سلطنت و قدرت و عزت است و دور از هرگونه نقص و خطا است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای بزرگی و حشمت و طلب جاه میان خلاق و تقرب نزد سلاطین و هیبتی باشد از او در دل خلاق و اعداء و همچنین کسانی که سرور و بزرگ گشته باشند در میان خلاق و خواهند که همچنان بمانند.

۲۸۶

ل	ی	ل	چ
ل	چ	ل	ی
چ	ل	ی	ل
ی	ل	چ	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۲	الکریم	گرامی	۲۷۰	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۷۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰

کریم: یعنی خدا پاک است و صفت نیکو دارد و درگذرنده جرم و تقصیر از بندگان گناه کار پریشان روزگار - کثیر الخیر و دائم النفع جواد و بسیار بخشش کننده و نعمت دهنده - عزیز و ارجمند و عالی مقدار.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت مقاصد دنیا و آخرت او کفایت فرماید. درویشی و نداری از میان بردارد، مفتاح رزق بوده و روزی او به جایی برسد که گمان ندارد.

۷۸۶

ک	ر	ی	م
ی	م	ک	ر
م	ی	ر	ک
ر	ک	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۴۳	الرقیب	نگهبان مطلق	۳۱۲	جمالی	۹ روز	چهارشنبه	۳۴۶۶۶ ۳۴۶۷۲	۳۱۲/۰۰۰

رقیب: یعنی نگاه دارنده همه کس و همه چیز در همه حال - صاحب اختیار و حافظی که چیزی از او مخفی و غایب نیست - مراقب همه چیز
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم را چنان شود که دل او را ناظر بملک ملکوت گرداند - هر که دشمن قوی داشته باشد از اثر او ایمن شود اگر به نیت اهل و فرزندان و نفس و مال و عیال از آنچه می ترسد ایمن گردد و از آفات و بلیات سالم ماند.

۷۸۶

ر	ق	ی	ب
ی	ب	ر	ق
ب	ی	ق	ر
ق	ر	ب	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۴	المجیب	قبول کننده دعا	۵۵	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۵۵۰۰	۵۵/۰۰۰

مجیب: یعنی خدا اجابت کننده است آنرا که خواهد - قبول حاجات.
 اهل تحقیق و بزرگان می گویند: کسی که دعوت این اسم نماید هر خواسته و حاجتی که داشته باشد به قدرت مجیب خود عطا فرماید، عرض حاجات او بکلی برآورده گردد و ایمن بود از نکبت دنیا و از همه بلاها ایمن بود اگر کسی را مهمی و کاری بود و در حصول آن مضطر گشته به دعوت این اسم قیام نماید.
 دعوت کننده این اسم مستجاب الدعوة گردد.

۷۸۶

م	ج	ی	ب
ی	ب	م	ج
ب	ی	ج	م
ج	م	ب	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۵	الواسع	بسیار عطا کننده	۱۳۷	جمالی	۱۲ روز	چهارشنبه	۱۱۴۱۶ ۱۱۴۲۴	۱۳۷/۰۰۰

واسع: یعنی خدا گشاده است فضل و رحمت او و قهر و عدل او، بی نیازی که فقر و احتیاج بندگان خود را برطرف می نماید و روزی خلق را وسیع می گرداند.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند. دعوت این نام مناسب کسانیست که معیشت تنگ بوده و بر سختی گذرانند، دعوت کننده روزی او فراخ گردد و بآسانی و سهولت باو رسانند.

علو مرتبه و منزلت عالی در هر امر که خواهد و وسعت رزق و رفعت و جاه مناسب و احوال عجیب و حالات غریب یابد.

۷۸۶

و	ا	س	ع
س	ع	و	ا
ع	س	ا	و
ا	و	ع	س

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۶	الحکیم	صواب کار، درست گفتار	۷۸	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۷۸۰۰	۷۸/۰۰۰

حکیم: یعنی خدای تعالی صواب کار است و بسیار معانی پوشیده در گفتار و کردار - به معنای حکمت - عالم - علم.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که مهمی پیش آید از قبض و بسط و قرض و غربت و تنگی و معیشت و درویشی.

دعوت مناسب کسانیست که خواهند در علم حکمت شروع کنند به دعوت این اسم قیام نمایند.

۷۸۶

ح	ک	ی	م
ی	م	ح	ک
م	ی	ک	ح
ک	ح	م	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۷	الودود	دوستدارنیکان	۲۰	جمالی	۱۲ روز	جمعه	۱۶۶۶ ۱۶۷۴	۲۰/۰۰۰

ودود: یعنی خدای تعالی دوست مطیعان است و دوست دارنده هر فرمان بردار - بمعنای محبت است.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند دعوت خود این اسم حضرت ودود او را بخلق خود محبوب گردانند و هر که او را ببیند دوست دارد و خلق با وی مهربان گردند.
جهت جاه و قدرت و حرمت میان خلایق و عزیز نزد ملوک و سلاطین و گشادگی در کارها و دفع غم و حزن و خصم قوی و صفای باطن و جلای قلب و رفع وسوسه و حصول مرادات بزرگ.

۷۸۶

و	د	و	د
و	د	و	د
د	و	د	و
د	و	د	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۸	المجید	بزرگو ارتراز همه	۵۷	جمالی	۱۱روز	شنبه	۵۱۸۱ ۵۱۹۰	۵۷/۰۰۰

مجید: یعنی خدا پاک و منزّه است از گرفتن زمان و مکان و رسیدن آثار و بزرگواری به هر کس - وسعت عظمت و کرامت - کرم و عزت و شرافت و عظمت پروردگار.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب سیر و سلوک باشند. باب سیر و سلوک بر وی بگشاید - رفعت جاه و طلب عزت - حضرت مجید بنزد بندگان مکرم گرداند.

۷۸۶

د	ی	ج	م
ج	م	د	ی
م	ج	ی	د
ی	د	م	ج

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۹	باعث	فرستنده رسولان	۵۷۳	مشترک	۱۰ روز	پنجشنبه	۵۷۳۰۰	۵۷۳/۰۰۰

باعث: یعنی برانگیزاننده هر نفس و تن مرده و پیداکننده هر چیز زنده - آنکه خداوند تبارک و تعالی خلق را در روز قیامت برای مجازات اعمال و زندگانی پس از برزخ زنده و مبعوث می‌گرداند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت قبول طاعت و زنده شدن دل مرده او در روز محشر او را سفید روی برانگیزاند. در نظر هیچ کس خجل نشود و بر غفلت هوا و هوس و وسوسه نفس و خیالات فاسد و حرص جمع کردن دنیا و افراط در شهوت حضرت باعث او را یاری فرماید و صفای باطن یابد.

۲۸۶

ب	ا	ع	ث
ث	ع	ا	ب
ا	ب	ق	ع
ع	ث	ب	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۵۰	الشهید	زنده کننده مردگان	۳۱۹	مشترک	۱۰ روز	چهارشنبه	۳۱۹۰۰	۳۱۹/۰۰۰

شهید: یعنی خدای تعالی آگاه و بینا است بر همه چیزهای اندک و بسیار نهان و آشکار - شهید یعنی کسی که هیچ چیزی از او غایب و پنهان نیست و همواره در هر مکان حضور دارد لفظ شهید نافذ از شهود است یعنی حاضر و مشاهده کننده.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: مناسب کسانیست که دنبال سعادت در آخرت و روز موعود سفید رو حشر کنند، و بپاکی وی گواهی دهند.

۷۸۶

ش	ه	ی	د
ی	د	ش	ه
د	ی	ه	ش
ه	ش	د	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۱	الحق	گواه راست	۱۰۸	مشترک	۵ روز	سه شنبه	۲۱۶۰۰	۱۰۸/۰۰۰

حق: یعنی خدا هست و هستی او بدرستی و سزاوار بخدائی است، یعنی ثابت و دائم به ذات خود، خدا مطلق است زیرا در برابر او هرچه تصور شود عدم مطلق می باشد. بزرگان و اهل تحقیق گویند: کسی که دعوت این نام نماید، به تجلی نور حق رسد. حضرت حق به او دیدی دهد که به هرچه مشاهده کند حق بیند دل او را نورانی و بصفای باطن و جلای قلبی دست یابد و بجایی رسد که ضمیر الناس بر وی مکشوف گردد.

۷۸۶

ق	ح	ا	ی
ا	ی	ق	ح
ی	ا	ح	ق
ح	ق	ی	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حدنصاب
۵۲	الوکیل	کاردان و نگهبان	۶۶	جمالی	۱۱ روز	سه شنبه	۶۰۰۰	۶۶/۰۰۰

وکیل: خدا پیش بنده آنچیزی که بدو تعویض است وکیل گذاشته است، بندگان متوکل را متولی امر و قائم به حفظ آن - پناه دهنده و حافظ و نگهدار ما، این معنا خاص ذات اقدس الله است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسانیست که ناسپاسی و وسوسه بر ایشان غالب باشد و در طلب رزق مضطرب باشند و علی الدوام در تکاپوی روزی سرگشته‌اند.

خدای تعالی او را از آن وسوسه نجات بخشد.

۷۸۶

و	ک	ی	ل
ی	ل	و	ک
ل	ی	ک	و
ک	و	ل	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۳	القوی	پندای و سطرانی درست	۱۱۶	جلالی	۸ روز	چهارشنبه	۱۴۵۰۰	۱۱۶/۰۰۰

قوی: یعنی خدا تواناست بر هر چه خواهد - قوی صفتی است که حکایت از غلبه و قدرت بی انتها و عام و تمام حق تعالی می کند.

قدرت در انحصار و اختیار ذات اقدس اوست.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسی است که دشمن قوی دارد یا هر که بدست نفس اماره گرفتار بود و وسوسه شیطان دارد بدفع آن به این اسم قیام نماید. صاحب دعوت از مکاشفات عالم غیب نیز بی نصیب نگردد.

۷۸۶

یا	ق	و	ی
و	ی	یا	ق
ی	و	ق	یا
ق	یا	ی	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۴	المتین	توانا	۵۰۰	جلالی	۱۰ روز	سه شنبه	۵۰۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰

متین: یعنی خدا استوار کار - توانا، است.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: این اسم مناسب کسانی است که در توکل استوار نباشند.

جهت اداء قرض و رزق و ادامه کار - هر کسی در انجام برنامه های ختم و دعوت نااستوار یا سست باشد و تنبلی و کاهلی کند به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

م	ت	ی	ن
ی	ت	م	ت
ن	ی	ت	م
ت	م	ن	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۵	الولی	پارنیکوکاران	۴۶	جمالی	۸ روز	چهارشنبه	۵۷۵۰	۴۶/۰۰۰

ولی: یعنی خدا نیکو دارنده دوستان و بندگان پاکیزه اعتقاد، و به معنی دیگر خدا دوست دارنده دوستان - صاحب تمام بندگان است.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده‌اند: این اسم مناسب کسانی است که چشم از زنان نگاه توانند داشت.

تسخیر قلوب خوانین در این اسم می‌باشد.

۲۸۶

یا	و	ل	ی
ل	ی	یا	و
ی	ل	و	یا
و	یا	ی	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۶	الحمید	ستوده بصفه	۶۲	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۶۲۰۰	۶۲/۰۰۰

حمید: یعنی خدای ستوده به ذات خویش به سبب ذکر و ستایش و پرستش بندگان و پنداشت به هر بدگمان - سزاوار حمد و ستایش، او حمید است چون هم به خود حمد می‌کند و هم بندگان و موجودات حمدش می‌نمایند.

بزرگان و اهل تحقیق می‌فرمایند: دعوت این اسم مناسب هزاران و فحش گوینده‌ها است. این صفت از وی برود و به نیکوئی مبدل گردد. مقلب القلوب زبان او را بحمد و ثنای خود جاری سازد و نزد خلائق عزیز و مکرم گردد.

۲۸۶

ح	م	ی	د
ی	د	ح	م
د	ی	م	ح
م	ح	د	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۷	المُحْصِی	شماره کننده	۱۴۸	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۱۴۸۰۰	۱۴۸/۰۰۰

مُحْصِی: یعنی خدا داناست بر عدد هر چیزی.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای هر کس که بداند علم بر کلیات و جزئیات محیط است. حضرت عزت او را عالم بر خواص اشیاء و مخلوقات گرداند کسی که دعوت این نام نماید اگر حساب مملکتی را به او سپارند از عهده بیرون آید و بروی آسان گردد و در حساب هیچ غلط انجام ندهد.

۲۸۶

م	ح	ص	ی
ص	ی	م	ح
ی	ص	ح	م
ح	م	ی	ص

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۸	المیدی	آفریننده بار دیگر	۵۶	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۵۶۰۰	۵۶/۰۰۰

میدی: یعنی آفریننده هر چیزی بی علت و حاجت.
 اهل تحقیق و بزرگان گویند: هر کسی که می خواهد از نکبت و ذلت دور باشد به دعوت
 این اسم باید قیام نماید.

۷۸۶

م	ب	د	ی
د	ی	م	ب
ی	د	ب	م
ب	م	ی	د

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۹	المعید	وعده کننده	۱۲۴	جلالی	۱۱ روز	پنج شنبه	۱۱۲۷۲ ۱۱۲۸۰	۱۲۴/۰۰۰

معید: یعنی خدا باز برنده هر چیز فانی و ناچیز شده، مرده و زنده به اول حال خویش است.
بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این نام مناسب کسانیست که از شقاوت عاقبت
می ترسند.

۷۸۶

م	ع	ی	د
ی	د	م	ع
د	ی	ع	م
ع	م	د	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۰	المحیی	زنده کننده	۶۸	جمالی	۹ روز	پنج شنبه	۷۵۵۵ ۷۵۶۰	۶۸/۰۰۰

معنی: یعنی زنده کننده و جان دهنده هر جماد مرده این نامیست که استخوان های پوسیده از برکت این نام بهم پیوندند.

اهل تحقیق و بزرگان فرمایند: کسی که به دعوت این نام قیام نماید دل او را زنده گرداند - هر که از رنج صعب ترسد.

دعوت کننده این اسم از جمله آفات ایمن گردد.

۷۸۶

م	ح	ی	ی
ی	ی	م	ح
ی	ی	ح	م
ح	م	ی	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۱	ممیت	میراننده	۴۹۰	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۴۹۰۰۰	۴۹۰/۰۰۰

ممیت: یعنی میراننده هر زنده، این نامیست که انبیاء و اولیاء را کام نهیب این نام بشکنند.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که نفس اماره بر او غالب
 باشد و خواهد که مطیع وی گردد.

۷۸۶

م	م	ی	ت
ی	ت	م	م
ت	ی	م	م
م	م	ت	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۲	الحی	همیشه زنده	۱۸	جلالی	۴ روز	چهارشنبه	۴۵۰۰	۱۸/۰۰۰

حی: یعنی زنده پاینده از ذات خویش نه از سبب دیگر.
 حی کامل آن است که جمیع ادراک مخلوقات تحت احاطه و ادراک اویند و نیز جمیع موجودات بفعل او حرکت دارند.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب احوال بیمار می باشد جهت شفا.

۷۸۶

ا	ل	ح	ی
ح	ی	ا	ل
ی	ح	ل	ا
ل	ا	ی	ح

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۳	القیوم	پاینده همیشه	۱۵۶	جلالی	۱۱ روز	دوشنبه	۱۴۱۸۱ ۱۴۱۹۰	۱۵۶/۰۰۰

قیوم: یعنی خدا قایم و پاینده و همیشه بی زوال که ذات او قایم بخویش است نه بواسطه. بر پا دارنده و حافظ تمام موجودات.

بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب طالبان جاه و عزت و جویندگان رزق بسیار است، خلاق مطیع گردند، و از حکم و فرمان او سر نتوانند پیچانند.

۷۸۶

ق	ی	و	م
و	م	ق	ی
م	و	ی	ق
ی	ق	م	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۴	الواجد	یکتاسازنده کارها	۱۴	جمالی	۱۲ روز	شنبه	۱۱۶۶ ۱۱۷۴	۱۴/۰۰۰

واجد: یعنی خدای تواناست بر هر چه که خواهد.

بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب حال و اخلاص باشند و وجد برایشان ظاهر گردد.

۷۸۶

و	ا	ج	د
ج	د	و	ا
د	ج	ا	و
ا	و	د	ج

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۵	الماجد	بزرگی کننده	۴۸	جمالی	۱۲ روز	جمعه	۴۰۰۰	۴۸/۰۰۰

ماجد: یعنی بزرگوار عطا دادن در ثواب بسیار در وقت عطا زیاده از یافت عقول او.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که اهل خلوت و
 سلوک اند و ایشانرا قبض واقع شده است و از آثار نور باطن محرومند.

۷۸۶

م	ا	ج	د
ج	د	م	ا
د	ج	ا	م
ا	م	د	ج

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۶	الواحد	تنها و یکتا	۱۹	مشترک	۱۱ روز	پنجشنبه	۱۷۲۷ ۱۷۳۰	۱۹/۰۰۰

واحد: یعنی خدای تعالی یگانه است در صفات الوهیت و پادشاهی خویش.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای اشخاصی است که در تنهایی می ترسند
 یا از وحشت شخصی خایف بوده یا در خلوت متوهم باشند.

۷۸۶

و	ا	ح	د
ح	د	و	ا
د	ح	ا	و
ا	و	د	ح

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۷	الاحد	تنها بخدائی	۱۳	جمالی	۸ روز	جمعه	۱۶۲۵	۱۳/۰۰۰

احد: یعنی یگانه در یگانگی و بی همتائی در ذات خویش.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای اشخاصی است که طالب اسرار الهی و
 اسرار توحید آشکار باشند - و جلای قلب آنها زیاد می شود.

۲۸۶

یا	ا	ح	د
ح	د	یا	ا
د	ح	ا	یا
ا	یا	د	ح

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۸	الصمد	پاک و بی نیاز	۱۳۴	جمالی	۹ روز	یکشنبه	۱۴۸۸۸ ۱۴۸۹۶	۱۳۴/۰۰۰

صمد: یعنی خداوند معبود و پناه همه نیازمندان است در همه حال.
 بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: هر کسی دعوت این نام نماید از جمله حاجات مستغنی
 گردد. دعوت کننده بمرتبه اهل تعیین برسد و از جمله صادقان گردد.
 درهای رزق بروی بگشاید، در صورت و در معنی.

۷۸۶

د	م	ص	یا
ص	یا	د	م
یا	ص	م	د
م	د	یا	ص

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۹	القادر	قدرت کننده و داننده	۳۰۵	جلالی	۱۱ روز	چهارشنبه	۲۷۷۲۷ ۲۷۷۳۰	۳۰۵/۰۰۰

قادر: یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد بی‌مدد و معاونت دیگری در همه احوال.
 بزرگان و اهل تحقیق می‌فرمایند: هر کسی دعوت این اسم را نماید بر خصمان غالب آید
 اگرچه ضعیف بوده باشد.

۲۸۶

ق	ا	د	ر
د	ر	ق	ا
ر	د	ا	ق
ا	ق	ر	د

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۰	المقتدر	توانا و تقدیر کننده	۷۴۴	جمالی	۱۳ روز	دوشنبه	۵۷۲۳۰ ۵۷۲۴۰	۷۴۴/۰۰۰

مقتدر: یعنی خدای توانا بر آوردن و بر دل همه چیز از مرتبه اسفل به اعلی درجه و از کمال درجه اعلی باز برنده به اسفل.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که دنبال جاه و منصب و قدرتند - و دیگر شکست و خواری و کسر اعداد و عزل ایشان از اعلی درجه با اسفل هر که خواهد از اینرو مقصود یکی یا هر دو برآید بر دعوت این اسم باید قیام نماید.

۷۸۶

م	ق	ت	د	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۱	المقدم	همیشه هست	۱۸۴	مشترک	۱۲ روز	دوشنبه	۱۵۳۳۳ ۱۵۳۳۷	۱۸۴/۰۰۰

مقدم: یعنی پیش آورنده نیکی و بدی و بهره سزاوار باشد.
 بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که ایشانرا قبض و بسط باشد و کار ایشان در هیچ امر از پیش نمی رود، باید به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

م	ق	د	م
د	م	م	ق
م	د	ق	م
ق	م	م	د

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۲	المؤخر	همیشه خواهد ماند	۸۴۶	مشترک	۱۰ روز	جمعه	۸۴۶۰۰	۸۴۶/۰۰۰

مؤخر: یعنی پست دارنده آنچه شایسته خواری و پستی بود در مراتب.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت کننده این اسم جهت ترک هوای نفس و رضای خدای
 تعالی قیام نماید.
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: هر که را عمر باخر رسیده باشد و اعمال خیر
 نداشته باشد باین اسم مداومت نماید عمر او دراز گردد و عمل او را مقبول گرداند و یقین او
 به حق تعالی زیاده گردد و در آن متمکن بماند.

۷۸۶

م	و	خ	ر
خ	ر	م	و
ر	خ	و	م
و	م	ر	خ

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۳	الاوّل	آنکه همیشه بوده	۳۷	مشترک	۹ روز	دوشنبه	۴۱۱۱ ۴۱۱۲	۳۷/۰۰۰

اوّل: یعنی خدا همیشه بود بی کمال بدایت.
اوّل یعنی هر چیزی که فرض شود اوّل باشد، خدا قبل از آن چیز بوده پس او نسبت به تمام ما سوای خود اوّل است.
اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که بفراق غایبی گرفتار شده باشند.

۷۸۶

ا	لا	و	ل
و	ل	ا	لا
ل	و	لا	ا
لا	ا	ل	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ایچد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۴	الآخر	آنکه همیشه باشد	۸۰۱	مشترک	۷ روز	سه شنبه	۱۱۴۴۲۸ ۱۱۴۲۳۲	۸۰۱/۰۰۰

آخو: یعنی خدا همیشه باشد بی وهم زوال.
 آخر یعنی چیزی که ما آفرینش فرض کنیم، خداوند تبارک و تعالی بعد از آن هم خواهد بود.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در دنیا از خاتمه کار
 می ترسند. به دعوت این اسم قیام نمایند تا حضرت حق ختم کارش بسعادت ایمان گرداند و
 در همه حال صفای باطن و خوشحال و دائم دل او خرم باشد، با ایمان و معرفت کامل و دائم
 متوجه آستانه کبریا بود و او را رضوان اکبر نصیب گردد.

۷۸۶

یا	ا	خ	ر
خ	ر	یا	ا
ر	خ	ا	یا
ا	یا	ر	خ

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۵	الظاهر	پیداهستی	۱۱۰۶	مشترک	۹ روز	شنبه	۱۲۲۸۸۸ ۱۲۲۸۹۶	۱/۱۰۶/۰۰۰

ظاهر: یعنی خدای که پیداست هستی او بآثار و علامت بسیار در ظهور موجودات - بدون فاصله - هرچیزی را که ما ظاهر فرض کنیم خدا ظاهر نیز از آن است به خاطر احاطه‌ای که قدرتش بر آن چیز دارد.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند دشمن خود را مقهور گردانند که ایشان را هیچ دخلی در آن نباشد.

زوال نعمت ظالم خواهند دشمن مقهور گردد.

۷۸۶

ظ	ا	ه	ر
ه	ر	ظ	ا
ر	ه	ا	ظ
ا	ظ	ر	ه

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۶	الباطن	پنهان از چگونگی	۶۲	مشترک	۱۰ روز	جمعه	۶۲۰۰	۶۲/۰۰۰

باطن: یعنی پوشیده ذات او از دریافت ابصار و اوهام.
 الله جل جلاله خبیر و بصیر به هرچه پنهان و سرّ است و از نیات و سرّایر وجود ما با خبر می باشد.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: هر کسی که خواهان این است که باطن خود را از ضلالت نگاه دارد به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

ب	ا	ط	ن
ط	ن	ب	ا
ن	ط	ا	ب
ا	ب	ن	ط

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۷	الوالی	پادشاه	۴۶	جمالی	۸ روز	۴ شنبه	۵۷۵۰	۴۶/۰۰۰

والی: یعنی پادشاه، فرمان روا بر جمیع مخلوقات.

بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند به درجه ولایت رسند.

از عزل و تنزل جاه و منصب و غرق و حرق سالم بود در بحر، از آفات و بلیات و نکبات آخر الزمانی محفوظ ماند.

۷۸۶

و	ا	ل	ی
ل	ی	و	ا
ی	ل	ا	و
ا	و	ی	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۸	المتعالی	بزرگ و برتر	۵۵۱	مشترک	۱۶ روز	پنجشنبه	۳۴۴۳۷ ۳۴۴۴۵	۵۵۱/۰۰۰

متعالی: یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش به آیت‌های پیدا.

بزرگان و اهل تحقیق می‌گویند:

دعوت این اسم مناسب کسانیست که در سلوک یا در دنیا خواهند که به درجه کمال

رسند، پس به دعوت این نام قیام نمایند.

۷۸۶

م	ت	عا	لی
عا	لی	ما	ت
لی	عا	ت	م
ت	م	لی	عا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۹	البرّ	نیکوکار مطلق	۲۰۲	جمالی	۴ روز	جمعه	۵۰۵۰۰	۲۰۲/۰۰۰

پُر: یعنی خدا نیکوکننده با خلاق خویش و نیکوئی او به همه جا و همه کس رسیده است -
یعنی وسعت در کار خیر و این یک وقت به خدا نسبت داده می شود مثل آنکه در وصف حق
تعالی آمده (انه هو البر الرحیم) به درستی که او نیک و مهربان است.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که از آفت دهر به تنزل
جاه و منصب رسند.

۷۸۶

ی	ا	ب	ر
ب	ر	ی	ا
ر	ب	ا	ی
ا	ی	ر	ب

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۰	التواب	قبول کننده توبه	۴۰۹	جمالی	۱۰ روز	سه شنبه	۴۰۹۰۰	۴۰۹/۰۰۰

تواب: یعنی خدای توبه دهنده توبه پذیرنده است.
تواب مبالغه در قبول توبه است وقتی عبد از اعمال زشت و گناهان خود پشیمان گشت و به درگاه خداوند متعال توبه نمود. توبه او را می پذیرد.
بزرگان اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که قصد به توبه دارند. یا اگر کسی سودا و خیالات فاسد و وسوسه شیطان و در عبادات دل خود را حاضر نتواند کرد به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

ت	و	ا	ب
ا	ب	ت	و
ب	ا	و	ت
و	ت	ب	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۱	المنتقم	نعمت دهنده بندگان	۶۳۰	مشترک	۱۴ روز	چهارشنبه	۴۵۰۰۰	۶۳۰/۰۰۰

منتقم: یعنی خدای تعالی انتقام کشنده است، از بندگان بدکار چنانچه حق اوست.
 بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که از ظالمان انتقام
 خواهند.

۲۸۶

م	ن	ت	ق	م
ق	م	م	ن	ت
ن	ت	ق	م	م
م	م	ن	ت	ق
ت	ق	م	م	ن

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۲	العفو	معاف کننده گناه	۱۵۶	جمالی	۸ روز	دوشنبه	۱۹۵۰۰	۱۵۶/۰۰۰

عفو: یعنی خدا گرداننده کردار مخلوقات است.

عفو به معنای محو و گذشت نمودن است - خداوند متعال از بسیاری لغزش های بندگان
صرف نظر می کند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسانیست که گناه بسیار نموده باشند
به دعوت این نام قیام نمایند.

۷۸۶

و	ف	ع	ال
ع	ال	و	ف
ال	ع	ف	و
ف	و	ال	ع

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۳	الروفُ	درگذرومهربان	۲۸۶	جمالی	۷ روز	جمعه	۴۰۸۵۷ ۴۰۸۵۸	۲۸۶/۰۰۰

روفُ: یعنی خدا بخشاینده و مهربان بر خلقان است.

صفت روُفت پروردگار همانند رحمانیتش از وسعت و گسترش خاصی برخوردار است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که ضعیف الحال و نحیف

الجسد باشند.

کسی که گرفتار حبس و محبوس شده باشد به این دعوت قیام نماید.

۲۸۶

یا	ر	و	ف
و	ف	یا	ر
ف	و	ر	یا
ر	یا	ف	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۴	مالک الملک	مالک تمام خلق	۲۱۲	جلالی	۲۱ روز	دوشنبه	روز اول ۷۸۵۱ روز آخر ۷۸۷۴	۲۱۲/۰۰۰

مالک الملک: یعنی پادشاه پادشاهان و شکندهی گردن هر جبار و متکبر و موصوف به نیکوداشت هر شکسته دل بیچاره‌ی عاجز.
 اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند دعوت این نام مناسب کسانیست که دنبال منصب و بزرگی و بر حسب دنیا توانگر می‌شوند.

۲۸۶

مالک	م	ل	ک
ل	ک	مالک	م
ک	ل	م	مالک
م	مالک	ک	ل

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۵	المقسط	دادگر-عادل	۲۰۹	جلالی	۱۱ روز	جمعه	۱۹۰۰۰	۲۰۹/۰۰۰

مقسط: یعنی خداوند دادگر و عادل و عالم به هر شخصی از بدی و نیکی که بدو رسد چنانچه در ازل قسمت فرموده است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که وسواس یا بسیار محتلم می گردند و خیالات فاسد او را تشویش دهند.

۷۸۶

ط	س	ق	م
ق	ن	ط	س
م	ق	س	ط
س	ط	م	ق

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۶	الجامع	فراهم کننده	۱۱۴	مشترک	۱۲ روز	دوشنبه	۹۵۰۰	۱۱۴/۰۰۰

جامع: یعنی جمع دارنده چیزهای پراکنده و پریشان بقدرت و رحمت خویش.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که پریشان و مغلس باشند
 و ایشان را آرزوی غنا باشد.

۷۸۶

ع	م	ا	ج
ا	ج	ع	م
ج	ا	م	ع
م	ع	ج	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۷	الفنی	بی نیاز	۱۰۶۰	مشترک	۸ روز	سه شنبه	۱۲۲۵۰۰	۱/۰۶۰/۰۰۰

ثمنی: یعنی خدا بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال.

غنی یعنی بی نیاز مطلق.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که نیازمند توانگری و ثروتمند شدن را می خواهند. و می خواهند که به ثروت فراوان رسند باید به قیام این دعوت برخیزند.

۷۸۶

ال	غ	ن	ی
ن	ی	ال	غ
ی	ن	غ	ال
غ	ال	ی	ن

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۸	المغنی	بی نیاز کننده	۱۱۰۰	جمالی	۱۱ روز	یکشنبه	۱۰۰۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰

معنی: یعنی بی نیاز کننده نیازمندان در همه چیز.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طلب توانگری یا کفایت معاش، و برآمدن مراد و حصول مقاصد کلی دارند.

۷۸۶

م	غ	ن	ی
ن	ی	م	غ
ی	ن	غ	م
غ	م	ی	ن

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۹	المعطی	عطا کننده	۱۲۹	جمالی	۱۰ روز	سه شنبه	۱۲۹۰۰	۱۲۹/۰۰۰

معطی: یعنی دهنده مصالح معاش هر چه خواهد بر بندگان.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که محتاج و نیازمندند و
 پس از قیام بر این اسم از خلق بی نیاز گردند.

۷۸۶

م	ع	ط	ی
ط	ی	م	ع
ی	ط	ع	م
ع	م	ی	ط

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۰	المانع	بازدارنده	۱۶۱	جلالی	۱۲ روز	شنبه	۱۳۴۱۶ ۱۳۴۲۴	۱۶۱/۰۰۰

مانع: یعنی خدای بازدارنده از بلا و نعمت و راحت و محنت از هر که خواهد از بندگان.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می خواهند نفس اماره
 را تحت فرمان خود داشته باشند.

۲۸۶

ع	ن	ا	م
ا	م	ع	ن
م	ا	ن	ع
ن	ع	م	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۱	النافع	سودکننده	۲۰۱	جلالی	۱۱ روز	پنج شنبه	۱۸۲۷۲ ۱۸۲۸۰	۲۰۱/۰۰۰

نافع: یعنی رساننده منفعت و شادی چه در صورت خیر یا در وجه شرّ و مکروه.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در عالم از خصم
 متوهم باشند.
 و کسی که دنبال توانگری باشد باید که به این نام قیام نماید.

۲۸۶

ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف

ر	نام اسماء	معنی روشن کننده	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۲	النور	روشن کننده	۲۵۶	مشترک	۸ روز	چهارشنبه	۳۲۰۰۰	۲۵۶/۰۰۰

نور: یعنی خداوند پیدا و روشن کننده هستی، به نشانه‌های ظاهر و بردارنده حجابها از دل‌های بندگان آن را که خواهد.

نور عبارت است از آن روشنائی که منتشر می‌شود و به دیدن کمک می‌کند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در پی نور باطن و دیده دل به نور الهی می‌باشند.

۷۸۶

یا	ن	و	ر
و	ر	یا	ن
ر	و	ن	یا
ن	یا	ر	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۳	الهادی	راه نماینده	۲۰	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۲۰۰۰	۲۰/۰۰۰

هادی: یعنی پیدا کننده و راه نماینده به اسباب نفع و ضرر بندگان.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب سالکان راه است هر که راه راست
 خواهد باید که دعوت این اسم کند.

۷۸۶

ه	ا	د	ی
د	ی	ه	ا
ی	د	ا	ه
ا	ه	ی	د

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۳	البدیع	آفریننده نادر	۸۶	مشترک	۱۰ روز	دوشنبه	۸۶۰۰	۸۶/۰۰۰

بدیع: یعنی نو آفریننده هر چیزی.

بدیع یعنی مبدأ و پدید آورنده تمام اقسام موجودات و هیچ موجودی از حیطه قدرت او خارج نیست.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که هر که را اندوهی یا غمی پیش آید و در آن مضطرب گردد و راه نجات را نداند و کار او فرو بسته باشد خواهد که آن امر به اقدام رسد به دعوت این اسم قیام نماید. تا حضرت بدیع علی الاطلاق او را از بی نظیران گرداند.

۷۸۶

ب	د	ی	ع
ی	ع	ب	د
ع	ی	د	ب
د	ب	ع	ی

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۵	الباقی	پس از خلق بماند	۱۱۳	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۱۱۳۰۰	۱۱۳/۰۰۰

باقی: یعنی خدا همیشه باشد و هست - پا برجایی شیء بر حالت اولیه خود است و اصولاً بقاء در مقابل فنا و نیستی استعمال می شود.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: هر که دعوت این اسم نماید؛

هر کس بخواهد عملش مقبول گردد، و دعای دعوت کننده این اسم مستجاب گردد و عمل های او مقبول حضرت عزت گردد و حضرت عزت بنظر عنایت در وی نظر کند و از جمله مقبولان گردد.

۷۸۶

ب	ا	ق	ی
ق	ی	ب	ا
ی	ق	ا	ب
ا	ب	ی	ق

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۶	الوارث	میراث گیرنده	۷۰۷	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۷۰۷۰۰	۷۰۷/۰۰۰

وارث: یعنی خدا بازستاننده داده‌ها است از خلق.

وارث در واقع یعنی بازگشت تمام اموال و املاک و همه چیز این دنیا به خداوند تبارک و تعالی و روزی فرا می‌رسد که تمامی مالکین مجازی می‌میرند و تنها او باقی می‌ماند و بس.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در پی علم و علوم غریبه باشند باید به دعوت این اسم قیام نمایند.

۷۸۶

و	ا	ر	ث
ر	ث	و	ا
ث	ر	ا	و
ا	و	ث	ر

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۷	الرشید	راست و تقدیر و درست	۵۱۴	مشترک	۱۰ روز	سه شنبه	۵۱۴۰۰	۵۱۴/۰۰۰

رشید: یعنی خدای صواب کار بر راه راست.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب راه راست باشد و کسانی که سر رشته تدبیر گم کردند و ندانند که احوالشان چگونه خواهد بود، باید که دعوت این اسم کنند.

۲۸۶

د	ی	ش	ر
ش	ر	د	ی
ر	ش	ی	د
ی	د	ر	ش

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۸	الصَّبُور	جلدی نکننده بعذاب	۲۹۸	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۹۸۰۰	۲۹۸/۰۰۰

صبور: یعنی صبر کننده بر مکافات و عقوبات گناه کاران و عذاب فرستادن بر کافران.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که صبر نداشته باشند در بلا
 و سختی و شدت.

۲۸۶

ص	ب	و	ر
و	ر	ص	ب
ر	و	ب	ص
ب	ص	ر	و

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۹	الرب	پروردگار	۲۰۲	جمالی	۴ روز	جمعه	۵۰۵۰۰	۲۰۲/۰۰۰

وب: یازده معنی برای رب کرده‌اند:

- ۱- مالک، ۲- جمع کننده، ۳- سید، ۴- تدبیر کننده، ۵- اصلاح کننده، ۶- همراه، ۷- رفیق، ۸- دائم، ۹- خالق، ۱۰- محول، ۱۱- تربیت کننده.
- اهل تحقیق و بزرگان گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می‌خواهند مستجاب الدعوه گردند و صاحب دم گرم شوند.

۷۸۶

ب	ر	ا	ی
ا	ی	ب	ر
ی	ا	ر	ب
ر	ب	ی	ا

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۱	الرزاق	روزی دهنده	۳۰۸	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۳۰/۸۰۰	۳۰۸/۰۰۰
حرارت ۷ برودت ۱۲ رطوبت ۹ پیوست ۱۰ نتیجه برودت ۵ پیوست ۱ عنصر خاکی								

رزاق: یعنی روزی دهنده هر روزی خواری بدان قدر که غایت او باشد.
 روزی دهنده تمام موجودات از انسان و حیوان می باشد.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسبت کسانیست که تنگ روزی
 و درویش حال باشند، توانگر گردد و او را چندان دنیا کرامت فرماید که وصف نتوان
 کرد و حضرت حق نعمت بی حساب باو ارزانی فرماید.

۷۸۶

ر	ز	ا	ق
ا	ق	ر	ز
ق	ا	ز	ر
ز	ر	ق	ا

نوشتن مربع لوح عمل به این دلیل بود که باید با عدد اسم خود و مادر خود جمع و
 سپس در پشت مربع حروف لوح نقش نوشته شود. ولی هر کس باید طبع خود را
 حساب نماید و نقش را از خانه طبع خود شروع کند. جهت اطلاعات بیشتر به کتاب
 کله سر مراجعه شود.

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ز	۷	آبی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ق	۱۰۰	آبی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲	الروهاب	بخشاینده	۱۴	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۱۴۰۰	۱۴/۰۰۰
حرارت ۲۶		برودت ۰	رطوبت ۱۳	یُبوست ۱۳	نتیجه حرارت ۲۶	عنصر آتشی		

وهاب: یعنی بخشاینده بانواع عطاها و نعمت ظاهری و باطنی بندگان بی غرض.

کثیرالخير و قدیم احسان و بسیار بخشنده.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: این اسم بغایت پرخاصیت و سریع الاجابة، هر کس دعوت این اسم نماید، روزی بر وی فراخ گردد و از جایی که گمان نداشته باشد روزی او برسد و درویشی از وی بردارند، اگر در رزق بر او بسته باشد یا از عمل خود عزل شده باشد و یا دنیا خواهد یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن یا تمنای دوست هر مراد داشته باشد به دعوت این اسم برخیزد که اجابت خواهد شد.

۷۸۶

و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه
ب	ا	ه	و
ه	و	ب	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ه	۵	آتش	۶
ا	۱	آتش	۷
ب	۲	بادی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳	الخبیر	خبردار از همه چیز و همه حال	۸۱۲	جمالی	۸ روز	شنبه	۱۰۱/۵۰۰	۸۱۲/۰۰۰
حرارت ۱۲ پروت ۵ رطوبت ۱۲ پیوست ۵ نتیجه ح ۷/۷ عنصر بادی								

خبیو: یعنی خدای آگاه بر نهانی‌ها - عالم به اعمال بندگان، عالم به باطن امور، مخبر و خبردهنده - خبیر کسی است که اخبار باطن اشیاء از او پنهان نیست.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می‌خواهند از اسرار قلوب اطلاع داشته باشند. حضرت حق او را به اسرار قلوب با خبر گرداند و از شر شیطان و جور سلطان و بلاهای ناگهانی ایمن ماند و از حيله حسودان و مکر خصمان محفوظ ماند.

۷۸۶

خ	ب	ی	ر
ی	ر	خ	ب
ر	ی	ب	خ
ب	خ	ر	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
خ	۶۰۰	خاکی	۲
ب	۲	بادی	۷
ی	۱۰	بادی	۵
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب						
۴	الواجد	یکتناسازنده کارها	۱۴	جمالی	۱۲ روز	شنبه	۱۱۶۶ ۱۱۷۴	۱۴/۰۰۰						
<table><tr><td>حرارت ۱۳</td><td>برودت ۱۴</td><td>رطوبت ۱۳</td><td>پیوست ۱۴</td><td>نتیجه پ ۱ / ی ۱</td><td>عنصر خاکی</td></tr></table>									حرارت ۱۳	برودت ۱۴	رطوبت ۱۳	پیوست ۱۴	نتیجه پ ۱ / ی ۱	عنصر خاکی
حرارت ۱۳	برودت ۱۴	رطوبت ۱۳	پیوست ۱۴	نتیجه پ ۱ / ی ۱	عنصر خاکی									

واجد: یعنی خدای تواناست بر هر چه که خواهد.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب حال و اخلاص
 باشند و وجد برایشان ظاهر گردد.

۷۸۶

و	ا	ج	د
ج	د	و	ا
د	ج	ا	و
ا	و	د	ج

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ا	۱	آتش	۷
ج	۳	آبی	۷
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵	الغفار	آمرزگار	۱۲۸۱	جمالی	۱۰ روز	شنبه	۱۲۸۱۰۰	۱/۲۸۱/۰۰۰
حرارت ۱۰ برودت ۲ رطوبت ۰ پیوست ۱۴ نتیجه ح ۶ / ی ۱۴ عنصر آتشی								

شفار: یعنی پوشاننده زشتی‌ها و معایب بندگان از انواع گناه و تقصیرات.
 اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که گناه زیاد نمودند. از
 جمله مغفوران گردند، حق تعالی پرده آبروی او را ندرد، و اولیا را در وی نظر خفیه واقع شود
 و او را دوست بدارند و در حق وی دعای خیر کنند و از عذاب قبر ایمن بود.

۷۸۶

ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا
غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
غ	۱۰۰۰	خاکی	۱
ف	۸۰	آتش	۳
ا	۱	آتش	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پداپجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶	آلمصور	نگارنده صورتها	۳۳۶	جمالی	۱۱ روز	شنبه	۳۰۵۵۰	۳۳۶۰۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۳ رطوبت ۹ پیوست ۷ نتیجه ح ۱۰ / ر ۲ عنصریادی								

مصور: تصویر کننده هر چیزی بصورت مخصوص و شکلی که بدان ممتاز گردند.
تصویر کننده صورت جنین در رحم مادر به هر شکلی که بخواهد و صورت تمامی
مخلوقات را نیز این چنین مصور و صورت بخش است.
اهل تحقیق و بزرگان فرمودند هر که طالب فصاحت و بلاغت و شعر گفتن و دانستن و
طلاقت لسان می خواهد باشد باید دعوت این اسم را نماید.

۷۸۶

م	ص	و	ر
و	ر	م	ص
ر	و	ص	م
ص	م	ر	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ص	۹۰	بادی	۳
و	۶	بادی	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۲

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۸	الظاهر	پیداهستی	۱۱۰۶	مشترک	۹ روز	شنبه	۱۲۲۸۸۸ ۱۲۲۸۹۶	۱/۱۰۶/۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۴ رطوبت ۱ پیوست ۱۶ نتیجه ب ۹ / ی ۱۵ عنصر آتش								

ظاهر: یعنی خدای که پیداست هستی او بآثار و علامت بسیار در ظهور موجودات - بدون فاصله - هرچیزی را که ما ظاهر فرض کنیم خدا ظاهر نیز از آن است به خاطر احاطه‌ای که قدرتش بر آن چیز دارد.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند دشمن خود را مقهور گردانند که ایشان را هیچ دخلی در آن نباشد.
زوال نعمت ظالم خواهند دشمن مقهور گردد.

۷۸۶

ظ	ا	ه	ر
ه	ر	ظ	ا
ر	ه	ا	ظ
ا	ظ	ر	ه

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ظ	۹۰۰	آبی	۱
ا	۱	آتش	۷
ه	۵	آتش	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد تصاب
۹	الوارث	پیرا گیرنده	۷۰۷	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۷۰۷۰۰	۷۰۷/۰۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۵ رطوبت ۸ بیوست ۱۰ نتیجه ح ۸ / ی ۴ عنصر آتشی								

وارث: یعنی خدا بازستاننده داده‌ها است از خلق.
 وارث در واقع یعنی بازگشت تمام اموال و املاک و همه چیز این دنیا به خداوند تبارک و تعالی و روزی فرا می‌رسد که تمامی مالکین مجازی می‌میرند و تنها او باقی می‌ماند و بس.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در پی علم و علوم غریبه باشند باید به دعوت این اسم قیام نمایند.

۷۸۶

و	ا	ر	ث
ر	ث	و	ا
ث	ر	ا	و
ا	و	ث	ر

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ث	۵۰۰	آبی	۲

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم بعد ایجاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۰۰	المانع	بازدارنده	۱۶۱	جلالی	۱۲ روز	شنبه	۱۳۴۱۶ ۱۳۴۲۲	۱۶۱/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۴ رطوبت ۴ یبوست ۱۵ نتیجه ح/۱۱ ب عنصر آتش								

مانع: یعنی خدای بازدارنده از بلا و نعمت و راحت و محنت از هر که خواهد از بندگان.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می خواهند نفس اماره
را تحت فرمان خود داشته باشند.

۷۸۶

ع	ن	ا	م
ا	م	ع	ن
م	ا	ن	ع
ن	ع	م	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۲۰	آتش	۴
ا	۱	آتش	۷
ن	۵۰	بادی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۱۱	القابض	قبض کننده روزی	۹۰۳	جلالی	۱۱ روز	شنبه	۸۲۰۹۰ ۸۲۰۹۱	۹۰۳/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۳ رطوبت ۱۱ یبوست ۷ نتیجه ح ۱۲ / ر ۴ عنصر بادی								

قابض: یعنی خدای نیک کننده آنچه خواهد بعدل و حکمت خویش، قبض و بسط به معنای گرفتن و جمع کردن، تنگ کردن و پهن کردن است.

خداوند متعال فضل و احسان و نعمات خویش را از بندگان می گیرد و روزی را بر آنها تنگ می کند. بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که دشمنی قوی دارند و از او می ترسند. مناسب کسانی است که اول سلوک باشند، این اسمی است که ملک الموت بقوت این اسم جان بندگان قبض می کند.

دعوت این اسم جهت دفع دشمن و اعداء می باشد.

۷۸۶

ق	ا	ب	ض
ب	ض	ق	ا
ض	ب	ا	ق
ا	ق	ض	ب

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
ا	۱	آتشی	۷
ب	۲	بادی	۷
ض	۸۰۰	بادی	۱

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشتری	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۲	المذل	خوارکننده ذلیل کننده	۷۷۰	جلالی	۹ روز	شنبه	۸۵۵۵۵ ۸۵۵۶۰	۷۷۰/۰۰۰
حرارت ۵ برودت ۴ رطوبت ۰ یبوست ۱۰ نتیجه ی ۹ عنصر آتشی								

مدل: یعنی خوار و ذلیل گرداند آنرا که خواهد.
 بزرگان فرموده اند، با این نام از ظالمان امان یابند.
 اهل تحقیق گویند: اگر خصمی قوی باشد جابر و قهار و ظالم و خایف باشد. با دعوت این
 اسم خدای تعالی او را ایمن می گرداند و خصم او را خوار و ذلیل و از هر مرتبه که باشد
 معزول گرداند.
 تسخیر عطار در این اسماء الحسنی می باشد.

۷۸۶

یا	م	ذ	ل
ذ	ل	یا	م
ل	ذ	م	یا
م	یا	ل	ذ

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ذ	۷۰۰	آتشی	۱
ل	۳۰	خاکی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۳	المبدی	آفریننده بار دیگر	۵۶	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۵۶۰۰	۵۶/۰۰۰
حرارت ۱۶ برودت ۷ رطوبت ۱۲ یبوست ۱۱ نتیجه ح ۹ / ر ۱ عنصر بادی								

مبدی: یعنی آفریننده هر چیزی بی علت و حاجت.
اهل تحقیق و بزرگان گویند: هرکسی که می خواهد از نکبت و ذلت دور باشد به دعوت
این اسم باید قیام نماید.

۷۸۶

م	ب	د	ی
د	ی	م	ب
ی	د	ب	م
ب	م	ی	د

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ب	۲	بادی	۷
د	۴	خاکی	۷
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم بدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۴	ممیت	میراننده	۴۹۰	جلالی	۱۰ روز	شنبه	۴۹۰۰۰	۴۹۰/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۰ رطوبت ۷ یبوست ۸ نتیجه ح ۱۵ / ی ۱ عنصر آتشی								

ممیت: یعنی میراننده هر زنده، این نامیست که انبیاء و اولیاء را کام نهیب این نام بشکنند.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که نفس اماره بر او غالب
باشد و خواهد که مطیع وی گردد.

۷۸۶

م	م	ی	ت
ی	ت	م	م
ت	ی	م	م
م	م	ت	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
م	۴۰	آتشی	۴
ی	۱۰	بادی	۵
ت	۴۰۰	بادی	۲

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد تصاب
۱۵	المانع	بازدارنده	۱۶۱	جلالی	۱۲ روز	شنبه	۱۳۴۱۶ ۱۳۴۲۴	۱۶۱/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۴ رطوبت ۴ پیوست ۱۵ نتیجه ح ۱۱ / ی ۱۱ عنصر آتشی								

مانع: یعنی خدای بازدارنده از بلا و نعمت و راحت و محنت از هر که خواهد از بندگان.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می خواهند نفس اماره
را تحت فرمان خود داشته باشند.

۷۸۶

ع	ن	ا	م
ا	م	ع	ن
م	ا	ن	ع
ن	ع	م	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ا	۱	آتشی	۷
ن	۵۰	بادی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۶	المجید	بزرگوار تر از همه	۵۷	جمالی	۱۱ روز	یکشنبه	۵۱۸۱ ۵۱۹۰	۵۷/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۱۴ رطوبت ۱۲ یبوست ۱۱ نتیجه پ ۵ / ر ۱ عنصر آبی								

مجید: یعنی خدا پاک و منزّه است از گرفتن زمان و مکان و رسیدن آثار و بزرگواری به هر کس - وسعت عظمت و کرامت - کرم و عزت و شرافت و عظمت پروردگار.

بزرگان و اهل تحقیق فرموده اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب سیر و سلوک باشند. باب سیر و سلوک بر وی بگشاید - رفعت جاه و طلب عزت - حضرت مجید بنزد بندگان مکرم گرداند.

۷۸۶

د	ی	ج	م
ج	م	د	ی
م	ج	ی	د
ی	د	م	ج

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ج	۳	آبی	۷
ی	۱۰	بادی	۵
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۷	الحکیم	صواب کار، درست گفتار	۶۸	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۷۸۰۰	۷۸/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۱۱ رطوبت ۱۰ پیوست ۱۰ نتیجه پ ۲ عنصر خاکی								

حکیم: یعنی خدای تعالی صواب کار است و بسیار معانی پوشیده در گفتار و کردار - به معنای حکمت - عالم - علم.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که مهمی پیش آید از قبض و بسط و قرض و غربت و تنگی و معیشت و درویشی.

دعوت مناسب کسانیست که خواهند در علم حکمت شروع کنند به دعوت این اسم قیام نمایند.

۷۸۶

ح	ک	ی	م
ی	م	ح	ک
م	ی	ک	ح
ک	ح	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ک	۲۰	آبی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۸	الصمد	پاک و بی نیاز	۱۳۴	جمالی	۹ روز	یکشنبه	۱۴۸۸۸ ۱۴۸۹۶	۱۳۴/۰۰۰
حرارت ۷ برودت ۷ رطوبت ۳ پیوست ۱۱ نتیجه ی ۱۱ عنصر خاکی								

صمد: یعنی خداوند معبود و پناه همه نیازمندان است در همه حال.
بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: هر کسی دعوت این نام نماید از جمله حاجات مستغنی گردد. دعوت کننده بمرتبه اهل تعیین برسد و از جمله صادقان گردد.
درهای رزق بروی بگشاید، در صورت و در معنی.

۷۸۶

یا	ص	م	د
م	د	یا	ص
د	م	ص	یا
ص	یا	د	م

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ص	۹۰	بادی	۳
م	۴۰	آتشی	۴
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۱۹	المحصى	شماره کننده	۱۴۸	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۱۴۸۰۰	۱۴۸/۰۰۰
۱۲	حرارت	برودت	۶	رطوبت	۸	یوست	۱۰	نتیجه ح ۶ / ی ۲
								عنصر بادی

مُحصی: یعنی خدا داناست بر عدد هر چیزی.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای هر کس که بداند علم بر کلیات و جزئیات محیط است. حضرت عزت او را عالم بر خواص اشیاء و مخلوقات گرداند کسی که دعوت این نام نماید اگر حساب مملکتی را به او سپارند از عهده بیرون آید و بروی آسان گردد و در حساب هیچ غلط انجام ندهد.

۷۸۶

م	ح	ص	ی
ص	ی	م	ح
ی	ص	ح	م
ح	م	ی	ص

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ح	۸	خاکی	۶
ص	۹۰	بادی	۳
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشتک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۰	الرافع	بردارنده	۲۵۱	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۳۵۱۰۰	۳۵۱/۰۰۰
حرارت ۱۰	برودت ۷	رطوبت ۰	یُبوست ۱۷	نتیجه ح ۲ / ی ۱۷	عنصر آتشی			

رافع: یعنی دارنده آنچه خواهد از مرتبه اسفل باعلا درجه در رفعت پادشاهانرا مملکت از برکت و بزرگی این اسم رسیده است.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند: هر کس که به خواهد دعوت این اسم نماید باید، آنقدر که تواند از آزار خلق خدای تعالی دست بردارد. تا حضرت رافع رایت دولت او را برافرازد، دعوت کننده این اسم سبب شود که از خلق برگزیده شود. و عزیز و مکرم گردد و بدهد او را توانگری و آنچه خواهد دعوت این اسم کنند. بدانند، مناسب اهل جاه است در دنیا و صاحب دولت شود.

۷۸۶

ر	ا	ف	ع
ف	ع	ر	ا
ع	ف	ا	ر
ا	ر	ع	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ا	۱	آتش	۷
ف	۸۰	آتش	۳
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حذف صاب
۲۱	البصیر و آشکار	بیننده پنهان و آشکار	۳۰۲	جمالی	۹ روز	یکشنبه	۳۳۵۵۵ ۳۳۵۶۰	۳۰۲/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۳ رطوبت ۱۵ پیوست ۳ نتیجه ح ۱۲/ ۱۲ ر عنصر بادی								

بصیر: یعنی بیننده چیزهای پنهانی و آشکار - اشاره به بینایی پروردگار در تمام امور ظاهری و مخفی است.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در کارها فرومانده باشند و امرهای کلی برایشان مشکل گشته و در مهمات خود سرگردان شده باشند. جمیع مرادات دین و دنیا و صفای ظاهری و باطنی و مهمی و مقصدی که دارد جمله بمدعای او گردد و کارهای پریشان او جمع گردد و او را جلای قلبی حاصل شود که هر کس که از پیش وی گذرد، ضمیر و مزاج و خوی، بلکه نام او را بداند.

۷۸۶

ب	ص	ی	ر
ی	ر	ب	ص
ر	ی	ص	ب
ص	ب	ر	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ص	۹۰	بادی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۲۲	الشکور نیکان	سپاس دارنده	۵۲۶	جمالی	۱۱ روز	یکشنبه	۴۷۸۱۸	۵۲۶/۰۰۰
							۴۷۸۲۰	
حرارت ۸ پروت ۸ رطوبت ۱۱ پیوست ۵ نتیجه ر ۶ عنصر پادی								

شکور: یعنی دهنده کرامت بسیار باندک طاعتی و محقر خدمتی، مبالغه در شکر است زیرا که انعام و اکرام او خیلی زیاد است به عبادت کم پاداش فراوان کرامت نماید. بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم را هر کسی نماید؛ حضرت شکور ماوای وی بفردوس اعلی گرداند، و دفع غم و کدورت نماید و هر که را معیشت تنگ شده باشد و روزگار بدشواری گذراند باید که به این اسم قیام نماید. تا معیشت بر وی گشاده گردد.

۷۸۶

ش	ک	و	ر
و	ر	ش	ک
ر	و	ک	ش
ک	ش	ر	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ش	۳۰۰	آتش	۲
ک	۲۰	آبی	۵
و	۶	بادی	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حدنصاب
۲۳	الکبیر	بزرگوار بر همه	۲۳۲	جمالی	۹ روز	یکشنبه	۲۵۷۷۷	۲۳۲/۰۰۰
							۲۵۷۸۲	
حرارت ۱۲ برودت ۸ رطوبت ۱۷ یبوست ۳ نتیجه پ ۴ / ر ۱۴ عنصریادی								

کبیر: یعنی خدا بزرگ و پاکست ذات او از صورت و خیال، و شبه بزرگتر از آن است که شبیه مخلوقات باشد و هر بزرگی در برابر عظمت و بزرگی او کوچک است.
اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند: دعوت مناسب کسانیست که طالب جاه و بزرگی در عالم صورت و سیرت باشند.
اسرار عالم ارواح و ملکوت و عجایب عالم کبیر با او بگویند.
خلایق طالب دید او و صحبت او گردند او را بزرگی باشد در عالم صورت و معنی.

۷۸۶

ک	ب	ی	ر
ر	ی	ب	ک
ر	ی	ب	ک
ب	ک	ر	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ک	۲۰	آبی	۵
ب	۲	بادی	۷
ی	۱۰	بادی	۵
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدایجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۲۴	المغنی	بی نیاز کننده	۱۱۰۰	جمالی	۱۱ روز	یکشنبه	۱۰۰۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰
حرارت ۱۳	برودت ۱	رطوبت ۹	پیوست ۵	نتیجه ح ۱۲ / ر ۴	عنصر بادی			

مغنی: یعنی بی نیاز کننده نیازمندان در همه چیز.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طلب توانگری یا
 کفایت معاش، و برآمدن مراد و حصول مقاصد کلی دارند.

۷۸۶

م	غ	ن	ی
ن	ی	م	غ
ی	ن	غ	م
غ	م	ی	ن

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
غ	۱۰۰۰	خاکی	۱
ن	۵۰	بادی	۴
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد تصاب
۲۵	الباقی	پس از خلق بماند	۱۱۳	جمالی	۱۰ روز	یکشنبه	۱۱۳۰۰	۱۱۳/۰۰۰
حرارت ۱۹ پروت ۳ رطوبت ۱۵ پیوست ۷ نتیجه ح ۱۶ / ر ۸ عنصر بادی								

باقی: یعنی خدا همیشه باشد و هست - پا برجایی شیء بر حالت اولیه خود است و اصولاً بقاء در مقابل فنا و نیستی استعمال می شود.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: هر که دعوت این اسم نماید؛

هر کس بخواهد عملش مقبول گردد، و دعای دعوت کننده این اسم مستجاب گردد و عمل های او مقبول حضرت عزت گردد و حضرت عزت بنظر عنایت در وی نظر کند و از جمله مقبولان گردد.

۷۸۶

ب	ا	ق	ی
ق	ی	ب	ا
ی	ق	ا	ب
ا	ب	ی	ق

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
ق	۱۰۰	آبی	۳
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۸	العدل	دادگر خلاق	۱۰۴	مشترک	۹ روز	یکشنبه	۱۱۵۵۵ ۱۱۵۶۰	۱۰۴/۰۰۰
حرارت ۰ برودت ۱۶ رطوبت ۰ پیوست ۱۶ نتیجه ب ۱۶ / ی ۱۶ عنصر خاکی								

عدل: یعنی خداوند راست کردار و راست گفتار و دارنده هر چیزی بر حد و مقدار آن چیز است. - بمعنی مساوات - خداوند هر چیزی را در جای خود قرار داده و درباره هیچ موجودی از آنچه را که لایق و سزاوار بوده چیزی را فروگذار نکرده است. دعوت این اسم کسانی راست که بظلم ظالمان و جور جابران گرفتار شده باشند و بر همه ظالمان مظفر و متصور آید و اسرار غریبه از باطن خود مشاهده کند.

۷۸۶

یا	ع	د	ل
د	ل	یا	ع
ل	د	ع	یا
ع	یا	ل	د

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
د	۴	خاکی	۷
ل	۳۰	خاکی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد نصاب
۲۶	الباسط	فراخ کننده روزی	۷۲	جمالی	۱۰ روز	دوشنبه	۷۲۰۰ ۱۰۲۹۰	۷۲/۰۰۰
حرارت ۱۹ برودت ۴ رطوبت ۱۱ یبوست ۱۲ نتیجه ح ۵ / ی ۱ عنصر آتشی								

باسط: یعنی فراخ کننده آنچه خواهد بحکمت خویش. طبق مصلحت و حکمت خویش، فضل و رحمتش را بر هر که بخواهد وسعت می دهد. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که تنگدست باشند و به بالای قحطی مبتلا باشند کسی که دعوت این اسم نماید همیشه خرم و خوشدل باشد هر غم زده را که نظر به روی افتد اندوهش به فرح مبدل گردد. هرگز محتاج نگردد و از غم نجات یابد. روزی بروی فراخ گردد. هرگز مغموم و مقبوض نشود. توانگر گردد و هم بظاهر و هم بباطن، در سر او انبساط باشد که بحسب دنیا و آخرت و با اندک دنیائی که او را باشد چندان اکرام و سخاوت کند که اهل دنیا نتوانند کردن و نشاط و خرمی در باطن خود داند و هر مغموم که با صاحب دعوت ملاقات کند مفروح و شادمان شود.

۷۸۶

ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
س	۶۰	آبی	۴
ط	۹	آتشی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۷	قدوس	پادشاه پاک	۱۷۰	جمالی	۱۲ روز	دوشنبه	روز اول ۱۴۱۶۶ روز آخر ۱۴۱۷۲	۱۷۰/۰۰۰
حرارت ۶ برودت ۱۴ رطوبت ۱۳ یبوست ۷ نتیجه ب ۸ / ر ۶ عنصر آبی								

قاعده چهارم: اگر عدد نصاب تقسیم بر تعداد روز کسر آورد، باید باقیمانده در روز آخر خوانده شود. قدوس: یعنی پاک از همه عیب‌ها و نقصان‌ها. پاکیزگی ذات باری تعالی و هیچگونه عیب و نقصی در وجود او راه ندارد منزّه است از هر وصفی، که انسان‌ها از اوصاف کمال درباره پروردگار گفته‌اند. دعوت این اسماء انسان را از شر نفس و وسوسه شیطان امان یابد بزرگان فرمودند که باطن را پاک و مُصَفّی گرداند، از کدورت قلب و نفاق، و دعوت کننده از بیماری ظاهر و باطنی صحت یابد.

۷۸۶

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
د	۴	خاکی	۷
و	۶	بادی	۶
س	۶۰	آبی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۸	العفو	معاف کننده گناه	۱۵۶	جمالی	۸ روز	دوشنبه	۱۹۵۰۰	۱۵۶/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۴ رطوبت ۶ یبوست ۷ نتیجه ح ۵ / ی ۱ عنصر آتشی								

عفو: یعنی خدا گرداننده کردار مخلوقات است.
عفو به معنای محو و گذشت نمودن است - خداوند متعال از بسیاری لغزش های بندگان
صرف نظر می کند.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسانیست که گناه بسیار نموده باشند
به دعوت این نام قیام نمایند.

۷۸۶

ال	ع	ف	و
ف	و	ال	ع
و	ف	ع	ال
ع	ال	و	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
ف	۸۰	آتشی	۳
و	۶	بادی	۶

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۲۹	المقتدر	توانا و تقدیر کننده	۷۴۴	جمالی	۱۳ روز	دوشنبه	۵۷۲۳۰ ۵۷۲۴۰	۷۴۴/۰۰۰
حرارت ۶ برودت ۱۳ رطوبت ۵ یبوست ۱۴ نتیجه ب ۷ / ی ۹ عنصر خاکی								

مقتدر: یعنی خدای توانا بر آوردن و بر دل همه چیز از مرتبه اسفل به اعلی درجه و از کمال درجه اعلی باز برنده به اسفل.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که دنبال جاه و منصب و قدرتند - و دیگر شکست و خواری و کسر اعداد و عزل ایشان از اعلی درجه با اسفل هر که خواهد از اینرو مقصود یکی یا هر دو برآید بر دعوت این اسم باید قیام نماید.

۷۸۶

م	ق	ت	د	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ق	۱۰۰	آبی	۳
ت	۴۰۰	بادی	۲
د	۴	خاکی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پداپجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۰	الاؤل	آنکه همیشه بوده	۳۷	مشترک	۹ روز	دوشنبه	۴۱۱۱ ۴۱۱۲	۳۷/۰۰۰
حرارت ۱۳ پروت ۵ رطوبت ۶ پیوست ۱۲ نتیجه ح ۸ / ی ۶ عنصر آتشی								

اؤل: یعنی خدا همیشه بود بی کمال بدایت.
 اؤل یعنی هر چیزی که فرض شود اؤل باشد، خدا قبل از آن چیز بوده پس او نسبت به تمام ما سوای خود اؤل است.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که بفراق غایبی گرفتار شده باشند.

۷۸۶

ا	لا	و	ل
و	ل	ا	لا
ل	و	لا	ا
لا	ا	ل	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ا	۱	آتشی	۷
و	۶	بادی	۶
ل	۳۰	خاکی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۱	المقدم	همیشه هست	۱۸۴	مشترک	۱۲ روز	دوشنبه	۱۵۳۳۲ ۱۵۳۳۷	۱۸۴/۰۰۰
حرارت ۸ برودت ۱۰ رطوبت ۳ یبوست ۱۵ نتیجه ب ۲ / ی ۱۲ عنصر خاکی								

مقدم: یعنی پیش آورنده نیکی و بدی و بهره سزاوار باشد.
بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که ایشانرا قبض و بسط باشد و کار ایشان در هیچ امر از پیش نمی رود، باید به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

م	د	ق	م
ق	م	م	د
م	ق	د	م
د	م	م	ق

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ق	۱۰۰	آبی	۳
د	۴	خاکی	۷
م	۴۰	آتش	۴

د	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳۲	البدیع	آفریننده نادر	۸۶	مشترک	۱۰ روز	دوشنبه	۸۶۰۰	۸۶/۰۰۰
حرارت ۱۲		برودت ۱۱	رطوبت ۱۲	یُبوست ۱۱	نتیجه ح ۱ / ر ۱		عنصر بادی	

بدیع: یعنی نو آفریننده هر چیزی.

بدیع یعنی مبدأ و پدید آورنده تمام اقسام موجودات و هیچ موجودی از حیطه قدرت او خارج نیست.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که هر که را اندوهی یا غمی پیش آید و در آن مضطرب گردد و راه نجات را نداند و کار او فرو بسته باشد خواهد که آن امر به اقدام رسد به دعوت این اسم قیام نماید. تا حضرت بدیع علی الاطلاق او را از بی نظیران گرداند.

۷۸۶

ب	د	ی	ع
ی	ع	ب	د
ع	ی	د	ب
د	ب	ع	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
د	۴	خاکی	۷
ی	۱۰	بادی	۵
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ایچد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳۲	الجامع	فراهم کننده	۱۱۴	مشترک	۱۲ روز	دوشنبه	۹۵۰۰	۱۱۴/۰۰۰
حرارت ۱۱ پروت ۷ رطوبت ۷ پیوست ۱۵ نتیجه ی ۸ عنصر آتشی								

جامع: یعنی جمع دارنده چیزهای پراکنده و پریشان بقدرت و رحمت خویش.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که پریشان و مفلس باشند
و ایشان را آرزوی غنا باشد.

۷۸۶

ع	م	ا	ج
ا	ج	ع	م
ج	ا	م	ع
م	ع	ج	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ج	۳	آبی	۷
ا	۱	آتشی	۷
م	۴۰	آتشی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد تصاب
۳۴	القیوم	پاینده همیشه	۱۵۶	جلالی	۱۱ روز	دوشنبه	۱۲۱۸۱ ۱۴۱۹۰	۱۵۶/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۳ رطوبت ۱۴ پیوست ۴ نتیجه ح ۱۲ / ر ۱۰ عنصر بادی								

قیوم: یعنی خدا قایم و پاینده و همیشه بی زوال که ذات او قایم بخیرش است نه بواسطه بر پا دارنده و حافظ تمام موجودات.

بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب طالبان جاه و عزت و جویندگان رزق بسیار است، خلایق مطیع گردند، و از حکم و فرمان او سر نتوانند بپیچانند.

۷۸۶

ق	ی	و	م
و	م	ق	ی
م	و	ی	ق
ی	ق	م	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
و	۶	بادی	۶
م	۴۰	آتش	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۵	مالک الملک	مالک تمام خلق	۲۱۲	جلالی	۲۱ روز	دوشنبه	۷۸۵۱ ۷۸۷۴	۲۱۲/۰۰۰
حرارت ۱۵ برودت ۲۰ رطوبت ۱۰ یبوست ۲۵ نتیجه ب ۵/ ۱۵ عنصر خاکی								

مالک الملک: یعنی پادشاه پادشاهان و شکننده‌ی گردن هر جبار و متکبر و موصوف به نیکوداشت هر شکسته دل بیچاره‌ی عاجز.
اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند دعوت این نام مناسب کسانیست که دنبال منصب و بزرگی و بر حسب دنیا توانگر می‌شوند.

۷۸۶

مالک	م	ل	ک
ل	ک	مالک	م
ک	ل	م	مالک
م	مالک	ک	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ا	۱	آتش	۷
ل	۳۰	خاکی	۵
ک	۲۰	آبی	۵
م	۴۰	آتش	۴
ل	۳۰	خاکی	۵
ک	۲۰	آبی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدداسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۳۶	العلیم	دانا به همه چیز	۱۵۰	جمالی	۱۱ روز	سه شنبه	۱۳۶۳۶	۱۵۰/۰۰۰
							۱۳۶۴۰	
حرارت ۹		پرودت ۹	رطوبت ۵	پیوست ۱۳	نتیجه ی ۸	عنصر خاکی		

علیم: یعنی خدای دانا در ازل بر همه بودنیا از نیک و بد تا ابد - به معنای علم سرشار و فراوان است - احاطه علمی او به تمام موجودات قبل از وجود آنها و بعد از وجود آنها و در هنگام وجود آنها می باشد.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب صاحب علم لدنی و عالم بر علوم عالم گردد.

صفای باطن و ظاهر او حاصل شود و خداوند معرفت کرامت فرماید و دانا شود بر اسرارها.

۷۸۶

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۳۷	اللطیف	پاکیزه و مهربان	۱۲۹	جمالی	۹ روز	سه شنبه	۱۴۳۳۳ ۱۴۳۳۶	۱۲۹/۰۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۵ رطوبت ۵ یبوست ۱۳ نتیجه ب ۲ / ی ۸ عنصر آتشی								

لطیف: یعنی خداوند رساننده نیکوئیا و نعمت‌های پوشیده و پنهان بر بندگان باسانی - لطیف است زیرا حواس را قدرت درک او نیست.

هیچ چشمی او را نمی‌بیند و درک نمی‌کند - به دقایق امور عالم و آگاه در کار خود حاذق و ماهر است - بر بندگان از راه‌های مخفی که ملتفت نمی‌شوند و نیز به معنی هدایت‌های مخفی آمده است. دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب کشف احوال و ظاهر شدن حقایق و سر حکمت و قدرت و انواع علوم و خواص اشیاء هستند - صفای باطن و تسخیر قلوب و وسعت رزق و فتح کارها و مقهور شدن اعداء و سایر مطالب خواص بسیار دارد.

۷۸۶

ل	ط	ی	ف
ی	ف	ل	ط
ف	ی	ط	ل
ط	ل	ف	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ل	۳۰	خاکی	۵
ط	۹	آتشی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
ف	۸۰	آتش	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر هر روز	حد تصاب
۳۸	العزيز	عزت دهنده	۹۴	جمالی	۹ روز	سه شنبه	روز اول ۱۰۴۴۴ روز آخر ۱۰۴۴۸	۹۴/۰۰۰
حرارت ۵ برودت ۱۶ رطوبت ۱۷ پیوست ۴ نتیجه پ ۱۱ / ر ۱۳ عنصر آبی								

عزیز: یعنی ارجمند و بزرگوار و منزّه از سود و زیان و کفر و ایمان، عزیز یعنی عزت داشتن، عزت عبارت از آن حالتی است که انسان را مانع می‌شود، که تن به ظلم بدهد و مغلوب قرار گیرد. خدای بزرگی که همه عزت و قدرت را در اختیار دارد و همه موجودات برای کسب عزت پایدار، محتاج اویند. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند دعوت این اسم میان مردم عزیز و مکرم گردد. دعوت مناسب کسانیست که در میان خلق عزت و حرمت خواهند و دولت و حکومت و بزرگی خواهند، در نظر خلق عزیز گردد و با عزت و حرمت بود و مقبول القول گردد و تمام دشمنان او دوست گردند، دعوتی بسیار والا می‌باشد.

۷۸۶

ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
ز	۷	آبی	۶
ی	۱۰	بادی	۵
ز	۷	آبی	۶

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به‌ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب						
۳۹	المؤمن	ایمن کننده	۱۳۶	جمالی	۱۲ روز	سه‌شنبه	روز اول ۱۱۳۳۳ روز آخر ۱۱۳۳۷	۱۳۶/۰۰۰						
<table><tr><td>حرارت ۱۸</td><td>برودت ۰</td><td>رطوبت ۱۰</td><td>پیوست ۸</td><td>نتیجه ح ۱۸ / ۲ ر</td><td>عنصر بادی</td></tr></table>									حرارت ۱۸	برودت ۰	رطوبت ۱۰	پیوست ۸	نتیجه ح ۱۸ / ۲ ر	عنصر بادی
حرارت ۱۸	برودت ۰	رطوبت ۱۰	پیوست ۸	نتیجه ح ۱۸ / ۲ ر	عنصر بادی									

مؤمن: یعنی راست کننده وعده‌های خویش. مصدق و تصدیق کننده و اگر بعضی از بندگان خدا را مؤمن می‌گویند زیرا که توحید، نبوت و امامت و معاد را تصدیق کرده‌اند و خداوند تبارک و تعالی مؤمن است چون که مصدق و تصدیق کننده تمامی وعده‌ها درباره بندگان خویش است. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند، دعوت این اسماء از مکر و وسوسه ظاهر و باطنی محفوظ دارد و خصم بر او قادر نباشد و از مکر مکاران و غم غمازان و طعن بدخواهان، بر خصم غالب آید و در نظر مردم با هیبت نماید و ظاهر و باطن او را حق تعالی محفوظ دارد.

۷۸۶

م	و	م	ن
م	ن	م	و
ن	م	و	م
و	م	ن	م

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
و	۶	بادی	۶
م	۴۰	آتشی	۴
ن	۵۰	بادی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشرقی	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۰	المعطی	عطا کننده	۱۲۹	جمالی	۱۰ روز	سه شنبه	۱۲۹۰۰	۱۲۹/۰۰۰
حرارت ۱۴		برودت ۴	رطوبت ۵	یُبوست ۱۳	نتیجه ح ۱۰ / ی ۸	عنصر آتشی		

معطی: یعنی دهنده مصالح معاش هر چه خواهد بر بندگان.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که محتاج و نیازمندند و
 پس از قیام بر این اسم از خلق بی نیاز گردند.

۷۸۶

م	ع	ط	ی
ط	ی	م	ع
ی	ط	ع	م
ع	م	ی	ط

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴
ط	۹	آتشی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشرقی	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۱	التواب	قبول کننده توبه	۴۰۹	جمالی	۱۰ روز	سه شنبه	۴۰۹۰۰	۴۰۹/۰۰۰
حرارت ۲۲ برودت ۰ رطوبت ۱۵ یبوست ۷ نتیجه ح ۲۲ / ۸ ر عنصر بادی								

تواب: یعنی خدای توبه دهنده توبه پذیرنده است.

تواب مبالغه در قبول توبه است وقتی عبد از اعمال زشت و گناهان خود پشیمان گشت و به درگاه خداوند متعال توبه نمود. توبه او را می پذیرد.

بزرگان اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که قصد به توبه دارند. یا اگر کسی سودا و خیالات فاسد و وسوسه شیطان و در عبادات دل خود را حاضر نتواند کرد به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

ت	و	ا	ب
ا	ب	ت	و
ب	ا	و	ت
و	ت	ب	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ت	۴۰۰	بادی	۲
و	۶	بادی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ب	۲	بادی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حدنصاب
۴۲	الوکیل	کاردان و نگهبان	۶۶	جمالی	۱۱ روز	سه شنبه	۶۰۰۰	۶۶/۰۰۰
حرارت ۱۱ برودت ۱۰ رطوبت ۱۶ یبوست ۵ نتیجه ح ۱ / ر ۱۱ عنصر بادی								

وکیل: خدا پیش بنده آنچیزی که بدو تعویض است وکیل گذاشته است، بندگان متوکل را متولی امر و قائم به حفظ آن - پناه دهنده و حافظ و نگهدار ما، این معنا خاص ذات اقدس الله است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسانیست که ناسپاسی و وسوسه بر ایشان غالب باشد و در طلب رزق مضطرب باشند و علی الدوام در تکاپوی روزی سرگشته‌اند.

خدای تعالی او را از آن وسوسه نجات بخشد.

۷۸۶

و	ک	ی	ل
ی	ل	و	ک
ل	ی	ک	و
ک	و	ل	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ک	۲۰	آبی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
ل	۳۰	خاکی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۳	الرشید	راست و تقدیر و درست	۵۱۴	مشترک	۱۰ روز	سه شنبه	۵۱۴۰۰	۵۱۴/۰۰۰
حرارت ۷ برودت ۱۰ رطوبت ۵ پیوست ۱۲ نتیجه ب ۳ / ی ۷ عنصر خاکی								

رشید: یعنی خدای صواب کار بر راه راست.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب راه راست باشد
و کسانی که سر رشته تدبیر گم کردند و ندانند که احوالشان چگونه خواهد بود، باید که
دعوت این اسم کنند.

۷۸۶

ر	ش	ی	د
ی	د	ر	ش
د	ی	ش	ر
ش	ر	د	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ش	۳۰۰	آتشی	۲
ی	۱۰	بادی	۵
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حذ تصاب
۴۴	الباری	آفریدگار مطلق	۲۱۳	مشترک	۹ روز	سه شنبه	۲۳۶۶۶	۲۱۳۰۰۰
							۲۳۶۷۲	
حرارت ۱۹ برودت ۳ رطوبت ۱۲ پیوست ۱۰ نتیجه ح ۱۶ / ر ۲ عنصر بادی								

باری: یعنی آفریننده هر چیزی بصفتی و خاصیتی
باری به معنای همان کسی است که اشیائی که پدید آورده از یکدیگر ممتازند.
اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند دعوت این اسم مناسب کسانیست که محتاج باشند به
مریی و مرشدی که راه نماید ایشان را و او طالب حقیقت باشند.
لطف خدای تعالی در دنیا و آخرت هم قرین او باشد و رفیق روزگار او گردد و در قبر
مونس، و در حشر مدد او باشد.

۷۸۶

ب	ا	ر	ی
ر	ی	ب	ا
ی	ر	ا	ب
ا	ب	ر	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۵	الغنی	بی نیاز	۱۰۶۰	مشترک	۸ روز	سه شنبه	۱۳۲۵۰۰	۱/۰۶۰/۰۰۰
حرارت ۹	برودت ۱	رطوبت ۹	یُبوست ۱	نتیجه ح ۸ ر / ۸	عنصر بادی			

غنی: یعنی خدا بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال.

غنی یعنی بی نیاز مطلق.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که نیازمند توانگری و ثروتمند شدن را می خواهند. و می خواهند که به ثروت فراوان رسند باید به قیام این دعوت برخیزند.

۷۸۶

ال	غ	ن	ی
ن	ی	ال	غ
ی	ن	غ	ال
غ	ال	ی	ن

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
غ	۱۰۰۰	خاکی	۱
ن	۵۰	بادی	۴
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۶	الآخر	آنکه همیشه باشد	۸۰۱	مشترک	۷ روز	سه شنبه	۱۱۴۴۲۸ ۱۱۴۴۳۲	۸۰۱/۰۰۰
حرارت ۷ برودت ۵ رطوبت ۰ یبوست ۱۲ نتیجه ح ۲/ ی ۱۲ عنصر آتشی								

آخر: یعنی خدا همیشه باشد بی وهم زوال.
 آخر یعنی چیزی که ما آفرینش فرض کنیم، خداوند تبارک و تعالی بعد از آن هم خواهد بود.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در دنیا از خاتمه کار می ترسند. به دعوت این اسم قیام نمایند تا حضرت حق ختم کارش بسعادت ایمان گرداند و در همه حال صفای باطن و خوشحال و دائم دل او خرم باشد، با ایمان و معرفت کامل و دائم متوجه آستانه کبریا بود و او را رضوان اکبر نصیب گردد.

۷۸۶

ر	خ	ا	یا
ا	یا	ر	خ
یا	ا	خ	ر
خ	ر	یا	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ا	۱	آتشی	۷
خ	۶۰۰	خاکی	۲
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۴۷	الحسیب	حساب کننده	۸۰	مشترک	۹ روز	سه شنبه	۸۸۸۸ ۸۸۹۶	۸۰/۰۰۰
حرارت ۱۲ پرودت ۱۰ رطوبت ۱۶ پیوست ۶ نتیجه ح ۲/ ۱۰ ر عنصر بادی								

حسیب: یعنی خدای پسندیده است خلاق را در قضا کردن حاجات و دفع بلیات - کفایت کننده - عالم و کسی که چیزی بر او مخفی و پوشیده نیست. بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت دفع دشمن قوی و از شر دشمنان و بیم دزدان و از چشم زخم و بلای سفر، ترس از سلاطین، دعوت این اسم، مال و فرزندان او از جمله نکبات و آفات لیل و نهار ایمن باشند.

۷۸۶

ح	س	ی	ب
ی	ب	ح	س
ب	ی	س	ح
س	ح	ب	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
س	۶۰	آبی	۴
ی	۱۰	بادی	۵
ب	۲	بادی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۲۸	الحق	گواه راست	۱۰۸	مشترک	۵ روز	سه شنبه	۲۱۶۰۰	۱۰۸/۰۰۰
حرارت ۰	برودت ۹	رطوبت ۳	پیوست ۶	نتیجه ب ۹/۳	عنصر خاکی			

حق: یعنی خدا هست و هستی او بدرستی و سزاوار بخدائی است، یعنی ثابت و دائم به ذات خود، خدا مطلق است زیرا در برابر او هرچه تصور شود عدم مطلق می باشد. بزرگان و اهل تحقیق گویند: کسی که دعوت این نام نماید، به تجلی نور حق رسد. حضرت حق به او دیدی دهد که به هرچه مشاهده کند حق بیند دل او را نورانی و بصفای باطن و جلای قلبی دست یابد و بجایی رسد که ضمیر الناس بر وی مکشوف گردد.

۷۸۶

ق	ح	ا	ی
ا	ی	ق	ح
ی	ا	ح	ق
ح	ق	ی	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ق	۱۰۰	آبی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشتک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۴۹	المتین	توانا	۵۰۰	جلالی	۱۰ روز	سه شنبه	۵۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰
حرارت ۱۵								
برودت ۰		رطوبت ۱۱		پیوست ۴		نتیجه ح ۱۵ / ر ۷		عنصر بادی

هتین: یعنی خدا استوار کار - توانا، است.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: این اسم مناسب کسانی است که در توکل استوار نباشند.

جهت اداء قرض و رزق و ادامه کار - هر کسی در انجام برنامه های ختم و دعوت نااستوار یا سست باشد و تبلی و کاهلی کند به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

م	ت	ی	ن
ی	ت	م	ت
ن	ی	ت	م
ت	م	ن	ی

حروف	عدد	عنصر	درج شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ت	۴۰۰	بادی	۲
ی	۱۰	بادی	۵
ن	۵۰	بادی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ایجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۰	الجلیل	بزرگوار بزرگان	۷۳	جلالی	۱۱ روز	سه شنبه	۶۶۳۶ ۶۶۴۰	۷۳/۰۰۰
حرارت ۵ پروت ۱۷ رطوبت ۱۲ پیوست ۱۰ نتیجه ب ۱۲ / ر ۲ عنصر آبی								

جلیل: یعنی خداوند بزرگوار بذات و جمیع صفات - عظیم - سید - مولا خلاصه کسی که جامع صفات کمال مثل غنا، و سلطنت و قدرت و عزت است و دور از هرگونه نقص و خطا است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای بزرگی و حشمت و طلب جاه میان خلائق و تقرب نزد سلاطین و هیبتی باشد از او در دل خلائق و اعداء و همچنین کسانی که سرور و بزرگ گشته باشند در میان خلائق و خواهند که همچنان بمانند.

۷۸۶

ج	ل	ی	ل
ی	ل	ج	ل
ل	ی	ل	ج
ل	ج	ل	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ج	۳	آبی	۷
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
ل	۳۰	خاکی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۵۱	الخالق	هست کننده	۷۳۱	جلالی	۱۱ روز	سه شنبه	۶۶۴۵۴	۷۳۱/۰۰۰
							۶۶۴۶۰	
حرارت ۷ برودت ۱۰ رطوبت ۳ پیوست ۱۴ نتیجه پ ۳ / ی ۱۱ عنصر خاکی								

خالق: یعنی آفریدگار هر چیزی، و هر مقداری و اندازه‌ای که شاید، اصل خلق به معنای تقدیر و اندازه‌گیری است، ولی در مورد ابداع و ایجاد اشیاء نیز استعمال شده است. اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: هر که صنعتی یا کار نازکی با خط می‌نویسد و از خلل آن متوهم است یا کاری که تعلق به سلاطین و بزرگان دارد و از فساد آن می‌ترسد به دعوت این اسم عمل نماید حق تعالی ظاهر و باطن او را بنور عنایت خود منور گرداند و او را از جمله مقبولان درگاه خویش گرداند و مخلوقات او را دوست دارند. باطن صافی و دل خرم و بسیار از مشکلات بدست او آسان گردد به هرکاری که روی آورد از دست او برآید.

۷۸۶

خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا
ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
خ	۶۰۰	خاکی	۲
ا	۱	آتشی	۷
ل	۳۰	خاکی	۵
ق	۱۰۰	آبی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۲	الجبار	زور کننده	۲۰۶	جلالی	۱۰ روز	سه شنبه	روز اول ۲۰۶۰۰ روز آخر ۲۹۴۳۲	۲۰۶۰۰۰
حرارت ۱۴		برودت ۱۰	رطوبت ۱۴	یُبوست ۱۰	نتیجه ح ۴ / ر ۴		عنصر بادی	

جبار: یعنی دارنده خلقان بدان، برای جبار سه معنی نقل شده: ۱- قاهر، ۲- عالی، ۳- جبران کننده. قاهر یعنی ذات اقدس حق صاحب بزرگی و جبروت - عالی یعنی فوق مخلوقات - جبران کننده است و فقر و حاجات بندگان خویش را با اسباب و وسایل که خود در اختیار دارد. بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب حال اکابر و اشرافست تا مملکت برایشان قرار گیرد. و هر که از هر کس ترسد، دعوت این اسم نماید هیچ دشمن روی بوی نتواند کند در چشم خلایق با هیبت باشد از شر شیطان ایمن بود، از شر جن و جباران ایمن باشد از مودّت ایشان ضرری به وی نرسد.

۷۸۶

ج	ب	ا	ر
ا	ر	ج	ب
ر	ا	ب	ج
ب	ج	ر	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ج	۳	آبی	۷
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۳	الصَّبُور	جلدی نکننده بعذاب	۲۹۸	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۹۸۰۰	۲۹۸/۰۰۰
حرارت ۱۶ پرودت ۳ رطوبت ۱۶ یبوست ۳ نتیجه ح ۱۳ / ر ۱۳ عنصر بادی								

صبور: یعنی صبر کننده بر مکافات و عقوبات گنه کاران و عذاب فرستادن بر کافران.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که صبر نداشته باشند در بلا
 و سختی و شدت.

۷۸۶

ص	ب	و	ر
و	ر	ص	ب
ر	و	ب	ص
ب	ص	ر	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ص	۹۰	بادی	۳
ب	۲	بادی	۷
و	۶	بادی	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء الحسنی	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب						
۵۲	رحمن	بخشاینده	۲۹۸	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۹۸۰۰	۲۸۹۰۰۰						
<table><tr><td>حرارت ۸</td><td>برودت ۹</td><td>رطوبت ۴</td><td>پیوست ۱۲</td><td>نتیجه ب ۱ / ی ۹</td><td>عنصر خاکی</td></tr></table>									حرارت ۸	برودت ۹	رطوبت ۴	پیوست ۱۲	نتیجه ب ۱ / ی ۹	عنصر خاکی
حرارت ۸	برودت ۹	رطوبت ۴	پیوست ۱۲	نتیجه ب ۱ / ی ۹	عنصر خاکی									

الرحمن: بخشاینده جمیع مخلوقات، اهل تحقیق گفته‌اند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که صاحب کرم باشند و از ایشان نفع به کسان رسد. مداومت به این اسم دل را پاک گرداند از ظلمت و غفلت و دیگر اینکه حکمت هر چیز بداند و خواص اشیاء بروی ظاهر گردد.

۷۸۶

ر	ح	م	ن
ح	ن	ر	ح
ن	م	ح	ر
ح	ر	ن	م

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ح	۸	خاکی	۶
م	۴۰	آتشی	۴
ن	۵۰	بادی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۵	الحفیظ	نگاهدارنده	۹۹۸	جمالی	۸ روز	چهارشنبه	۱۲۴۲۵۰	۹۹۸/۰۰۰
حرارت ۸ پروت ۷ رطوبت ۶ پیوست ۹ نتیجه ح ۱ / ی ۳ عنصر آتشی								

حفیظ: یعنی نگاه‌دارنده هر چیزی از آنچه آفت او بود - حفیظ صیغه مبالغه حافظ است -
نگاهدارنده - حفاظت کننده.

بزرگان و اهل تحقیق گویند:

دعوت این اسم مناسب بجای آورد از جمله آفات و بلیات و شر دشمنان و حاسدان و
مکاران و قهر سلطان و کید زنان و سحر ساحران و بیماریهای کران و شر شیطان و آفات آخر
زمان، محفوظ ماند و پیوسته در کف عنایت و حرز حمایت حق تعالی باشد و باطن او را
جمعیت خاطر بود.

۷۸۶

ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ف	۸۰	آتشی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
ظ	۹۰۰	آبی	۱

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حدنصاب
۵۶	المقیّت	توانا و قوت دهنده	۵۵۰	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۵۵/۰۰۰	۵۵۰/۰۰۰
حرارت ۱۱ برودت ۳ رطوبت ۱۰ یبوست ۴ نتیجه ح ۸ / ر ۶ عنصر بادی								

مقیّت: یعنی خدای توانا بر نگاه داشتن هر چیزی و هرکاری بقدر و مقدار آن - خالق قوت‌ها و روزی‌ها و خوراکی‌ها و اوست که این مواد غذایی را به بدن‌ها می‌رساند و معارف را بر قلب‌ها وارد می‌سازد.

اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند: مناسب کسان نیست که دنبال آنند که می‌خواهند نفس را مطیع نمایند، دعوت کننده بر نفس اماره غلبه کند و حضرت حق نفس او را مطیع او گرداند و قوتی کرامت کند که تواند با اژدهای هفت سر به هزار وجه مجادله کرده او را مسخر گرداند. هر که خواهد نفس خود را با تشنگی و گرسنگی معذب گرداند و بر آن قادر نباشد و به سلوک طاقت ندارد و صبور نمی‌باشد این اسم را دعوت نماید.

۷۸۶

م	ق	ی	ت
ی	ت	م	ق
ت	ی	ق	م
ق	م	ت	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ق	۱۰۰	آبی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
ت	۴۰۰	بادی	۲

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۷	الکریم	گرامی	۲۷۰	جمالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۲۷۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰
حرارت ۹	برودت ۸	رطوبت ۱۰	یُبوست ۷	نتیجه ح ۱ / ر ۳	عنصر بادی			

کریم: یعنی خدا پاک است و صفت نیکو دارد و درگذرنده جرم و تقصیر از بندگان گناه کار پریشان روزگار - کثیر الخیر و دائم النفع جواد و بسیار بخشش کننده و نعمت دهنده - عزیز و ارجمند و عالی مقدار.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت مقاصد دنیا و آخرت او کفایت فرماید. درویشی و نداری از میان بردارد، مفتاح رزق بوده و روزی او به جایی برسد که گمان ندارد.

۷۸۶

ک	ر	ی	م
ی	م	ک	ر
م	ی	ر	ک
ر	ک	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ک	۲۰	آبی	۵
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۸	الرقیب	نگهبان مطلق	۳۱۲	جمالی	۹ روز	چهارشنبه	۳۴۶۶۶ ۳۴۶۷۲	۳۱۲/۰۰۰
حرارت ۱۲ پرودت ۶ رطوبت ۱۵ پیوست ۳ نتیجه ح ۶ / ر ۱۲ عنصر بادی								

رقیب: یعنی نگاه دارنده همه کس و همه چیز در همه حال - صاحب اختیار و حافظی که چیزی از او مخفی و غایب نیست - مراقب همه چیز

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم را چنان شود که دل او را ناظر بملک ملکوت گرداند - هر که دشمن قوی داشته باشد از اثر او ایمن شود اگر به نیت اهل و فرزندان و نفس و مال و عیال از آنچه می ترسد ایمن گردد و از آفات و بلیات سالم ماند.

۷۸۶

ر	ق	ی	ب
ی	ب	ر	ق
ب	ی	ق	ر
ق	ر	ب	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ق	۱۰۰	آبی	۳
ی	۱۰	بادی	۵
ب	۲	بادی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷	المنتقم	نعمت دهنده بندگان	۶۳۰	مشترک	۱۴ روز	چهارشنبه	۲۵۰۰۰ ۱۴۲۹۵	۶۳۰/۰۰۰
حرارت ۱۴ برودت ۳ رطوبت ۹ یبوست ۸ نتیجه ح ۱۱ / ر ۱ عنصر آتش								

منتقم: یعنی خدای تعالی انتقام کشنده است، از بندگان بدکار چنانچه حق اوست.
 بزرگان و اهل تحقیق می گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که از ظالمان انتقام
 خواهند.

۷۸۶

م	ق	ت	ن	م
ق	م	م	ن	ت
ن	ت	ق	م	م
م	م	ن	ت	ق
ت	ق	م	م	ن

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ن	۵۰	بادی	۴
ت	۴۰۰	بادی	۲
ق	۱۰۰	آبی	۳
م	۴۰	آتش	۴

د	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۵۹	الواسع	بسیار عطا کننده	۱۳۷	جمالی	۱۲ روز	چهارشنبه	۱۱۴۱۶ ۱۱۴۲۴	۱۳۷/۰۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۸ رطوبت ۱۰ یبوست ۱۱ نتیجه ح ۵ / ی ۱ عنصر آتشی								

واسع: یعنی خدا گشاده است فضل و رحمت او و قهر و عدل او، بی نیازی که فقر و احتیاج بندگان خود را برطرف می نماید و روزی خلق را وسیع می گرداند.

اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند. دعوت این نام مناسب کسانیست که معیشت تنگ بوده و بر سختی گذرانند، دعوت کننده روزی او فراخ گردد و باسانی و سهولت با و رسانند.

علو مرتبه و منزلت عالی در هر امر که خواهد و وسعت رزق و رفعت و جاه مناسب و احوال عجیب و حالات غریب یابد.

۷۸۶

و	ا	س	ع
س	ع	و	ا
ع	س	ا	و
ا	و	ع	س

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ا	۱	آتشی	۷
س	۶۰	آبی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۰	الولی	یار نیکوکاران	۴۶	جمالی	۸ روز	چهارشنبه	۵۷۵۰	۴۶/۰۰۰
حرارت ۱۱		برودت ۵	رطوبت ۱۱	یُبوست ۵	نتیجه ح ۶ / ر ۶		عنصر بادی	

ولی: یعنی خدا نیکو دارنده دوستان و بندگان پاکیزه اعتقاد، و به معنی دیگر خدا دوست دارنده دوستان - صاحب تمام بندگان است.
 اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند: این اسم مناسب کسانی است که چشم از زنان نگاه توأند داشت.
 تسخیر قلوب خوانین در این اسم می باشد.

۷۸۶

یا	و	ل	ی
ل	ی	یا	و
ی	ل	و	یا
و	یا	ی	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ل	۲۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی روشن کننده	عدد اسم په ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۱	النور	روشن کننده	۲۵۶	مشترک	۸ روز	چهارشنبه	۳۲۰۰۰	۲۵۶/۰۰۰
حرارت ۱۰		برودت ۳	رطوبت ۱۰	یبوست ۳	نتیجه ح ۷/۷		عنصر بادی	

نور: یعنی خداوند پیدا و روشن کننده هستی، به نشانه‌های ظاهر و بردارنده حجابها از دل‌های بندگان آن را که خواهد.

نور عبارت است از آن روشنایی که منتشر می شود و به دیدن کمک می کند.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در پی نور باطن و دیده دل به نور الهی می باشند.

۷۸۶

یا	ن	و	ر
و	ر	یا	ن
ر	و	ن	یا
ن	یا	ر	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ن	۵۰	بادی	۴
و	۶	بادی	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۲	الشهید	زنده کننده مردگان	۳۱۹	مشترک	۱۰ روز	چهارشنبه	۳۱۹۰۰	۳۱۹/۰۰۰
حرارت ۱۳ برودت ۷ رطوبت ۵ پیوست ۱۵ نتیجه ح ۵/ ۱۱ عنصر آتشی								

شهید: یعنی خدای تعالی آگاه و بینا است بر همه چیزهای اندک و بسیار نهان و آشکار - شهید یعنی کسی که هیچ چیزی از او غایب و پنهان نیست و همواره در هر مکان حضور دارد لفظ شهید نافذ از شهود است یعنی حاضر و مشاهده کننده. بزرگان و اهل تحقیق گویند: مناسب کسانیست که دنبال سعادت در آخرت و روز موعود سفید رو حشر کند، و بپاکی وی گواهی دهند.

۷۸۶

ش	ه	ی	د
ی	د	ش	ه
د	ی	ه	ش
ه	ش	د	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ش	۳۰۰	آتشی	۲
ی	۵	آتشی	۶
د	۱۰	بادی	۵
ه	۴	خاکی	۷

د	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۳	العلیم	بردار و تأخیر کننده در عقوبت	۸۸	مشترک	۱۰ روز	چهارشنبه	۸۸۰۰	۸۸/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۱۱ رطوبت ۵ یبوست ۱۵ نتیجه ب ۲ / ی ۱۰ عنصر خاکی								

حَلِیم: یعنی حفظ و کنترل نفس و طبع از طغیان غضب و در بیان دیگر چیزی است که هر چیزی را بدون عجله و شتابزدگی در جای خود انجام دهد و در انتقام از ظالم و گنهکار در عین قدرت آرامش خود را از دست ندهد.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند:

دعوت این اسم مناسب کسانی باشد که خوف از ظالم داشته باشند یا به جور جباری گرفتار شده باشند و دعوت این اسم از کبر و حسد و بخل پاک گردد.
اگر جباران عالم بروی جور و ظلم کند در آن صبر کند و بردباری ورزد.

۷۸۶

ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل
م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۲	المتکبر	صاحب غرور	۶۶۲	جلالی	۱۲ روز	چهارشنبه	۵۵/۱۶۶	۶۶۲/۰۰۰
							۵۵۱۷۴	
حرارت ۱۳ پروت ۸ وطیت ۱۴ پیوست ۷ نتیجه ح ۵ / ر ۷ عنصر بادی								

متکبر: یعنی ظاهر کننده بزرگواری خود به برهان قاطع بر اهل آسمانها و زمین - خداوند متکبر است یعنی همه خلق را در برابر خویش حقیر و کوچک داند و عظمت و کبریایی را جز در ذات خویش نبیند و نظر حضرت باری بر غیر خودش نظر مالک بر عبد است و این نوع تکبر خاص برانده ذات لایزال الهی است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب احوال ملوک و سلاطین و کسانست که طالب حشمت و دوام جاه و دولت و مظفر شدن بر اعدا باشند.

و دعوت کننده پس از ختم، عزیز و مکرم گردد و بطریقی که وصف نتوان کرد.

۷۸۶

ر	ب	ک	ت	م
ک	ت	م	ر	ب
م	ر	ب	ک	ت
ب	ک	ت	م	ر
ت	م	ب	ر	ک

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ت	۴۰۰	بادی	۲
ک	۲۰	آبی	۵
ب	۲	بادی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۵	الخافض	فرورنده	۱۴۸۱	جلالی	۱۰ روز	چهارشنبه	۱۴۸/۱۰۰	۱/۴۸۱/۰۰۰
حرارت ۱۱ پرودت ۲ رطوبت ۱ پیوست ۱۲ نتیجه ح ۹/ ی ۱۱ عنصر آتشی								

خافض: یعنی فرود آورنده آنچه خواهد بعلم قدیم و قدرت بالغه، هر چه در اراده او بوده، این نامیست که حضرت موسی (ع) و ابراهیم (ع) از برکت این اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند.

بزرگان و اهل تحقیق می گویند هر کسی از دشمن قوی و دائم متوهم باشد به دعوت این اسم اقدام نماید. از شر شیطان ایمن گردد. دعوت کننده این اسم در نظر دشمنان مهیب باشد و هیچ دشمنی در مقابل آن نتواند ایستاد، دعوت این اسم در هیچ محل شرمسار و خجل نشود و دائم مظفر و منصور بود، از عمل عزل نگردد. بیشتر این دعوت مال افرادی هستند که پست نظامی دارند.

۷۸۶

خ	ا	ف	ض
ف	ض	خ	ا
ض	ف	ا	خ
ا	خ	ض	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
خ	۶۰۰	خاکی	۲
ا	۱	آتشی	۷
ف	۸۰	آتشی	۳
ض	۸۰۰	بادی	۱

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ایچد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۶	القادر	قدرت کننده و داننده	۳۰۵	جلالی	۱۱ روز	چهارشنبه	۲۷۷۲۷ ۲۷۷۳۰	۳۰۵/۰۰۰
حرارت ۷ پروت ۱۳ رطوبت ۳ پیوست ۱۷ نتیجه ب ۶ / ی ۱۴ عنصر خاکی								

قادر: یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد بی مدد و معاونت دیگری در همه احوال.
بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: هر کسی دعوت این اسم را نماید بر خصمان غالب آید
اگرچه ضعیف بوده باشد.

۷۸۶

ق	ا	د	ر
د	ر	ق	ا
ر	د	ا	ق
ا	ق	ر	د

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
ا	۱	آتش	۷
د	۴	خاکی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۷	الحی	همیشه زنده	۱۸	جلالی	۴ روز	چهارشنبه	۲۵۰۰	۱۸/۰۰۰
حرارت ۵		پرودت ۶	رطوبت ۵	پیوست ۶	نتیجه ب ۱ / ی ۱		عنصر خاکی	

حی: یعنی زنده پابنده از ذات خویش نه از سبب دیگر.
حی کامل آن است که جمیع ادراک مخلوقات تحت احاطه و ادراک اویند و نیز جمیع
موجودات بفعل او حرکت دارند.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب احوال بیمار می باشد جهت شفا.

۷۸۶

ا	ل	ح	ی
ح	ی	ا	ل
ی	ح	ل	ا
ل	ا	ی	ح

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۸	القوی	بخدای و سلطانی درست	۱۱۶	جلالی	۸ روز	چهارشنبه	۱۴۵۰۰	۱۱۶/۰۰۰
حرارت ۱۱ برودت ۳ رطوبت ۱۴ یبوست ۰ نتیجه ح ۸ / ر ۱۴ عنصر بادی								

قوی: یعنی خدا تواناست بر هر چه خواهد - قوی صفتی است که حکایت از غلبه و قدرت بی انتها و عام و تمام حق تعالی می کند.

قدرت در انحصار و اختیار ذات اقدس اوست.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این نام مناسب کسی است که دشمن قوی دارد یا هر که بدست نفس اماره گرفتار بود و وسوسه شیطان دارد بدفع آن به این اسم قیام نماید.

صاحب دعوت از مکاشفات عالم غیب نیز بی نصیب نگردد.

۷۸۶

یا	ق	و	ی
و	ی	یا	ق
ی	و	ق	یا
ق	یا	ی	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
و	۶	بادی	۶
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۶۹	المحیی	زنده کننده	۶۸	جمالی	۹ روز	پنجشنبه	۷۵۵۵ ۷۵۶۰	۶۸/۰۰۰
حرارت ۱۴ برودت ۶ رطوبت ۱۰ یبوست ۱۰ نتیجه حرارت ۸ عنصر بادی								

محیی: یعنی زنده کننده و جان دهنده هر جماد مرده این نامیست که استخوان‌های پوسیده از برکت این نام بهم پیوندند.

اهل تحقیق و بزرگان فرمایند: کسی که به دعوت این نام قیام نماید دل او را زنده گرداند - هر که از رنج صعب ترسد.

دعوت کننده این اسم از جمله آفات ایمن گردد.

۷۸۶

م	ح	ی	ی
ی	ی	م	ح
ی	ی	ح	م
ح	م	ی	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ح	۸	خاکی	۶
ی	۱۰	بادی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۰	السلام	همیشه قائم و بی عیب	۱۳۱	جمالی	۱۲ روز	پنجشنبه	روز اول ۱۰۸۳۲ روز آخر ۱۰۸۴۸	۱۳۰/۰۰۰
حرارت ۱۱ پروت ۹ رطوبت ۴ پیوست ۱۶ نتیجه ح ۲/ ی ۱۲ عنصر آتشی								

سلام: یعنی پاک و بی عیب از نکوهش و نقایص
 خداوند تبارک و تعالی از هر عیب و نقص سالم است و در صفات و افعال او هیچگونه
 شر و نقصی راه ندارد. دعوت این اسماء الحسنی، بزرگان فرمودند که خداوند عالم، دل او را
 از بیماری در امان دارد و در دار السلام در آورد.
 و از هرگونه بیماری لاعلاج در امان ماند و همیشه در صحت و سلامت باشد.
 السلام مصدر برای مبالغه در سلامتی است زیرا هرچیزی توسط پروردگار سلامتی یافته
 و در اوصاف اهل بهشت فرماید.

۷۸۶

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
س	۶۰	آبی	۴
ل	۳۰	خاکی	۵
ا	۱	آتشی	۷
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۱	المهمین	گواه راست	۱۴۵	جمالی	۱۳ روز	پنجشنبه	روز اول ۱۱۱۵۳ روز آخر ۱۱۱۶۴	۱۴۵/۰۰۰
حرارت ۲۳ پرودت ۰ رطوبت ۹ پیوست ۱۴ نتیجه ح ۲۳ / ی ۵ عنصر آتشی								

مهمین: یعنی خدا آگاه است بر جمیع نهانی ها و آشکاراها، شاهد بر خلق و افعال کردار آنها - شاهد بر رزق و زندگی آنها خداوند بر کثرت موجودات و کثرت و ضمیر انسان شاهد است و استیلا دارد، اهل تحقیق گویند: دعوت این اسماء بر باطن ها مشرف گردد و اسرار ظن بداند و بر قلوب خلائق مطلع گردد و باطن او را صفائی پیدا گردد که خود متحیر گردد و صاحب باطن شود و دیگر او را فیوض متواتر گردد که مطلقاً نظر به ظاهر نکند، بعد از اینکه این واقع شود به مقصود برسد.

اهل تحقیق گویند که مستغنی از خلق گردد و لحظه به لحظه

حالت او زیاده شود از برکت و بزرگواری این اسم

۷۸۶

م	ه	ی	م	ن
م	ن	م	ه	ی
ه	ی	م	ن	م
ن	م	ه	ی	م
ی	م	ن	م	ه

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ه	۵	آتشی	۶
ی	۱۰	بادی	۵
ن	۴۰	آتشی	۴
م	۵۰	بادی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۷۲	المعز	عزیزکننده	۱۱۷	جمالی	۸ روز	پنجشنبه	۱۴۶۲۵	۱۱۷/۰۰۰
حرارت ۴		برودت ۱۰	وطریت ۶	پیوست ۸	نتیجه ب ۶ / ی ۲		عنصر خاکی	

معز: یعنی عزت دهنده آنرا که خواهد بعد از خواری، این نامیست که انبیاء و اولیاء از برکت این اسم بر ظالمان ظفر یافته‌اند.

اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خوف و ترس دارند پس از دعوت خوف و ترس از دل او برود. و او را شکوهی و هیبتی در میان خلائق پدید آورد.

صاحب عزت و حرمت و بزرگی باشد در دین و دنیا.
تسخیر قمر در این اسم می‌باشد که در جای خود مربوط به تسخیرات توضیح خواهم داد.

۷۸۶

ز	ع	م	یا
م	یا	ز	ع
یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ع	۷۰	خاکی	۴
ز	۷	آبی	۶

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۳	السمیع	شنونده بهمه حال	۱۸۰	جمالی	۱۱ روز	پنج شنبه	۱۶۳۶۳ ۱۶۳۷۰	۱۸۰/۰۰۰
حرارت ۹	پرودت ۸	رطوبت ۹	پیوست ۸	نتیجه ح ۱ / ر ۱	عنصر بادی			

سمیع: یعنی شنونده هر رازی از پست و بلندی، یعنی به ذات خود درک می نماید، او می شنود تمام صداها را و انواع و اقسام سخنها را، خواه آهسته و نجوا و یا بلند و آشکار یا به صمت و سکوت و از دل بگذرد بر همه چیز مطلع و شنوا است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم کننده، به هیچ بلا و زحمت مبتلا نشود هرگز به هیچ چیز محتاج نگردد و مرادات او را حضرت سمیع بقدرت و کامله کفایت سازد. نزد خلایق مکرم شود بهرکاری که متوجه شود بمقصود رسد و در کار و عمل خود فتح بیند.

۷۸۶

س	م	ی	ع
ی	ع	س	م
ع	ی	م	س
م	س	ع	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
س	۶۰	آبی	۴
م	۴۰	آتشی	۴
ی	۱۰	بادی	۵
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشرقی	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۲	الغفور	آمرزگار	۱۲۸۶	جمالی	۱۰ روز	پنجشنبه	۱۲۸۶۰۰	۱/۲۸۶/۰۰۰
حرارت ۹	برودت ۴	رطوبت ۶	یُبوست ۷	نتیجه ح ۵ / ی ۱	عنصر آتشی			

غفور: یعنی آمرزنده جرم جنایت بسیار از معاصی - زشتی‌ها و اعمال بد بندگان خود را تا مادامی که خودشان قصد افشاء و تظاهر ندارند می‌پوشاند و کسی را بر اسرار آنها آگاه نمی‌گرداند.

بزرگان و اهل تحقیق می‌فرمایند:

هر کس دعوت این اسم نماید، حضرت حق عفو کند گناهان وی را، و دلتنگی یا غمزدگی در حال اندوه او بشادی مبدل گردد.

۷۸۶

ر	و	ف	غ
ف	غ	ر	و
غ	ف	و	ر
و	ر	غ	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
غ	۱۰۰۰	خاکی	۱
ف	۸۰	آتشی	۳
و	۶	بادی	۶
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پداپد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۵	العلی	برتر از همه برتران	۱۱۰	جمالی	۸ روز	پنج شنبه	۱۳۷۵۰	۱۱۰/۰۰۰
حرارت ۵		برودت ۹	رطوبت ۵	پیوست ۹	نتیجه پ ۴ / ی ۴		عنصر خاکی	

علی: یعنی بزرگواری که منزّه است از شرک - پروردگار عالی و بلند مرتبه است و فوق تصور مخلوقین می باشد.

بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این نام جهت بزرگ گشتن و عالی جناب گردیدن و عزیز شدن، و بر دشمن قوی مظفر گردیدن در میان خلق با هیبت تمام بودن است. دارای علم لدنی و علوم غریبه و عجایب و غرایب عالم و خواص اشیاء، هر کس او را بیند اگر روزی دشمن بوده باشد مطیع او گردد و هر که نام او شنود محب او گردد.

۷۸۶

ال	ع	ل	ی
ل	ی	ال	ع
ی	ل	ع	ال
ع	ال	ی	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۶	المتعالی	بزرگ و برتر	۵۵۱	مشترک	۱۶ روز	پنجشنبه	۳۴۴۳۷ ۳۴۴۴۵	۵۵۱/۰۰۰
حرارت ۱۸ برودت ۹ رطوبت ۷ یبوست ۲۰ نتیجه ح ۹ / ی ۱۳ عنصر آتشی								

متعالی: یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش به آیت‌های پیدا.

بزرگان و اهل تحقیق می‌گویند:

دعوت این اسم مناسب کسانیست که در سلوک یا در دنیا خواهند که به درجه کمال
رسند، پس به دعوت این نام قیام نمایند.

۷۸۶

م	ت	ع	ل
ع	ل	ما	ت
ل	ع	ت	م
ت	م	ل	ع

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
ت	۴۰۰	بادی	۲
ع	۷۰	خاکی	۴
ا	۱	آتشی	۷
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم په ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۷	الوالی	پادشاه	۱۰۲۰	مشترک	۱۱ روز	پنجشنبه	۱۰۲۰۰۰ ۱۰۰۵۵۰	۱/۰۲۰/۰۰۰
حرارت ۱۸ پروت ۵ رطوبت ۱۱ پیوست ۱۲ نتیجه ح ۱۳ / ی ۱ عنصر آتشی								

والی: یعنی پادشاه، فرمان روا بر جمیع مخلوقات.
بزرگان و اهل تحقیق می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند به درجه ولایت رسند.
از عزل و تنزل جاه و منصب و غرق و حرق سالم بود در بحر، از آفات و بلیات و نکبات آخر الزمانی محفوظ ماند.

۷۸۶

و	ا	ل	ی
ل	ی	و	ا
ی	ل	ا	و
ا	و	ی	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۶	بادی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ل	۳۰	خاکی	۵
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۷۸	العظیم	غالب بر اشیاء	۱۰۲	مشترک	۱۰ روز	چهارشنبه	۱۰۲۰۰	۱۰۲/۰۰۰
حرارت ۹ پرودت ۵ رطوبت ۶ پیوست ۸ نتیجه ح ۲/۲ ی ۲ عنصر آتشی								

عظیم: یعنی خداوند بزرگ و بزرگواری او زیاده از آنست که وهم و ادراک او را دریابد -
 عظمت و جلال او به قدری است که هیچکس را قدرت احاطه به ذات و اوصاف او نیست -
 هرچیز بزرگی در برابر او کوچک است.
 اهل تحقیق و بزرگان می فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب مرتبه و
 تعظیم و جاه و بزرگی و عظمت باشند یا آنهایی که بدین مراتب رسیده اند خواهند که در آن
 مقیم باشند.

۷۸۶

ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ
م	ی	ظ	ع
ظ	ع	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ع	۷۰	خاکی	۴
ظ	۹۰۰	آبی	۱
ی	۱۰	بادی	۵
م	۲۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب						
۷۹	الواحد	تنها و یکتا	۱۹	مشترک	۱۱ روز	پنج شنبه	۱۷۲۷ ۱۷۳۰	۱۹/۰۰۰						
<table><tr><td>حرارت ۱۳</td><td>برودت ۱۳</td><td>رطوبت ۶</td><td>یُبوست ۲</td><td>نتیجه ی ۱۴</td><td>عنصر خاکی</td></tr></table>									حرارت ۱۳	برودت ۱۳	رطوبت ۶	یُبوست ۲	نتیجه ی ۱۴	عنصر خاکی
حرارت ۱۳	برودت ۱۳	رطوبت ۶	یُبوست ۲	نتیجه ی ۱۴	عنصر خاکی									

واحد: یعنی خدای تعالی یگانه است در صفات الوهیت و پادشاهی خویش.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای اشخاصی است که در تنهایی می ترسند
 یا از وحشت شخصی خایف بوده یا در خلوت متوهم باشند.

۷۸۶

و	ا	ح	د
ح	د	و	ا
د	ح	ا	و
ا	و	د	ح

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ح	۸	خاکی	۶
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۸۰	باعث	برستنده رسولان	۵۷۳	مشترک	۱۰ روز	پنج جمعه	۵۷۳۰۰	۵۷۳/۰۰۰
حرارت ۱۴ برودت ۶ رطوبت ۹ یبوست ۱۱ نتیجه ح ۸ / ی ۲ عنصر آتشی								

باعث: یعنی برانگیزاننده هر نفس و تن مرده و پیداکننده هر چیز زنده - آنکه خداوند تبارک و تعالی خلق را در روز قیامت برای مجازات اعمال و زندگانی پس از برزخ زنده و مبعوث می گرداند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم جهت قبول طاعت و زنده شدن دل مرده او در روز محشر او را سفید روی برانگیزاند. در نظر هیچ کس خجل نشود و بر غفلت هوا و هوس و وسوسه نفس و خیالات فاسد و حرص جمع کردن دنیا و افراط در شهوت حضرت باعث او را یاری فرماید و صفای باطن یابد.

۷۸۶

ب	ا	ع	ث
ث	ع	ا	ب
ا	ب	ق	ع
ع	ث	ب	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
ع	۷۰	خاکی	۴
ث	۵۰۰	آبی	۲

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۱	النافع	سودکننده	۲۰۱	جلالی	۱۱ روز	پنجشنبه	۱۸۲۷۲ ۱۸۲۸۰	۲۰۱/۰۰۰
حرارت ۱۴ برودت ۴ رطوبت ۴ یبوست ۱۴ نتیجه ح ۱۰ / ی ۱۰ عنصر آتشی								

نافع: یعنی رساننده منفعت و شادی چه در صورت خیر یا در وجه شرّ و مکروه.
اهل تحقیق و بزرگان می‌فرمایند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که در عالم از خصم
متوهم باشند.
و کسی که دنبال توانگری باشد باید که به این نام قیام نماید.

۷۸۶

ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ن	۵۰	بادی	۴
ا	۱	آتشی	۷
ف	۸۰	آتشی	۳
ع	۷۰	خاکی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۲	المعید	وعده کننده	۱۲۴	جلالی	۱۱ روز	پنج شنبه	۱۱۲۷۲ ۱۱۲۸۰	۱۲۴/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۱۱ رطوبت ۵ پیوست ۱۵ نتیجه پ ۲ / ی ۱۰ عنصر خاکی								

معید: یعنی خدا باز برنده هر چیز فانی و ناچیز شده، مرده و زنده به اول حال خویش است.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند دعوت این نام مناسب کسانیست که از شقاوت عاقبت
 می ترسند.

۷۸۶

د	ی	ع	م
ع	م	د	ی
م	ع	ی	د
ی	د	م	ع

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ع	۷۰	خاکی	۴
ی	۱۰	بادی	۵
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۳	القهار	غضب کننده	۳۰۶	جلالی	۱۰ روز	پنجشنبه	۳۰/۶۰۰	۳۰۶/۰۰۰
حرارت ۱۳ پروت ۶ رطوبت ۳ پیوست ۱۶ نتیجه ح ۷/ ۱۳ عنصر آتشی								

قهار: یعنی شکننده گردن هر گردن کنشی بانواع رنج و خواری
 اهل تحقیق و بزرگان فرمودند: دعوت این اسم، محبت دنیا از دل بزدايد و غم و رنج و
 زحمت دنیا، از دل وی بردارد و بر نفس خود غالب آید.
 دشمن و خصمان وی مقهور شوند و صفای باطن او را حاصل آید در معنی بر دل او
 گشاده گردد.

۷۸۶

ق	ه	ا	ر
ا	ر	ق	ه
ر	ا	ه	ق
ه	ق	ر	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ق	۱۰۰	آبی	۳
ه	۵	آتشی	۶
ا	۱	آتشی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۴	الحکم	صاحب حکمت	۶۸	جلالی	۸ روز	پنج شنبه	۸۵۰۰	۶۸/۰۰۰
حرارت ۴ برودت ۱۱ رطوبت ۵ پیوست ۱۰ نتیجه پ ۷ / ی ۵ عنصر خاکی								

حکم: یعنی داد دهنده و جداکننده بحکم خویش میان حق از باطل.
مقربان به برکت این اسم فنون یافته اند باحوال آدمیان، بزرگان فرموده اند: دعوت این اسم را
هر کسی نماید، حضرت باری تعالی باطن او را محرم اسرار خود گرداند و دری از عالم غیب
بر دل او گشاده گردد و صفای باطن و ظاهر زیاده از آن او شود که بود.

۷۸۶

یا	ح	ک	م
ک	م	یا	ح
م	ک	ح	یا
ح	یا	م	ک

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
ک	۲۰	آبی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۵	الحمید	ستوده بصفه	۶۲	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۶۲۰۰	۶۲/۰۰۰
حرارت ۹ پروت ۱۲ رطوبت ۵ یبوست ۱۷ نتیجه پ ۴ / ی ۱۲ عنصر خاکی								

حمید: یعنی خدای ستوده به ذات خویش به سبب ذکر و ستایش و پرستش بندگان و پنداشت به هر بدگمان - سزاوار حمد و ستایش، او حمید است چون هم به خود حمد می‌کند و هم بندگان و موجودات حمدش می‌نمایند.

بزرگان و اهل تحقیق می‌فرمایند: دعوت این اسم مناسب هزاران و فحش گوینده‌ها است. این صفت از وی برود و به نیکوئی مبدل گردد. مقلب القلوب زبان او را بحمد و ثنای خود جاری سازد و نزد خلائق عزیز و مکرم گردد.

۷۸۶

ح	م	ی	د
ی	د	ح	م
د	ی	م	ح
م	ح	د	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ح	۸	خاکی	۶
م	۴۰	آتش	۴
ی	۱۰	بادی	۵
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب
۸۶	رحیم	مهربان	۲۵۸	جمالی	۹ روز	جمعه روز آخر	۲۸۶۶۶ ۲۸۶۷۲	۲۵۸۰۰۰
حرارت ۹		برودت ۹	رطوبت ۵	پیوست ۱۲	نتیجه ی ۸	عنصر خاکی		

الرحیم: یعنی مهربان بر بندگان

دعوت این اسم مناسب کسانیست که مضطرب الاحوال باشند و در مهم و کار خود فرومانده باشند.

هرکس دعوت نصاب را تمام نماید، بزرگان این فن فرمودند، جمیع مخلوقات از پرنده و غیره بر او انس گیرند و حکام و سلاطین مطیع فرمان بردار می گردند، و مقاصد اهل عالم از او کفایت شود.

تسخیر قلوب و ارواح در این اسم می باشد.

۷۸۶

ر	ح	ی	م
ی	م	ر	ح
م	ی	ح	ر
ح	ر	م	ی

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ح	۸	خاکی	۶
ی	۱۰	بادی	۵
م	۴۰	آتشی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۷	الفتاح	گشاینده	۴۸۹	جمالی	۹ روز	جمعه	۵۴۳۳۳ ۵۴۳۳۶	۴۸۹۰۰۰
حرارت ۱۲ پروت ۶ رطوبت ۲ یبوست ۱۶ نتیجه ح ۶ / ی ۱۴ عنصر آتشی								

فتاح: یعنی گشاینده هر کار بسته - کارگشا - نصرت دهنده.

خداوند در رحمت خود را به سوی بندگان می‌گشاید و طبق صفات کمال خویش هر مشکلی را آسان می‌نماید، و درهای بسته و راه‌های مسدود را به روی بندگان خویش باز می‌کند.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای هر که در کاری مشکل دارد مفتح‌الابواب باشد، زنگ غفلت از دل او بردارد و روی بهر کاری که آورد از پیش بردارد و فتوحی واقع شود که هرگز قبض و بسط نبیند و در باطن او را از عالم فتوحات رسد، چندان صفای باطن یابد که روی از دنیا بردارد.

۷۸۶

ح	ا	ت	ف
ت	ف	ح	ا
ف	ت	ا	ح
ا	ح	ف	ت

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ف	۸۰	آتشی	۳
ت	۴۰۰	بادی	۲
ا	۱	آتشی	۷
ح	۸	خاکی	۶

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابعاد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۸۸	الهادی	راه نماینده	۲۰	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۲۰۰۰	۲۰/۰۰۰
حرارت ۱۸ برودت ۷ رطوبت ۵ پیوست ۲۰ نتیجه ح ۱۱ / ی ۱۵ عنصر آتشی								

هادی: یعنی پیدا کننده و راه نماینده به اسباب نفع و ضرر بندگان.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب سالکان راه است هر که راه راست
خواهد باید که دعوت این اسم کند.

۷۸۶

ی	د	ا	ه
ا	ه	ی	د
ه	ا	د	ی
د	ی	ه	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ه	۵	آتشی	۶
ا	۱	آتشی	۷
د	۴	خاکی	۷
ی	۱۰	بادی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۸۹	الاحد	تنها بخدائی	۱۳	جمالی	۸ روز	جمعه	۱۶۲۵	۱۳/۰۰۰
حرارت ۷		پرودت ۱۳	رطوبت ۰	یُبوست ۲۰	نتیجه ی ۲۰ / پ ۶	عنصر خاکی		

احد: یعنی یگانه در یگانگی و بی همتائی در ذات خویش.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم برای اشخاصی است که طالب اسرار الهی و
 اسرار توحید آشکار باشند - و جلای قلب آنها زیاد می شود.

۷۸۶

یا	ا	ح	د
ح	د	یا	ا
د	ح	ا	یا
ا	یا	د	ح

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ا	۱	آتش	۷
ح	۸	خاکی	۶
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد تصاب
۹۰	الرب	پروردگار	۲۰۲	جمالی	۴ روز	جمعه	۵۰۵۰۰	۲۰۲/۰۰۰
حرارت ۷		برودت ۳	رطوبت ۷	پیوست ۳	نتیجه ح ۴ / ر ۴		عنصر بادی	

رب: یازده معنی برای رب کرده اند:

- ۱- مالک، ۲- جمع کننده، ۳- سید، ۴- تدبیر کننده، ۵- اصلاح کننده، ۶- همراه، ۷- رفیق، ۸- دائم، ۹- خالق، ۱۰- محول، ۱۱- تربیت کننده.
- اهل تحقیق و بزرگان گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که می خواهند مستجاب الدعوه گردند و صاحب دم گرم شوند.

۷۸۶

ب	ر	ا	ی
ا	ی	ب	ر
ی	ا	ر	ب
ر	ب	ی	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
ب	۲	بادی	۷

د	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۱	المجیب	قبول کننده دعا	۵۵	جمالی	۱۰ روز	جمعه	۵۵۰۰	۵۵/۰۰۰
حرارت ۱۶ برودت ۷ رطوبت ۱۹ یبوست ۴ نتیجه ح ۹ ر ۱۵ عنصر بادی								

مَجِیب: یعنی خدا اجابت کننده است آنرا که خواهد - قبول حاجات.
 اهل تحقیق و بزرگان می گویند: کسی که دعوت این اسم نماید هر خواسته و حاجتی که داشته باشد به قدرت مجیبت خود عطا فرماید، عرض حاجات او بکلی برآورده گردد و ایمن بود از نکبت دنیا و از همه بلاها ایمن بود اگر کسی را مهمی و کاری بود و در حصول آن مضطر گشته به دعوت این اسم قیام نماید.
 دعوت کننده این اسم مستجاب الدعوة گردد.

۷۸۶

ب	ی	ج	م
ج	م	ب	ی
م	ج	ی	ب
ی	ب	م	ج

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ج	۲	آبی	۷
ی	۱۰	بادی	۵
ب	۲	بادی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۲	الودود	دوستدار نیکان	۲۰	جمالی	۱۲ روز	جمعه	۱۶۶۶ ۱۶۷۴	۲۰/۰۰۰
حرارت ۱۲		برودت ۱۴	رطوبت ۱۲	یُبوست ۱۴	نتیجه ب ۲ / ۲ ی		عنصر خاکی	

ودود: یعنی خدای تعالی دوست مطیعان است و دوست دارنده هر فرمان بردار - بمعنای محبت است.

اهل تحقیق و بزرگان فرموده اند دعوت خود این اسم حضرت ودود او را بخلق خود محبوب گرداند و هر که او را بیند دوست دارد و خلق با وی مهربان گردند.
جهت جاه و قدرت و حرمت میان خلائق و عزیز نزد ملوک و سلاطین و گشادگی در کارها و دفع غم و حزن و خصم قوی و صفای باطن و جلای قلب و رفع وسوسه و حصول مرادات بزرگ.

۷۸۶

و	د	و	د
و	د	و	د
د	و	د	و
د	و	د	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
و	۶	بادی	۶
د	۴	خاکی	۷
و	۶	بادی	۶
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۳	البیرونی	نیکوکار مطلق	۲۰۲	جمالی	۴ روز	جمعه	۵۰۵۰۰	۲۰۲/۰۰۰
حرارت ۷		برودت ۳	رطوبت ۷	یُبوست ۳	نتیجه ح ۴ / ر ۲		عنصر بادی	

بُؤ: یعنی خدا نیکو کننده با خلاق خویش و نیکوئی او به همه جا و همه کس رسیده است -
یعنی وسعت در کار خیر و این یک وقت به خدا نسبت داده می شود مثل آنکه در وصف حق
تعالی آمده (انه هو البر الرحیم) به درستی که او نیک و مهربان است.
بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که از آفت دهر به تنزل
جاه و منصب رسند.

۷۸۶

ر	ب	ا	ی
ا	ی	ر	ب
ی	ا	ب	ر
ب	ر	ی	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پداپد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۴	الروف	درگذرومهربان	۲۸۶	جمالی	۷ روز	جمعه	۴۰۸۵۷ ۴۰۸۵۸	۲۸۶/۰۰۰
حرارت ۹ برودت ۳ رطوبت ۶ یبوست ۶ نتیجه ح ۶ عنصر بادی								

روف: یعنی خدا بخشاینده و مهربان بر خلقان است.
 صفت روفت پروردگار همانند رحمانیتش از وسعت و گسترش خاصی برخوردار است.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که ضعیف الحال و نحیف
 الجسد باشند.
 کسی که گرفتار حبس و محبوس شده باشد به این دعوت قیام نماید.

۷۸۶

یا	ر	و	ف
و	ف	یا	ر
ف	و	ر	یا
ر	یا	ف	و

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ر	۲۰۰	خاکی	۳
و	۶	بادی	۶
ف	۸۰	آتشی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۵	الماجد	بزرگی کننده	۴۸	جمالی	۱۲ روز	جمعه	۴۰۰۰	۴۸/۰۰۰
حرارت ۱۱		برودت ۱۴	رطوبت ۷	یُبوست ۱۸	نتیجه پ ۳ / ی ۱۱	عنصر خاکی		

ماجد: یعنی بزرگوار عطا دادن در ثواب بسیار در وقت عطا زیاده از یافت عقول او.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که اهل خلوت و
 سلوک اند و ایشانرا قبض واقع شده است و از آثار نور باطن محرومند.

۷۸۶

د	ج	ا	م
ا	م	د	ج
م	ا	ج	د
ج	د	م	ا

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ا	۱	آتش	۷
ج	۳	آبی	۷
د	۴	خاکی	۷

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهایی که باید خوانده شود	روز شروع عمل	تعداد هر روز	نصاب
۹۶	الملک	پادشاه مطلق	۹۰	مشترک	۹ روز	جمعه	۱۰/۰۰۰	۹۰/۰۰۰
حرارت ۴		برودت ۱۰	رطوبت ۵	پیوست ۹	نتیجه ب ۶/۴ ی		عنصر خاکی	

ملک: یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع مخلوقات
 بزرگان فرمودند: هر کس دعوت این اسم نماید هرگز محتاج نگردد و از خلق بی نیاز
 گردد و دولت دنیا و آخرت بیابد.
 و هر کس دعوت این اسم نماید بمرتبه سلطنت و پادشاهی رسد خواه در عالم صورت و
 خواه در عالم معنی.
 ملک کسی است که تصرف در امر و نهی عموم طبقات داشته باشد.
 دریاب کنون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می رود دست به دست

۷۸۶

یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتش	۴
ل	۳۰	خاکی	۵
ک	۲۰	آبی	۵

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۷	الباطن	پنهان از چگونگی	۶۲	مشترک	۱۰ روز	جمعه	۶۲۰۰	۶۲/۰۰۰
حرارت ۲۳ برودت ۰ رطوبت ۱۱ پیوست ۱۲ نتیجه ح ۲۳ / ی ۱ عنصر آتشی								

باطن: یعنی پوشیده ذات او از دریافت ابصار و اوهام.
 الله جل جلاله خبیر و بصیر به هر چه پنهان و سر است و از نیات و سرائر وجود ما با خبر می باشد.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: هر کسی که خواهان این است که باطن خود را از ضلالت نگاه دارد به دعوت این اسم قیام نماید.

۷۸۶

ب	ا	ط	ن
ط	ن	ب	ا
ن	ط	ا	ب
ا	ب	ن	ط

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
ب	۲	بادی	۷
ا	۱	آتشی	۷
ط	۹	آتشی	۵
ن	۵۰	بادی	۴

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم پدا بعد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۹۹	المؤخر	همیشه خواهد ماند	۸۴۶	مشترک	۱۰ روز	جمعه	۸۴۶۰۰	۸۴۶/۰۰۰
حرارت ۱۰ پروت ۵ رطوبت ۶ پیوست ۹ نتیجه ح ۵/۳ عنصر آتشی								

مؤخر: یعنی پست دارنده آنچه شایسته خواری و پستی بود در مراتب.
 بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت کننده این اسم جهت ترک هوای نفس و رضای خدای
 تعالی قیام نماید.
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: هر که را عمر با آخر رسیده باشد و اعمال خیر
 نداشته باشد باین اسم مداومت نماید عمر او دراز گردد و عمل او را مقبول گرداند و یقین او
 به حق تعالی زیاده گردد و در آن متمکن بماند.

۷۸۶

م	و	خ	ر
خ	ر	م	و
ر	خ	و	م
و	م	ر	خ

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۴۰	آتشی	۴
و	۶	بادی	۶
خ	۶۰۰	خاکی	۲
ر	۲۰۰	خاکی	۳

ر	نام اسماء	معنی	عدد اسم به ابجد	جمالی یا جلالی یا مشترک	تعداد روزهای ذکر	روز شروع عمل	تعداد ذکر در هر روز	حد نصاب
۱۰۰	المقسط	دادگر-عادل	۲۰۹	جلالی	۱۱ روز	جمعه	۱۹۰۰۰	۲۰۹/۰۰۰
حرارت ۹		برودت ۷	رطوبت ۷	یُبوست ۹	نتیجه ح ۲ / ی ۲		عنصر آتشی	

مقسط: یعنی خداوند دادگر و عادل و عالم به هر شخصی از بدی و نیکی که بدو رسد چنانچه در ازل قسمت فرموده است.

بزرگان و اهل تحقیق گویند: دعوت این اسم مناسب کسانیست که وسواس یا بسیار محتلم می گردند و خیالات فاسد او را تشویش دهند.

۷۸۶

ط	س	ق	م
ق	ن	ط	س
م	ق	س	ط
س	ط	م	ق

حروف	عدد	عنصر	درجه شدت
م	۲۰	آتشی	۴
ق	۱۰۰	آبی	۳
س	۶۰	آبی	۴
ط	۹	آتشی	۵